



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

مجموعه علمی، ادبی، تاریخی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

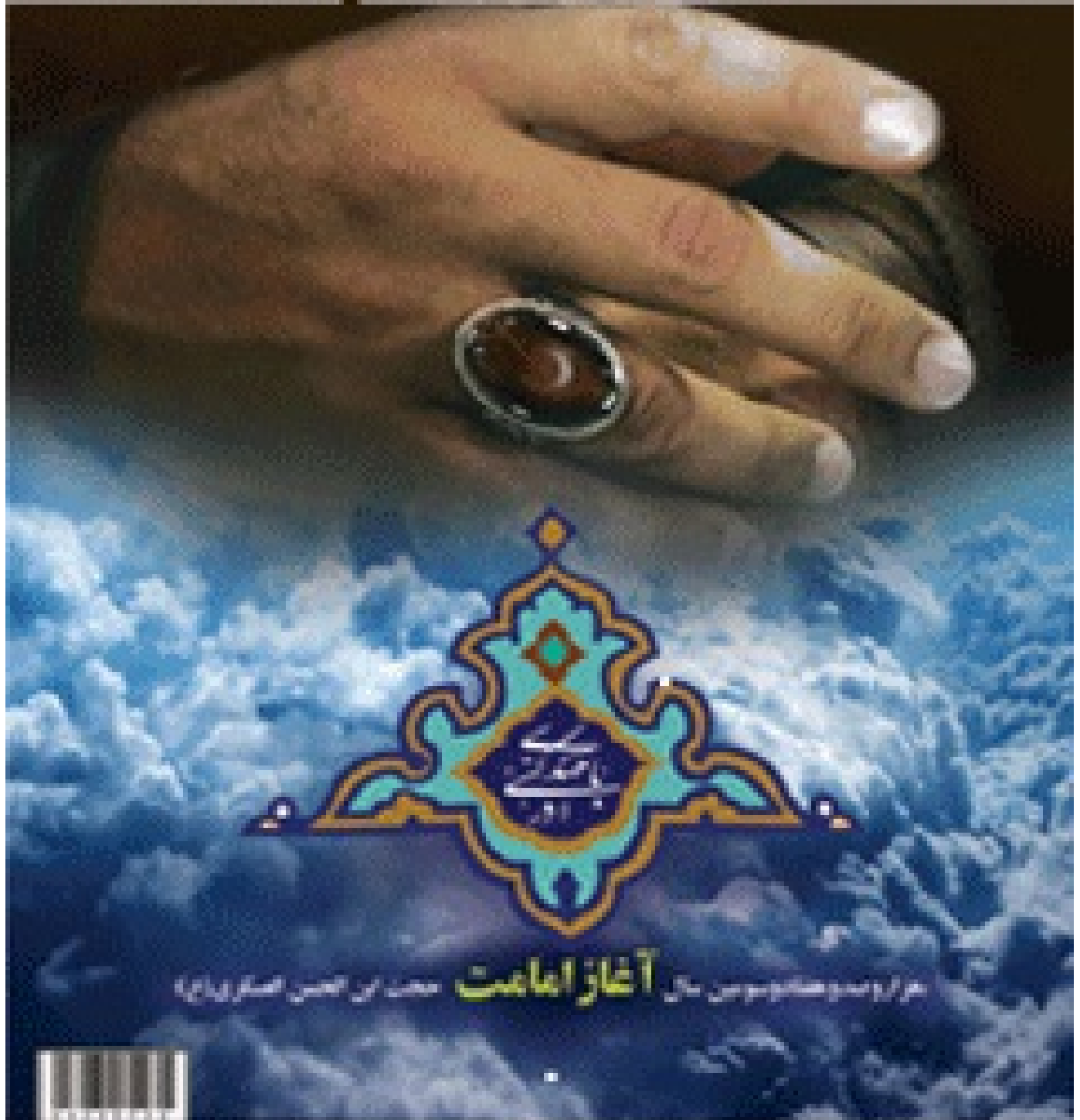
# موسکول

شماره ۴۰

ماهنامه



مجموعه علمی، ادبی، تاریخی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی



پژوهش‌های علمی و ادبی در زمینه نظامی، اجتماعی و فرهنگی **آغاز امامت** حضرت ابن العسیر العسکری (ع)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ماهنامه موعود ۴۰

نویسنده:

ماهنامه موعود

ناشر چاپی:

ماهنامه موعود

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	ماهنامه موعود ۴۰
۷	مشخصات کتاب
۷	شماره ۴۰ - آذر و دی ۱۳۸۲
۷	موقعیتی خطیر!
۸	مهدویت مسیحیت و صهیونیستی
۱۳	مسیحیان صهیونیست را بهتر بشناسیم
۱۷	جنگ به خاطر اسرائیل
۲۰	یادگارهای موعود (به یمن سالروز تاسیس مسجد جمکران)
۲۳	مسیح یهودی و فرجام جهان-۱
۲۸	مسیحیت صهیونیستی
۳۲	بیانیه سومین کنگره بین المللی مسیحیت صهیونیستی
۳۴	فجر مقدس-۱۱
۴۰	هشدار!
۴۱	نکته ها
۴۱	یکی از همین روزها
۴۱	مسیحا
۴۱	یا علی (ع)
۴۲	قرنهای انتظار
۴۳	تا نواحی مقدس صلوات
۴۳	پیغام دوست
۴۶	هدف؛ تخریب مسجدالاقصی
۴۶	یک فروغ روی او

۴۷ ..... راه بهره مند شدن از امام عصر(ع) در زمان غیبت

۴۷ ..... پایگاههای شیعی در اینترنت

۴۹ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## ماهنامه موعود ۴۰

## مشخصات کتاب

سرشناسه: ماهنامه موعود، ۱۳۸۲ عنوان و نام پدیدآور: شماره ۴۰ - آذر و دی ۱۳۸۲ / ماهنامه موعود ناشر چاپی: ماهنامه موعود  
مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و ماهنامه

## شماره ۴۰ - آذر و دی ۱۳۸۲

## موقعیتی خطرناک!

اسماعیل شفیعی سروستانی چنانکه خوانندگان موعود واقفند یکی دو شماره اخیر مبحث تازه ای با عنوان «مسیحیت صهیونیستی» در مجله ارائه شده است. که در ظاهر ارتباط مستقیمی با موضوع و محتوای مجلات موعود ندارد و ممکن است قدری بر صبغه سیاسی مجله افزوده باشد. اما این همه تنها یک رویه ماجرا است. وقتی در پی مطالعات و کنکاش درباره همه آنچه که مسلمانان و فرهنگ اسلامی و مهدوی را مورد تهدید قرار می دهد دریافتیم که طرح این موضوع می تواند خوانندگان را با جریانی پیچیده اما مخرب و اسلام ستیز آشنا کند و این آشنایی در شرایط حساس کنونی آنها را در تحلیل همه آنچه که پیرامونشان می گذرد یاری دهد صمیمانه دست به کار شدیم. «مسیحیت صهیونیستی» جریانی است سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی که امروزه با تمام قدرت و با تکیه بر پیشگوئیهای آخرالزمانی بر اریکه قدرت (در امریکا و برخی کشورهای غربی) تکیه زده است. این جماعت با ادبیاتی کینه توزانه و خصومتی آشکار با فرهنگ شیعی و مهدوی و با اعلام «قریب الوقوع» بودن ظهور حضرت مسیح، علیه السلام در اورشلیم سعی در بسیج تمامی قوا علیه کشورهای اسلامی دارد تا به زعم خود همه زمینه های لازم برای ظهور مقدس را فراهم آورد و موانع بین راه را پیشاپیش از میان بردارد. «مسیحیت صهیونیستی» با مراجعه به منابع توراتی و ایمان به پیشگوئیهای کتب محرف یهودیان ظهور حضرت عیسی، علیه السلام، را مشروط به وقوع جنگی بزرگ، عالمگیر و هسته ای می شناسد و مرکز این جنگ خانمانسوز را هم «منطقه آرماگدون» واقع در فلسطین اشغالی اعلام می کند و حسب همین پیشگوئیها وقوع جنگ آرماگدون را هم مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ و تسلط یهودیان بر کل سرزمین فلسطین و حتی فراتر از آن سوریه و عراق معرفی می کند. پرواضح است که آنان تمامی حلقه های این زنجیر را به هم متصل کرده اند و آخرین حلقه را هم رفع موانع فراروی اسرائیل یعنی انهدام سرزمینهای اسلامی و سرکوب هرگونه حرکت عدالتخواهانه مسلمین و شیعیان و بویژه ایران اسلامی می شناسند. چنانکه حسب همین فرضیه وارد عراق شده و اندیشه سلطه بر سوریه، عربستان و ایران را در سر می پرورند و با تقویت تمام عیار اسرائیل مقدمات به اصطلاح جنگ مقدس را فراهم آورده اند. حال باید پرسید: ۱- این جماعت از کجا آمده اند؟ ۲- مبتنی بر کدام منابع چنین ادعایی می کنند؟ ۳- چرا «فرهنگ مهدوی» را نشانه رفته و موضوع ظهور را دستاویز قرار داده اند؟ ۴- خاستگاه تاریخی، اجتماعی و سیاسی اینان کجاست؟ ۵- چگونه می توان برای مقابله با آنان مهیا شد؟ ۶- طرح و برنامه آینده آنان برای رویارویی با فرهنگ ولایی و روحیه جهادی چیست؟ ۷- و ... در حالی که تدارک پاسخ مناسب برای صدها سؤال در این باره در گرو مطالعه، تحقیق و تفحص جدی است. متأسفانه علی رغم وجود صدها سازمان و مؤسسه رسمی و بین المللی در کشور که جملگی از بودجه بیت المال استفاده می کنند و چند هزار نفر مأمور و پژوهشگر و ... که در اقصا نقاط عالم دارند هیچ حرکت و مطالعه جدی در این باره صورت نگرفته است. در حالی که امروزه در غرب حدود ۱۰۰۰ عنوان فیلم درباره آخرالزمان و حوادث سالهای بحرانی عصر ظهور

ساخته شده و بیش از ۱۲۰۰ شبکه رادیویی و تلویزیونی به صورت شبانه روزی آرمان و ادبیات این جماعت را به گوش مردم جهان فرو می خوانند. عدم اهتمام سازمانها و مؤسسات فرهنگی رسمی کشور در بررسی این جریانات باعث بوده تا که رسانه های جمعی ما از حرکت های دشمن تحلیلهایی ضعیف و دست دوم و منحصرأ سیاسی، اقتصادی ارائه دهند و در هوشیار ساختن مسلمین از خطراتی که آنان را تهدید می کند غافل مانند. اینهمه در حالیست که برخی، وظیفه نشریاتی چون موعود را دوری از این مباحث و اتخاذ سیاستی صرفاً اخلاقی با چاشنیف شاعرانه ها و مطالب ذوقی و ذکر مشاهدات و خوابها می دانند و از ورود به همه آنچه که امروزه فرهنگ مهدوی را در عرصه سیاست استکباری و یهودی تهدید و کیان فرهنگی و خاکی سرزمینهای اسلامی به خطر می اندازد بر حذر می دارند. امروزه غرب بیش از هر زمان متوجه قدرت و کارائی باور مهدوی و اندیشه آخرالزمانی است چنانکه دریافته است با سیاستهای یک قرن قبل مبنی بر فرقه سازی در این باره نمی تواند ره به جایی ببرد از همین رو با اتخاذ سیاستی پیچیده اما چندوجهی و پر قدرت وارد معرکه شده است. ورود گسترده در این موضوع از عهده «موعود» بیرون است و همه آنچه ارائه می شود تنها حسب انجام تکلیف در برابر ساحت مقدس امام عصر، علیه السلام است. ضمن دعوت از کلیه محققان، مترجمان، نویسندگان و پژوهشگران دلسوز و علاقه مند به این فرهنگ مقدس برای مطالعه و همراهی جدی امید آن داریم تا مسلمین و بویژه شیعیان تحت عنایات ولی الله العظم موفق به درک موقعیت خطیری که در آن قرار گرفته اند شوند و خود را برای مقابله جدی و همه جانبه با خصم و مصونیت بخشی به جامعه و جوانانشان آماده کنند. والسلام

### مهدویت مسیحیت و صهیونیستی

میزگرد شبکه تلویزیونی «المنار» مترجم محمد امیر ناصری اشاره: در مهرماه سال جاری شبکه تلویزیونی «المنار»، وابسته به حزب؟ الله لبنان، در برنامه «الکلمة الطیبه» اقدام به برگزاری میزگردی با موضوع «مهدویت و معتقدات جریان مسیحیت صهیونیستی» نمود. شرکت کنندگان در این میزگرد عبارت بودند از: ۱- دکتر جیروم شاهین؛ مشاور مطبوعاتی مجلس کلیسای خاورمیانه (مسیحی)؛ ۲- شیخ شفیق جرادی؛ مدیر مرکز بررسیهای اسلامی معارف فلسفی (شیعه)؛ ۳- دکتر شیخ محمدالصیام؛ رئیس دانشگاه اسلامی غزه در فلسطین اشغالی (سنی). از آنجا که موضوع و محتوای این میزگرد مورد توجه موعود قرار گرفت و درج آن را؛ در شرایط حاضر مناسب طبع خوانندگان تشخیص داد مقدمات ترجمه و ارائه آن فراهم شد. امید که مورد استفاده و تأمل واقع شود. ان؟ شاءالله نظریه «ارض موعود» را که یهودیان با اتکاء به آن سرزمین فلسطین اشغال کردند، چگونه تفسیر می؟ کنید؟ استاد جیروم شاهین: صهیونیستها گمان می؟ کنند که وعده بازگشت به ارض موعود امروزه از طرف خداوند برای کشور اسرائیل که در سال ۱۹۴۷ م. ایجاد گردید عملی شده است. اما آنها در اشتباه هستند چون این وعده بازگشت در دوره پیامبری و دعوت حضرت عیسی عملی گردید و خداوند این وعده را در میان قوم یهود با گزینش حضرت عیسی عملی کرد. این گزینش الهی به این معنا است که خداوند از میان همه اقوام قوم یهود را برگزید و از میان آنها عیسی مسیح را برگزید تا رسالت الهی را نخست در میان یهود و سپس در سرتاسر جهان تبلیغ نماید. خداوند ملت یهود را نه به عنوان قوم ممتاز بلکه به عنوان یک بستر آغاز برگزید چون لازم است دعوت الهی و پیامبری به لحاظ عیسی شدن و واقعیت یافتن از میان مردمی معین و در یک سرزمین معین و تاریخ معین باشد و خداوند هم قوم یهود را در عهد حضرت عیسی مسیح برگزید. تا پیام خداوند از این طریق وارد تاریخ بشری گردد. اما، برداشت و توهم صهیونیستها از ارض موعود و قوم برگزیده خداوندی کاملاً یک قرائت تحریف شده و مردود از کتاب مقدس است. تشکر می؟ کنم از استاد شفیق و سؤال دیگری را طرح می؟ کنم: ما در غرب شاهد رویکردی هستیم که دین را از سیاست جدا می؟ کند اما همچنان که حضرت استاد فرمودند امروزه غرب و به ویژه رهبران غربی رفتار سیاسی؟ شان مبتنی بر داده؟ های صلیبی و عقیدتی است. و در این میان ایالات متحده امریکا، از باب نمونه، رفتار صرف عقیدتی دارد. بر این مبنا آیا در غرب ما شاهد یک آمیزه و



اختلاطی از اهداف سیاسی و دینی هستیم؟ آیا این با جدایی دین از سیاست هماهنگی دارد؟! و آیا کلیسا از دولت جدا است؟! یا این؟ که کلیسا هم در این پروژه همکار دولت است؟ استاد جیروم شاهین: در حوزه طرفداران لائیسزم رویکردهای متفاوتی نسبت به دین دیده شده است. برخی از آنها لائیسزم را به صورت افراطی قرائت کرده؟ اند و قایل شده؟ اند به این؟ که لائیسزم و دنیاگرایی (سکولاریسم) همدیگر بی؟ دینی و یا ضدیت با دین است. اما واقعیت خلاف آن است و ما می؟ بینیم آنهایی که معتقد به لائیسزم هستند اقرار می؟ کنند که یک لایه عمیق فکری دینی در ماورای اندیشه آنها نهفته است اما نسبت به نظام حاکم و رژیم سیاسی ما با یک سری از متغیرهای اثرگذار روبرو هستیم که باید متوجه آنها باشیم. البته مسئله تا حدی پیچیده هم هست. در این راستا توجهم به تحلیل یکی از نویسندگان جلب شده است: وی می؟ گوید بعضی از حکام و رهبران غربی برداشت سیاسی؟ شان از جهان، برداشت توراتی است و جهان و هستی را به دو گروه خیر و شر تقسیم می؟ کنند. اگر تفکرشان بر تورات باشد با دو جبهه معارض در عالم مسیحیت روبرو می؟ شود که از این قرار است: ۱- جبهه معارض کاتولیک؟ ها؛ ۲- جبهه معارض ارتودوکس؟ ها. و مسیحیان درستکار هرگز نمی؟ توانند تفسیر نقد شده از تورات را پذیرا شوند. حتی پروتستانها هم با بینش توراتی و منحرف شده از انجیل مخالفت می؟ کنند. استاد شاهین: بله بله، کاملاً درست است که مسیحیان حقیقی نمی؟ توانند این تفسیر تحریف شده توراتی از جهان را بپذیرند اما لازم است بگویم که شاهد یک چالش در قرائتهای انجیل هستیم و چالش مزبور در اصل یک بینش یهودی دارد که از عهد عتیق یا تورات نشأت می؟ گیرد. داستان از این قرار است که مواجه با دو عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) هستیم. عهد جدید که انجیل باشد عهده؟ دار تعریف و تفسیر روشن از عهد عتیق است؛ یعنی دوش انجیل است که بیاید پرده از روی عهد عتیق بردارد و نه عکس آن. اما در این راستا ما شاهد یک کودتا هستیم که از سوی بعضی از مسیحیان غیر مسئول و اهمال؟ کار صورت گرفته است و این کودتای درونی سعی دارد مطالب عهد جدید را به گونه؟ ای قرائت کند که به سود یهود باشد؛ یعنی به جای این؟ که انجیل روشن؟ کننده و جهت دهنده تورات باشد اینها آمده؟ اند به اشتباه، تورات را به عنوان معرف انجیل گرفته؟ اند و گمان می؟ کنند که تورات باید راهنما باشد! این کودتای درونی تنها کودتا بر علیه مسیحیان نیست بلکه یک نوع کج روی و کودتا علیه عهد عتیق نیز تلقی می؟ شود، چون تورات اصیل هم راضی به این پروژه نیست. براساس سلسله نبوت، عهد عتیق یا تورات، درست زمانی قابل درک است که با آیات انجیل مطابق باشد و قرائت انجیلی از آن مستفاد گردد؛ نه این؟ که مقدم مؤخر شود و مؤخر مقدم گردد. این پروژه صهیونیستی غیرمعقول است. این قرائت انجیلی غیرمعقول توطئه؟ ای است صددرصد در خدمت صهیونیسم و خواهان تحریف انجیل و گمراه نمودن مسیحیان و این همان مسیحیت توراتی است که شاهد آن هستیم که در عمل از کیان صهیونیستی و دیگران حمایت می؟ کند. و قبل از هر چیز یک اعلام جنگ علیه خود مسیحیت است و این مسیحیت است که به اسارت یهود درآمده است. از خداوند می؟ خواهیم مسیحیت را از این اسارت رهایی دهد؛ زیرا ما شاهد بودیم که اولین انجمن و دومین انجمن کلیساها دقیقاً در همان شهری برگزار شد که صهیونیستها اولین کنگره تاریخی خود را در آن برگزار کرده بودند. کنگره؟ ای که بنیانگذار صهیونیسم جهانی، آن را رهبری کرد. این تقارن مکانی بیانگر این نکته می؟ تواند باشد که مسیحیت نسبت به اهداف یهود اهمال می؟ کند و به نوعی همراهی خودش را با آن اعلام می؟ نماید و عملاً تئوریهای واهی توراتی را مبنی بر این؟ که یهودیان به عنوان قوم برگزیده خداوند به سوی سرزمین موعود (فلسطین) حرکت نمایند، می؟ پذیرد. هیچ کس تصور نمی؟ کند که آنها (رؤسای کلیساها) از اهداف و نظرات صهیونیستها اطلاعی نداشتند و یا نمی؟ دانستند؟! از همین جا بود که نقطه انحراف تمایل مسیحیت به سوی یهود و صهیونیسم و برداشتهای توراتی و انحرافی سازمان یافت و آنها جهان را بر طبق دیدگاه تحریف شده تورات بازبینی کردند. دیدگاهی که بر دو محور شر و خیر است و می؟ گوید انسانها و افراد بشر یا خوبند که همان یهودیهای مورد نظرشان هستند و طبعاً بری و پاک از هر جرمی هستند و باید مورد حمایت قرار گیرند. و دیگر کسانی که در سوی دیگر هستند؛ یعنی دسته گناه؟ کاران که برای آنها هیچ حقی قابل نیستند. این گروه شامل

مسلمانها و پیروان ادیان دیگر است و برای؟شان به عنوان ملت و کشور ارزشی قابل نمی؟شوند. ادبیات سیاسی و روال رسانه؟های جمعی؟شان هم دقیقاً در همین راستا حرکت می؟کند. اوج تفکر مزبور در راهبرد سیاست خارجی ایالات متحده امریکا تجلی می؟یابد که خواهان حفظ و بقا و بازسازی اسرائیل است. البته این ظاهر مسئله است اما در واقع این اسرائیل است که به امریکا دیکته می؟کند. اکنون در پایان پاسخ می؟گویم که جایگاه ما در چارچوب جهانی در جایی است که اسرائیلی؟ها معین می؟کنند و حتی آن را به همه تحمیل می؟کنند. تلفنی از ایالات متحده امریکا از شخصی به نام آقای عبدالحلیم حافظ داریم که از میزگرد کانال تلویزیونی «المنار» سؤالی دارند. لطفاً توجه کنید، آقای حافظ بفرمایید: عبدالحلیم حافظ: سلام عرض می؟کنم و خدمت همه علما و استادان حاضر در جلسه و عرض ارادت دارم. موضوعی مهم است که می؟گویم: تا سال ۱۹۴۵ م. که جنگ دوم پایان یافت ما نظاره؟گر موج گسترده؟ای از تحقیر و تنفر نسبت به یهودیان هستیم که در سرتاسر اروپا به چشم می؟خورد و هیچ گونه همگامی و همکاری در میان مسیحیت و یهود دیده نمی؟شود و حتی ممنوع شده بود که یهودیان بتوانند در شهرهای بزرگ اروپا تردد نمایند. نخستین آوارگی گروهی آنان در سال ۱۹۲۸ م. رخ داد که متهم به ترور قیصر شده بودند. در این دوره به شدت یهودیان در اروپا و امریکا در رنج و فشار و تبعیض نژادی از سوی مسیحیان به سر می؟بردند و این امری ثابت شده و مورد اتفاق است. ما باید در تبلیغات بر روی صهیونیزم و نه یهود متمرکز شویم؛ چون این «هرتزل» است که به عنوان بنیانگذار صهیونیسم، صهیونیستها را به عنوان یک ملت در اروپا مطرح و سعی می؟کند برای آنها جایی را پیدا کند. در برابر اقدامات هرتزل صهیونیست، ما مرتکب چند خطای عمده شدیم: ۱- در برابر مطرح شدن یهود به عنوان یک ملت ویژه، احساس خطر نکردیم و ساکت ماندیم «تئوری ملت بدون سرزمین برای سرزمین ملت» ۲- تبلیغات یهود را در این راستا دست کم گرفتیم تا جایی که اروپا در برابر تبلیغات یهودیان قانع گردید که یهودیان یک ملت؟اند و ما باز هم خطر را درک نکردیم و نسبت بدان ساکت ماندیم. اما یهودیان در برابر غفلت مرگ؟آفرین مسلمانان بیکار نماندند و سه کار عمده را آغاز کردند: ۱- اقدام به تأسیس بانکها نمودند؛ ۲- وسائل ارتباط جمعی و رسانه؟ها را در اختیار گرفتند؛ ۳- با نخبگان و رجال قدرتمند اروپایی پیوند برقرار کردند. این اقدامات ربطی با پیوند مطرح شده در مطالب قبلی شما ندارد و با این ترندها بود که یهودیان نخست در میان اروپاییان نفوذ پیدا کردند و اکنون هم در صفوف مسلمانها دایم در حال رخنه کردن هستند و متأسفانه تبلیغات صهیونیست؟ها تأثیر گذار است. از شما تشکر می؟کنم و از روحانی (مسلمان) بزرگوار، شیخ صلاح شفیق، خواهشمندم که مباحثشان در رابطه با حضرت امام مهدی(ع) ادامه دهند. شیخ شفیق جرادی: ظهور حضرت امام مهدی(ع) در نزد مسلمانها فقط یک ظهور شخصیتی و فردی نیست؛ بلکه یک تحول عظیم و جهانی است و در همه جوامع یک نوع توافق و هماهنگی و نهایتاً همفکری به عنوان مقدمه ظهور پدید می؟آید و از آنجا که دین اسلام به فطرت انسانها نزدیک؟تر است بالطبع زمینه پذیرش آماده می؟گردد. اما ایجاد این زمینه ظهور ایجاب می؟کند که ما در رفتار روزانه و پندار و گفتار خویش به گونه؟ای باشیم که زمینه توافق جهانی و هماهنگی فکری فراهم گردد و این نمی؟شود مگر این که؟ آزادی وسیع و گسترده فراهم گردد تا همه مذاهب و اندیشه؟ها بدون هیچ مانعی به تضارب آراء و افکار پرداخته و حقیقت را پیدا نمایند. آن وقت است که فرایند ظهور حضرت امام مهدی آغاز می؟گردد. فرایندی که توأم با وفاق جهانی است. در ادامه سخنان استاد شفیق می؟خواهم در رابطه با فرایند دولت امام مهدی و نحوه تشکیل آن صحبت شود و این؟که تئوری آخرالزمان و یا به عبارت دیگر فرجام تاریخ را چگونه ارزیابی می؟کنند؟ دکتر شیخ محمد صیام: ضمن عرض خیر مقدم به شرکت؟کنندگان، حضورشان را گرامی می؟دارم. آقای دکتر جورج برای ما خاطره خروج بنی؟اسرائیل از مصر را یادآوری کردند. گویا در آن واقعه تردید داشتند که صورت نگرفته است. دکتر جورج: من اظهار تردید در آن موضوع نکردم. دکتر شیخ محمد صیام: شما گفتید تاریخ جهان شاهد آن واقعه نبوده است. دکتر جورج: من گفتم که تاریخ عهد قدیم بر مبنای یک سری از حوادث و داستانهای تاریخی بنا شده است که صددرصد درست نیست و هیچ گونه دانش یقینی و تفصیلی به آن نداریم. دکتر شیخ

محمد صیام: بله! بله! درست است. اما از این؟ که وارد بحث چگونگی دولت امام مهدی (ع) شوم من در برابر تاریخ شجاعت به خرج داده و می‌گویم در آنجا یک بشارت از سوی حضرت مسیح (ع) نسبت به حضرت مهدی (ع) است و این هر دو شخص با هم بدون ارتباط نیستند چون ما معتقدیم در کتاب خداوند (قرآن مجید) درباره حضرت عیسی (ع) چنین آمده است: «و رسولاً إلی بنی اسرائیل» و حضرت عیسی به عنوان رسول بر بنی اسرائیل آمد. و همچنین «و مصداقاً بین یدیه من التوراه»؛ یعنی آنچه که از تورات مصون از تحریف در نزدش بود آن را تأیید نمود. بعداً قرآن می‌گوید: «و مبشراً برسول یأتی من بعده اسمہ احمد». مسلمانها به این آیات اعتقاد محکم و خلل‌ناپذیر دارند و همین رسول گرامی اسلام که آمدن او را مسیح بشارت داده ظهور حضرت مهدی (ع) را بشارت می‌دهد. احمد بن حنبل در مسند خودش در حدیثی از ابوسعید خدری چنین روایت می‌کند: قال رسول الله (ص) «أبشركم بالمهدی (ع)»؛ شما را به مهدی بشارت می‌دهم. ما احادیث زیادی راجع به حضرت مهدی (ع) داریم، اما این حدیث مخصوص است که عنوان بشارت دادن دارد. می‌گویید زمانی که زمین پر از بلاهای طبیعی و زلزله و... می‌شود و فتنه‌ها اوج می‌گیرد حضرت امام مهدی (ع) ظهور می‌کند که عدل و داد را برپا می‌کند و همه ساکنان زمین و آسمان از او راضی هستند و مال را عادلانه در میان مردم تقسیم می‌کند. پیامبر می‌گوید: «یقسّم المال صحاحاً» مردی از رسول خدا می‌پرسد: معنای «صحاحاً» چیست؟ حضرت می‌فرماید: «بالسویۃ بین الناس». لذا خروج امام مهدی (ع) ارتباط با حوادث آخرالزمان دارد که عصر هرج و مرج است؛ یعنی ضدیت و کشتار و گردنکشی است که امیر یا خلیفه و یا سلطان کشته می‌شود و در این وقت مردمان به ستوه آمده و به دنبال مردی صالح می‌گردند تا با او بیعت نمایند و او همان مهدی است که در بیت الحرام است یا در شهر مکه است اما او از مردم می‌خواهد که وی را رها کنند؛ چون امر مهمی است که بر عهده او گذاشته می‌شود اما مردم اصرار می‌کنند تا این؟ که با او بیعت می‌نمایند و این مسئله را مردم شام و عراق و مصر هم خبردار می‌شوند و نماینده‌های آنان هم برای بیعت با امام مهدی (ع) بیعت می‌کنند. چگونه می‌توانیم در میان حوادث سرزمین فلسطین و قیام حضرت مهدی (ع) ارتباط قایل شویم؟ دکتر شیخ محمد صیام: ذکر شده که امام مهدی (ع) در زمانی می‌آید که مسلمین حال بدی مانند امروز و یا بدتر از آن دارند و دیگر ساکنان زمین حال؟شان بدتر از مسلمانها است. همین مردم اعم از مسلمان و مسیحی ساکن فلسطین هستند. در فلسطین ظلم از همه جای دیگری بیشتر است اما در سایر جاها مانند مصر اوضاع در حدی معمولی است. اما مشکل جاری در آنجا برعکس فلسطین اشغال شده نیست اما در فلسطین یک ظلم و ستم آشکار است. اگر امام مهدی پس از ظهور اوضاع کنونی نظیر عراق را مشاهده کند مسلماً با آن مقابله می‌کند. امروزه ما شاهد دو گونه ظلم هستیم یک ظلم فعلی و جاری در فلسطین اشغالی است و دیگر ظلم استعدادی و بالقوه صورت تهدیدهای مداوم متوجه سایر کشورهای مسلمان مانند سوریه و یا جمهوری اسلامی ایران است. [در ادامه حوادث عصر حضور] حضرت عیسی با امام مهدی ملاقات می‌کند و هر دو به جنگ دجال رهبر یهودیان می‌روند و پیروز می‌شوند و این حوادث کلاً مربوط به فلسطین است و خداوند از همه آگاه‌تر است. آقای دکتر! در این سخنان ما عیسای مسیح را در نقش یک سردار جنگی می‌بینیم که در پی شکست دادن دشمن و دستیابی به اهدافش از راه جنگ است اما مسیحیت از عیسای مسیح یک سیمای صلح‌طلب و به اصطلاح مهربان و ضد جنگ حکایت می‌کند. شما چگونه این دو نقش متضاد را تفسیر می‌کنید؟ دکتر جیروم شاهین: بحمدالله این جا تضادی نیست و بازگشت دوم مسیح برای اینست که شر را سرنگون نماید و خیر را حاکم سازد و این جنگهایی که اکنون صحبت شد ناشی از شرایط محیط و تاریخ است و نه این؟ که رسالت مسیح (ع) جنگ باشد و اینها همه روایاتی است که معطوف به اوضاع فعلی است اما مسلم اینست که ظرف ظهور مهدی (ع) خاورمیانه خواهد بود و پایان تاریخ جهان در همین نقطه رقم زده خواهد شد. اما استراتژی مسیح در رابطه با بن‌بستهای اجتماعی و سیاسی اینست که به نحو مسالمت‌آمیزی حل و فصل شود و نه با جنگ و خونریزی و من معذرت می‌خواهم از شما و اشاره می‌کنم که در غرب یک سیمای ساختگی از مسیح ترویج می‌شود که دقیقاً طبق همان سخن است که شما فرمودید و من لازم است که عمیق‌تر به این

جریان انحرافی پردازم. در دهه؟های ماقبل سنوات ۱۹۷۰م ما شاهد یک بنیادگرایی مسیحی و انجیلی بودیم که نام خود را «مورال مامازولتی» گذاشت و مورد توجه امریکا و صهیونیستها بود. اینها انجمنی بودند که هدفهای اخلاقی را تعقیب و خودشان را با شناسنامه مسیحیت عرضه می؟کردند و در پی سنتها و ارزشها می؟گشتند اما تا بدین پایه امروز مطرح نبودند. اما از دهه هفتاد میلادی به بعد توسعه یافته و دارای رسانه؟های تبلیغاتی شده و تقویت یافتند و به صورت قدرت بزرگی درآمدند. آقای دکتر! آیا در اینجا شما یک رابطه؟ای در میان ظهور امام زمان و بازگشت مسیح می؟بینید؟ دکتر: خیر! من نمی؟بینم البته آنچه که حضرت شیخ گفته است یک دیدگاه اسلامی است اما مسیحیت اشاره؟ای به این معنا که مهدی و یا احمد ظهور می؟کند ندارد. در اناجیل چهارگانه و رسمی که در قرن اول میلادی مدوّن شده است چنین چیزی را نداریم اما نام احمد و آنچه به اصطلاح انجیل برنابا نامیده می؟شود این یک قرائت اسلامی از آن است و ما به آن احترام می؟گذاریم ولی کاری به آن نداریم. با تشکر، سؤال دیگری را مطرح می؟کنم: با توجه به فتوحات حضرت مهدی و جنگهای ایشان چگونه تصور می؟کنید که غرب به ایشان التفات کرده و ایمان بیاورند؟ همچنین با توجه به این؟که غرب منتظر ظهور و بازگشت مسیح(ع) هستند و نه حضرت مهدی چگونه عقلاً تصور می؟شود که آنها تابع حضرت مهدی شوند؟ شیخ شفیق جرادی: با تشکر، کلماتی که در متون دینی آمده است یک الفاظ رمزی و سمبلیک است که نیاز به تعمق و تأویل و تفسیر دارد و نمی؟شود صرفاً با شکل ظاهری آن مواجه شد. در این موارد قرائتهای متعددی است و ما با یک بحث روش؟شناسی و روش شناخت متون و نحوه برداشت از آن مواجه هستیم. در این گونه موارد که متون به ظاهر همخوانی با مقتضیات زمان نمی؟کند ما به روشهای زیر روی می؟آوریم: ۱- آیا با میزان عقلی می؟توان این متون را بازخوانی کرد؟ ۲- تا چه حدی می؟توان در برابر نقلهای تاریخی ایستاد؟ ۳- تا چه اندازه؟ای این گزاره؟های نقلی با حوادث جاری سازگاری دارد؟ ۴- تا چه میزان با اهداف عالی در شریعت اسلامی همراهی می؟کند؟ و این؟که شما با یک زبانی صحبت کنید که تصور شود حرکت تاریخ صددرصد جبری و بدون دخالت اراده است درست نیست. اینطور نیست که معنای متون دین قصور دارد، نخیر! این اشتباه است موضوع امام و امامت نزد ما یک حقیقتی ایمانی است اصلاً بحث بردار نیست و یک مسئله قطعی است. اما رخ دادن یک جنگ در دوره مزبور نمی؟تواند بگوید که سرتاسر آن دوره مملو از جنگ و خونریزی و کینه است. این جنگ در دوره امام یک لحظه؟ای از هزاران لحظه است و نمی؟شود یک لحظه را بر همه لحظات تعمیم داد و همه را زیر سؤال برد مثلاً شما سال ۲۰۰۰م را می؟توانید از زوایای مختلفی بنگرید. می؟توانید بگوئید سال ۲۰۰۰ سال حرکتهای آزادیبخش است و یا با توجه به حوادث اتفاق افتاده آن را سال شکنجه و درد و الم بنامید؛ شما نمی؟توانید دیدگاههای نظری خودتان را بر تاریخ تحمیل کنید. ولی من می؟توانم تاریخ آینده را با توجه به روایات وارده در مورد حضرت مهدی(ع) بازخوانی و برداشتی از آن ارائه نمایم، اما با توجه به حوادث تلخ کنونی که متولی آن استعمار امریکا و اسرائیل است می؟توانم بگویم: موازنه فعلی نیروها در سطح جهان و حوادثی که در قدس شریف رخ می؟دهد تا یک حدی با متون روایات وارد در باب حضرت مهدی(ع) همخوانی دارد. مطالب زیر را از باب نمونه می؟آورم: ۱- روایاتی درباره حوادث مربوط به روم در آخرالزمان وارد شده است. روم همان فرانسه یا همان غرب است؛ چون فرانسه جزئی از غرب است؛ ۲- روایاتی دیگر آنها را به نام «شعب الاقصی»، «ملت دور دست» نامیده است؛ ۳- روایاتی که در باره افریقائیان آمده است؛ ۴- روایاتی در مورد عراق وارد شده است؛ ۵- روایاتی که موضوع سوریه و لبنان و سعودی را مطرح می؟کند. خلاصه این؟که همه این روایات در مورد منطقه خاص و محدود است که در آنجا اضطرابها و تنشها به پایان می؟رسد و آن نقطه، نقطه آغاز صلح است که فلسطین است چون در فلسطین ما شاهد یک برتری؟طلبی منفی و نابکارانه از سوی یهودیان و حامیان استکباری آنها هستیم. اما این مستکبران با دو مانع عمده روبرو هستند: ۱- فرآیند ظهور امام مهدی(ع) که با تمام تفصیلات و تشکیلات دنیوی و اخروی در برابرشان است. ۲- حضرت عیسی مسیح که از آسمان به زمین می؟آید. لذا ما با دو امر مواجه هستیم. امر نخست؛ یعنی پروسه ظهور امام مهدی یک نوع وفاق جهانی ایجاد می؟کند که زمینه

تفاهم و برادری را در دنیا می‌آورد و در این راستا جهان مسیحیت هم به برکت نزول عیسی (ع) با مسلمانها کنار می‌آید و وحدت می‌کنند و این بر طبق باورهای اسلامی ما است که عیسیای مسیح آنها را به سوی مهدی (ع) هدایت می‌کند. حضرت عیسی (ع) دجال را می‌کشد که بسیار مهم است. دجال مردی یک چشم است تقریباً شبیه «ژنرال موشه دایان» تروریست و وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی. در روایت آمده که مسیح دجال را به گونه‌ای می‌کشد و نابود می‌کند که دجال ذوب می‌شود و مثل مسی گداخته که در حرارت بالا ذوب می‌گردد. این یک گفته رمزی و سمبلیک است؛ یعنی جنگ همه‌اش نابود کردن نیست بلکه عنصر ساختن نیز دارد و عناصر آلوده را ذوب کرده و بعد از پالایش دوباره از نو استفاده می‌کند. امر دوم: از متون دینی انتظار می‌رود که پیامهایش را به صورت قطعی و رسا و پر حرارت بیان کند که موضوع نهائی دین در برابر این دسته‌ها و جماعات (صهیونیستها) چیست؟ وقتی که متون دینی می‌خواهد درباره یهود اعلام موضع کند در حقیقت درباره یک جریان سخن می‌گوید که یهودیا؟ پی‌نوشت: ۱. این کنگره در شهر «بال» سوئیس برگزار شد موعود شماره ۴۰

### مسیحیان صهیونیست را بهتر بشناسیم

علی فهمیم؟ دانش مبانی عقیدتی پیروان کلیسای انجیلی آمریکا که پیروان آن حدود یک چهارم جمعیت آمریکا (۷۰ میلیون نفر) را شامل می‌شوند و تعدادشان رو به رشد است، مهم‌ترین خاستگاه نظری راست؟ گرایان مسیحی است. هسته مرکزی پیروان این فرقه، مطلق گرا و معتقد به نبرد دائم بین خیر و شر هستند. «بازگشت دوم حضرت مسیح» در «آخرالزمان» بعد از طی مراحل که نهایت آن به «جنگ و ویرانی بزرگ» ختم می‌شود، از جمله مبانی اعتقادی این جریان است. بر مبنای چنین اعتقاداتی حضرت مسیح روزی به زمین برخواهد گشت و برای هزار سال حکومت خواهد کرد. و اقدامات او طی هفت مرحله (۱) صورت می‌گیرد. اکنون مرحله ششم، یا مرحله کلیسا، است و مرحله بعد، «آخرالزمان» (۲) خوانده می‌شود که طی آن حضرت مسیح به سوی زمین رو می‌کند و مؤمنان مسیحی را حیات دوباره می‌بخشد. سپس «ضد مسیح» (۳) در زمین ظاهر خواهد شد و خود را به دروغ منجی یهودیان خواهد خواند. برخی معتقدند که آنچه که موجب باور برخی به او می‌شود این است که او قادر به اعاده صلحی ظاهری در خاورمیانه خواهد شد. حکومت ضد مسیح، هفت سال به طول می‌انجامد و دوره «رنج یا آزمایش بزرگ» (۴) خوانده خواهد شد. در نیمه اول این دوره، ضد مسیح صلح ظاهری را برقرار و در نیمه دوم علیه اسرائیل اقدام خواهد کرد. او به این ترتیب مجموعه گناهان بشر را کامل کرده و حکم نهایی خدا و شروع دوره «ای بی سابقه برای آزار یهود را باعث خواهد شد. این دوره با محاصره اورشلیم (بیت المقدس) به وسیله ملت‌های متخاصم که قصد نابودی آن را دارند خاتمه خواهد یافت و صحنه برای «نبرد نهایی» یا «آرماگدون» (۵) آماده خواهد شد. پیروان کلیسای انجیلی معتقدند که در این مرحله، حضرت عیسی، سوار بر اسبی سفید، به زمین برخواهد گشت، و در پی او سواره نظامی مرکب از مؤمنان از ابرها سرازیر خواهند شد و حرکت خواهند کرد. عیسی مسیح پیروزمندانه به جنگ وارد شده، معابد باستانی یهودیان را احیا و حکومتی هزار ساله را آغاز خواهد کرد، بهشتی و زمینی جدید را نشان خواهد داد و شیطان را برای همیشه خاموش خواهد کرد. «بنیاد گرایی مسیحی» (۶) در گذشته بر سلوک اخلاقی صحیح تکیه داشت، ولی در دهه‌های گذشته صرفاً سیاسی شده است. به «بنیاد گرایی»، لقب «تجدید حیات یافته» نیز داده می‌شود. این مسئله شامل یک نوع تجربه بیداری معنوی و یا صرفاً گرایش به افکار سیاسی خاص است. آنها معتقدند تاریخ بشر در طی نبردی در آخرالزمان به نام «آرماگدون» به پایان می‌رسد و نقطه اوج آن ظهور دوباره مسیح است؛ پس از آن، داوری نهایی برای همه مردگان و زندگان انجام می‌شود. این جریان معتقد است: خداوند مقرر کرده است که بشر هفت مرحله یا هفت مشیت الهی را از سر بگذراند که یکی از آنها «نبرد هسته‌ای آرماگدون» است. (۷) با آغاز این جنگ وحشتناک، رستگارشده‌گان به آسمانها عروج خواهند کرد و از مصیبت جنگ در امان خواهند بود. کتاب بر جای مانده نوشته «تیم لاهه»، تشریح‌کننده چنین اعتقاداتی است و تا

کنون در دوازده جلد انتشار یافته و مجموعاً بیش از ۵۰ میلیون نسخه فروش داشته است. در این مجموعه کتابها اعتقادات مسیحیان انجیلی در مورد نبردهایی که قبل و در جریان «بازگشت دوم» مسیح به وقوع خواهد پیوست، تشریح شده است. برخی از پیروان این جریان بر این مبنا که حرکت در جهت برخورد نهایی نباید مختل یا کند شود، نسبت به بسیاری از اقداماتی که در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد، نظر منفی دارند، از جمله آنها، دبیر کل سازمان ملل را - که وظایفی در مورد حفظ صلح دارد - در جهت ضد مسیح می‌گیرد، دانند. بسیاری از آنها در پی حوادث یازده سپتامبر و درگیریهای فلسطین بسیار فعال شده و آنها را دلایل دیگری بر اجتناب ناپذیر بودن «جنگ» ویرانی بزرگ «یافته؟» اند. به قول «دولت گیسون» مدیر «ائتلاف جهانی انجیلی؟ها»، «خشونتها مردم را به فکر انداخته که آیا مسیح در حال ظهور است؟» آنچه در نظر بحث ما مهم است این است که مسیحیانی که پروتستان انجیلی شمرده می‌شوند و ظاهراً به درجات مختلف دارای چنین عقایدی هستند، بزرگ‌ترین فرقه مسیحی در آمریکا را به وجود آورده‌اند؛ اگرچه روشن نیست که چه بخشی از آنها اصولاً به این عقاید باور دارند و چه بخشی ندارند. به هر حال، بر مبنای چنین عقایدی راست مسیحی در آمریکا برقراری صلحی پایدار، جامع و حقیقی در خاورمیانه را تا قبل از آمدن «منجی» و وقوع «نبرد نهایی» نه تنها مشکل بلکه غیرممکن می‌داند و نسبت به تلاش‌هایی از نوع «روند صلح» و «موافقت؟نامه؟های اسلو» به دید شک می‌نگرد. چنانکه در آینده تشریح خواهد شد، عقاید دین‌شناختی (تئولوژیک) راست مسیحی به نوبه خود مبنای اصولی جانبداری این جریان از اسرائیل است و پایگاه سیاسی قابل توجهی برای طرفداران لیکود در آمریکا و عملکرد کسانی چون شارون در اراضی اشغالی فراهم آورده است. بر این مبنا، ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تحقق یک «پیشگویی پیامبرانه» و مقدمه عملی شدن پیشگوییهای دیگر بوده است. از این جهت ملاحظات استراتژیک یا سیاسی یا ارزشهای مشترک و امثال آن که مبنای جانبداری جریانهای غیرمذهبی از اسرائیل است نقش عمده‌ای ندارد. البته بحث آخرالزمان در فرقه‌های مختلف مسیحیت به گونه‌های مختلف مطرح شده است و حتی در داخل جریان راست مسیحی نیز تفاوت‌هایی در نگرشهای بخشهای مختلف آن به مسئله آخرالزمان و ربط آن با کشور اسرائیل وجود دارد. برخی از اینان حاکمیت خدا را به گونه‌ای موسع می‌بینند و بر این مبنا معتقدند که خدا قادر به انجام هر آنچه که اراده کند، هست و لذا ضروری نیست که وسیله به‌خصوصی (دولت به‌خصوصی) وجود داشته باشد تا خدا بتواند هدف به‌خصوصی را محقق سازد. به علاوه موضوع تشکیل اسرائیل تا جنگ دوم به عنوان موضوعی جدی مطرح نبود و تنها بعد از این جنگ جدی شد. این واقعیت که نزدیک به دو هزار سال اعتقادی که رژیم اسرائیل از محورهای آن به شمار می‌رود، نقشی در مسیحیت نداشته است، از بزرگ‌ترین نقاط ضعف این اعتقاد است. در بین برخی از انجیلی‌ها اعتقاد راسخی وجود دارد مبنی بر این که شکل‌گیری حکومت ضد مسیح نزدیک است و در اثر آن یک دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی شدید حاکم خواهد شد به نحوی که حتی برای خرید و فروش معمولی نیز احتیاج به کسب اجازه قبلی خواهد بود. اینان اعتقاد دارند که برای تقویت چنین رژیمی یک پیامبر دروغین توانا و یک مذهب جهانی به وجود خواهد آمد. البته همه هواداران جریان راست مسیحی الزاماً به این گونه عقاید پایبند نیستند، و اعتقادی به مراحل هفت‌گانه ندارند، بلکه بعضاً پذیرفته‌اند که آموزه‌های انجیلی باید با شرایط عصر جدید انطباق داده شده و بازگشت به قوانین انجیلی و تحقق قطعی آنها ممکن است قرن‌ها به طول انجامد. اما رهبران سیاسی و مبلغان راست مسیحی؛ مانند «پاتریک رابرتسون» و «جری فالول» و در واقع اکثر مبلغان تلویزیونی و نیز میلیون‌ها تن از پیروانشان معمولاً دارای اعتقادات افراطی هستند. یکی دیگر از مبانی اعتقادی کلیسای انجیلی اعتقاد به حضرت مسیح به عنوان تنها منجی است. این در حالی است که پیروان دیگر فرقه‌های لیبرال‌تر پروتستانسم؛ مانند «پرسیترین؟ها» و «متودیست؟ها» حضرت مسیح را یکی از راههای نجات می‌دانند. این امر به ویژه یکی از مبانی اعتقادی مهمی است که باعث گرایش شدید انجیلی‌ها به دعوت پیروان دیگر ادیان بلکه پیروان دیگر فرقه‌های مسیحی به کلیسای انجیلی شده است. برنامه‌های عامه‌پسند تلویزیونی کشیشان پروتستان در آمریکا که حدود ۶۰ میلیون بیننده دارند، پیوسته می‌کوشند

مردم را متقاعد سازند که به جای «صلح» باید در پی «جنگ» باشند. آنها با نقل آیات انجیل سعی می‌کنند ثابت کنند که ما در دوره آخرالزمان هستیم. اینان چون اعتقاد دارند اسرائیل باید «مقر فرود آمدن» دومین ظهور مسیح باشد، سعی دارند پرستش سرزمین اسرائیل را به یک آیین مذهبی بدل سازند. آثار سیاسی قرار گرفتن معتقدان به «مشیت الهی؟ گرای» در سمتهای حساس ایالات متحده می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد. به عنوان مثال، «جیمس وات» به عنوان وزیر کشور اسبق ایالات متحده، در کمیته مجلس نمایندگان اظهار داشت: «به علت ظهور دوباره و قریب؟ الوقوع مسیح، نمی‌توانم خیلی در بندف نابودی منابع طبیعی خودمان باشم.» پیام مشیت الهی؟ گرایان، منحصر به مرزهای ایالات متحده نیست. این گروه در اوت ۱۹۸۵ نمایشی را به صحنه آوردند که نخستین کنگره «مسیحیان صهیونیست» نام گرفت. در اوایل دهه ۹۰، آمریکائیان به بیش از ۱۴۰۰ رادیوی مذهبی گوش می‌دادند. اکثریت هنگفتی از ۸۰۰۰۰ کشیش بیناد گرای پروتستان که روزانه از ۴۰۰ ایستگاه رادیویی سخن؟ پراکنی می‌کنند، خواهان مشیت الهی؟ گرای هستند. برخی از مشهورترین این افراد عبارتند از: پاتریک رابرتسون، جیمی سواگارت، جیم باکر و جری فال؟ ول. مدرسه؟ های انجیلی بسیاری، چه فرقه؟ ای و چه فرافره؟ ای در سراسر آمریکا اصول خداشناسی آرماگدون را بر پایه پرستش اسرائیل تعلیم می‌دهند. تعداد این مدارس در حدود ۲۰۰ مؤسسه و دارای حدود ۱۰۰۰۰۰ دانشجو می‌باشند. این دانشجویان پس از فراغت از تحصیل، کشیش پروتستان می‌شوند، به میان مردم می‌روند و این دیدگاه را تبلیغ می‌کنند. اما «آرماگدون»؛ که در اصل «هار مجدو» می‌باشد، به معنی «کوه مجدو» است. «مجدو» در شمال فلسطین اشغالی در کرانه غربی رود اردن واقع شده و در طول تاریخ، شهری استراتژیک بوده است. این شهر بر سر راه شرق و غرب و شمال و جنوب قرار داشته است و تبعاً جنگهای بسیاری در آن رخ داده است. در صحیفه «حزقیال نبی» درباره این جنگ آمده است: «بارانهای سیل؟ آسا و تگرگ سخت آتش و گوگرد، تکانهای سختی در زمین پدیدار خواهند آورد؛ کوهها سرنگون خواهند شد، صخره؟ ها خواهند افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید.» کشیشان بنیادگرایان توصیفات را نشانه مبادله سلاحهای تاکتیکی هسته؟ ای می‌دانند. آنها معتقدند مسیح ضربه نخست را وارد خواهد کرد. او سلاح نوینی را به کار خواهد برد که اثری شبیه بمب نوترونی دارد: در کتاب «زکریای نبی» آمده است: «گوشت ایشان در حالی که بر پاهای خود ایستاده؟ اند کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حلقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.» برخی معجزات در طی این نبرد روی خواهد داد: از جمله نهر فرات خشک خواهد شد. در این تهاجم همه اعراب به اضافه کنفدراسیون روسیه و ایران به اسرائیل هجوم خواهند برد. دجال وارد خاورمیانه می‌شود و تندیس خود را در معبد یهودی نصب می‌کند و تقاضا می‌کند که همه جهان آن را به جای خداوند بپرستند. کشیشان بنیادگرای زمانی کمونیست شدن روسیه را نشانه آخرالزمان دانستند. به تبع این نگرش، آنها اعتقاد قلبی به قراردادهای صلح خاورمیانه ندارند و آنها را پایدار نمی‌دانند. «لانگ»، مدیر تحقیقات «انستیتو کریستیک» در ۱۹۸۵ افشا کرد «رونالد ریگان»، رئیس؟ جمهور آمریکا، معتقد به ایدئولوژی آرماگدون بوده است. رونالد ریگان در طی همه سالهای زندگی خود تحت تأثیر آموزش مادرش «نل ریگان» بود که گفته می‌شود زنی بسیار معتقد به کتاب مقدس بوده است. خود وی گفته است که ایمانش را مدیون مادرش است. «الینگ وود» که خود یکی از معتقدان پر و پاقرص پرستش اسرائیل و از جمله نبرد آخرالزمان است، گفته است که او و فرماندار ریگان اغلب با هم می‌نشینند و درباره پیشگوییهای کتاب مقدس به بحث و گفت؟ وگو می‌پردازند. ریگان در یک مجلس شام می‌گوید: «این نبی خشمگین عهد قدیم، حزقیال است که بهتر از هر کسی، قتل؟ عامی را که عصر ما را به ویرانی خواهد کشید پیشگویی کرده است.» و سپس با خشم تندی درباره کمونیست شدن لیبی سخن می‌گوید و اظهار عقیده می‌کند که: «این علامت آن است که فرارسیدن آرماگدون، دور نیست.» ریگان همچنین در یک مصاحبه گفته است: «اعتقاد دارد که تجدید حیات پیدا کرده است.» دادن لقب «امپراتوری شیطانی» به روسیه توسط وی که بعدها در زبان سیاستمداران آمریکایی مصطلح شد، از همین بینش سرچشمه می‌گیرد. اصول آموزش هواخواهان «مشیت الهی» این است که قبل از استقرار

پادشاهی جهانی مسیح، مطابق پیشگوییهای کتاب مقدس، ابتدا می‌بایست یهودیان به اسرائیل بازگردند، سپس دولت یهود تاسیس و کلام خدا برای همه امتها تبلیغ شود. آنها معتقدند یک روز، یک یهودی افراطی، قدس را منفجر خواهد کرد تا در جای آن معبد سلیمان بازسازی شود؛ مراسم قربانی یهود از نو آغاز شود و سپس نوبت به آرماگدون خواهد رسید. حفاریهایی که در زیر قدس انجام می‌شود به منظور کشف آثار معبد سلیمان است تا ثابت شود معبد سلیمان در همین مکان فعلی قدس بوده است. در نتیجه با این توجیه به خراب کردن قدس و تاسیس معبد سلیمان در جای آن پردازند. در حالی که مسلمانان بیم دارند هدف از این حفاریها فرو ریختن خودبه خودی مسجدالاقصی باشد. راست؟ گرایان مسیحی و اسلام در حالی که دولت بوش خصوصاً در اوایل دوره بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر کوشید تا مانع تبلیغات سوء علیه اسلام شود و مبارزه علیه تروریسم را جنگی بین «جهان متمدن» و دشمنان آن تعریف کند، گرایش راست مسیحی تلاش کرد که نوک تیز حمله را متوجه اسلام در کلیت خود کند. عناصر و گروههای فعال در طیف وسیع راست مذهبی، در این رابطه کوشیدند تا با استفاده از تعبیرات و دعاوی مندرج در سخنرانیهای «اسامه بن لادن» و همفکران او بر علیه یهودیت و مسیحیت از یک سو و تحریف برخی مضامین قرآنی از سوی دیگر چنین تبلیغ کنند که نظرات جریان القاعده، عین نظرات اسلام است و به این ترتیب مسلمانان وارد جنگ علیه مسیحیان شده‌اند. به عبارت دیگر به قول برخی، راست مسیحی خود را درگیر نوعی «جنگ صلیبی سر بسته» علیه مسلمانان کرده است. این امر در عین حال به عامل مهم دیگری در تقویت گرایش مسیحیان راست به تلاش برای تحت تاثیر قرار دادن سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است. اظهارات سردمداران راست مسیحی مانند «جری فالول»، «پاتریک رابرتسن»، «جری واینز» و... نشان می‌دهد که چگونه طرح مطالب سوء علیه اسلام از ۱۱ سپتامبر به بعد جزء ثابتی از گفتمان سیاسی راست مذهبی شده است. جری واینز، کشیش کلیسای «بابتیست اول» در جاکسون ویل و رئیس سابق کنوانسیون بابتیست جنوبی که در کنوانسیون سالانه کشیشان محافظه‌کار در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۲ سخن می‌گفت، علاوه بر طرح مطالب اهانت آمیز علیه اسلام، از «کثرت گرایی مذهبی» در آمریکا انتقاد کرد و گفت این کثرت گرایی به غلط، همه مذاهب را با هم برابر فرض می‌کند. به نوشته «نیویورک تایمز» دیگر رهبران کنوانسیون مذکور نیز در همان جلسه یا در روزهای بعد، از اظهارات واینز حمایت کرده و مدعی شدند که اظهارات وی «بر تحقیقات وی درباره اسلام» مبتنی است. مطلب قابل توجه این که جرج بوش روز بعد از سخنرانی واینز از طریق ماهواره، پیامی برای نشست مذکور فرستاد و از جمله این جماعت را از «پیشگامان مدارا و آزادی مذهبی» خواند. روشن نیست که آیا وی قبل از ارسال پیام، از مضامین سخنرانی واینز مطلع بوده، یا خیر؛ هر چند که در سخنان وی نشانه‌های حاکی از اطلاع وی وجود نداشته است. شماری از فعالان حقوق مدنی، از جمله گروه یهودی «جامعه ضد بهتان» ضمن انتقاد از اظهارات واینز از بوش خواستند تا علناً از اظهارات وی فاصله بگیرد. اظهارات فالول در برنامه ۶۰ دقیقه‌ای در شبکه تلویزیونی «سی. بی. اس» علیه پیامبر (ص) در ۸ اکتبر ۲۰۰۲ نمونه دیگری از اقدامات سوء سردمداران راست مسیحی علیه اسلام است. «جری فالول» در مهر ماه ۸۱ در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی «سی. بی. اس» آمریکا، رسول گرامی اسلام (ص) را مورد اهانت قرار داده بود. متعاقب این اظهارات توهین‌آمیز، علاوه بر ملت‌های مسلمان در کشورهای مختلف، سازمان کنفرانس اسلامی، طی واکنشهایی بیانات این کشیش و اقدام شبکه تلویزیونی «سی. بی. اس» آمریکا در پخش آن را محکوم کردند. اگرچه مقامات آمریکایی در مواجهه با اعتراض مسلمانان این کشور نسبت به اظهارات موهن این کشیش گستاخ، با آنان به طور صوری همدردی کرده و این اظهارات را موضع شخصی گوینده آن تلقی کرده‌اند ولی نمی‌توان سهم دولت آمریکا و دولتهایی را که با عملکرد فرهنگی و سیاسی خود زمینه چنین گستاخیهایی را در داخل کشور خود به وجود می‌آورند، نادیده گرفت. در کشوری که رئیس جمهور بی‌خرد و بی‌تجربه؟ آتش پس از حادثه ۳۰ شهریور عمده‌آلبه تیز حملات خود را متوجه «اسلام گرایی» می‌کند و از سر نادانی سخن از لزوم به راه افتادن مجدد جنگهای صلیبی به میان می‌آورد، طبیعی است که کشیشان و اسقفهای آن نیز اینگونه مقدسات مسلمانان را وقیحانه مورد تعرض و هتک حرمت قرار دهند. تظاهرات اعتراض‌آمیز مردم هند



علیه اظهارات وهن؟ انگیز «جری فالول» کشیش امریکایی که در آن به نبی اکرم (ص) جسارت کرده بود، دست کم پنج شهید و تعداد زیادی مجروح بر جای گذاشته است. این خونین؟ ترین عکس العمل مسلمانان علیه گستاخی آن کشیش حمایت شده امریکایی بود. «فرید زکریا» یکی از نویسندگان مجله «نیوزویک» طی مقاله «ای ضمن انتقاد از اظهارات فالول نوشت:» بلافاصله بعد از ۱۱ سپتامبر فالول و رابرتسون تصمیم گرفتند که از این فاجعه برای بسیج طرفدارانشان علیه لیبرالها، طرفداران سقط جنین و... استفاده کنند، اما این امر عکس العمل شدیدی در جامعه آمریکا برانگیخت و محکومیت آنها را توسط طیف وسیعی از جمله رئیس جمهور بوش در پی داشت. در نتیجه فالول و رابرتسون وادار به عقب نشینی شدند، معذرت خواستند و به نحوی ناشیانه مدعی شدند که اظهارات آنها خارج از متن در نظر گرفته شده است. آنها بعداً از آن نوع کینه توزی دست برداشتند و در عوض مسلمانان را هدف آسان‌تری یافتند. نکته قابل توجه در دوره بعد از توهین فالول، نحوه برخورد کاخ سفید بود. سخنگویان کاخ سفید حتی در مواردی که کلاً مورد سؤال قرار می‌گرفتند از اظهار نظر در این مورد خودداری کرده و تنها به تکرار این که «به نظر رئیس جمهور، اسلام دین صلح است» بسنده می‌کردند. به طور کلی کاملاً مشهود است که جرج بوش دیگر توجهی را که بلافاصله بعد از ۱۱ سپتامبر به تبلیغ بردباری مذهبی و جلوگیری از انجام اقدامات و طرح مطالب سوء علیه مسلمانان و اسلام نشان می‌داد، ندارد. یکی از دلایل اصلی این امر را می‌توان نفوذ بسیار بالای راست مسیحی در حزب جمهوریخواه و نقش مهمی که آنها در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ ایفا می‌کنند، دانست. پی‌نوشت: ۱. Antichrist. ۲. Dispensation End time. ۳. Tribulation Armageddon. ۴. این نظام «مشیت الهی گرای» نامیده می‌شود. ۵. Rebirth. ۶. ۷.

### جنگ به خاطر اسرائیل

بررسی منافع اسرائیل در جنگ عراق اشاره: روزنامه «السفیر» در مقاله «ای تحلیلی و تحقیقی اسناد و مدارک تأثیر اسرائیل بر تصمیم آمریکا در حمله به عراق را بررسی کرده است. بر اساس تحلیل این روزنامه، صحنه؟ گردانان اصلی جنگ عراق در هیأت حاکمه آمریکا، یهودیان نزدیک به جناحهای تندرو اسرائیلی بوده‌اند که به قصد ایجاد امنیت و تأمین منافع اقتصادی اسرائیل این جنگ را راه انداخته‌اند. متن این مقاله به شرح زیر است: وقتی جیمز موران عضو کنگره آمریکا در کنفرانس ضد جنگ که در یکی از کلیساهای ایالت ویرجینیا برگزار شد، سخن می‌گفت هرگز تصور نمی‌کرد که تنها چند ساعت بعد، انتشار سخنانی وی در روزنامه واشنگتن پست پیرامون نقش یهودیان در برافروختن آتش جنگ و توانایی آنها بر توقف آن، چون بمبی منفجر شود و محافل و سازمانهای امریکایی را به لرزه درآورد. با وجود این؟ که وی تنها چند ساعت بعد با موج حمله تبلیغاتی و سرکوب شدید از سوی سازمانهای صهیونیستی و شرکای آنها در کنگره یهود - که به آرای یهود و اموال آنها نیاز دارند - مواجه شد و با وجود این؟ که رسانه‌های گروهی از آن زمان به تبلیغات علیه او پرداختند و سعی در بدنام کردن او داشتند و نیز به بازگو کردن مشکلات خانوادگی و زوایای زندگی شخصی او، قضیه طلاق و وامهای بانکی او پرداختند، اما این حقیقت که مسئله نقش یهودیان در جنگ عراق چون بمب منفجر شده بود و بازتاب آن در همه مکانها انعکاس یافته بود همچنان در محافل امریکایی پابرجا ماند. بعد از هفتاد سال موضوع یهودیان در کنگره مطرح شد و علناً به جدال و مناقشه کشیده شد. در این رابطه از «کالین پاول» وزیر امور خارجه سؤال شد و او نقش یهودیان در جنگ عراق یا در سیاست خارجی آمریکا را تکذیب کرد. همچنین موضع؟ گیری سخنگوی رسمی کاخ سفید به نام «اری فلایشر» یهودی نیز به مانند «کالین پاول» بود. از مسایل نادر پیرامون این موضوع که «بیوکانان» روزنامه؟ نگار و سیاستمدار و یکی از کاندیداهای حزب جمهوریخواه برای ریاست جمهوری در مجله خود به نام «امریکن کونسرو تو» به آن اشاره کرد، این بود که برای اولین بار مردم از چیزی سخن می‌گفتند که همواره در مورد آن شک و تردید داشتند و آن را به طور سری و محرمانه مطرح می‌کردند. برای اولین بار در تاریخ آمریکا این حقیقت فاش شد که طرفداران

جنگ یهودیان هستند و برای اولین بار مردم به ارتباط بین اسرائیل و جنگ عراق پی بردند. همچنین برای اولین بار به اسناد و مدارکی برخورد کردند که نشان می‌دهد یهودیان پستهای مهمی را در اداره کاخ سفید بر عهده دارند. این صداها که ابتدا علناً به گوش می‌رسید کم؟ کم خاموش شد؛ زیرا سرکوب بی‌رحمانه کسانی که در مورد یهودیان صحبت می‌کردند، آغاز شد و زبانهای آنها را بست. آمریکاییها اگر در مورد این موضوع صحبت می‌کردند یا کلمه‌ای از عملکرد اسرائیل انتقاد می‌کردند، به یهودی ستیزی متهم می‌شدند. مسئله اعلان نشده‌ای که همه آن را می‌دانستند و در چند کلمه خلاصه می‌شد: اگر اسرائیل را قبول نداری و عملکرد آن را تأیید نمی‌کنی پس به خاطر مصلحت خودت و به خاطر سلامتی و به خطر نیفتادن زندگیت دهانت را ببند و سکوت پیشه کن. پروژه جنگ عراق توسط سه نفر از یهودیان معروف آمریکایی به نامهای «ریچارد پرل» مشاور وزیر دفاع - که چند ماه پیش به دلایل مالی از پست خود استعفا داد - «پل وولفویتر» و نیز «داگلاس فیث» پیش برده شد. این افراد، اهداف جنگ را ترسیم و نقش عمده‌ای در تحریک کاخ سفید برای حمله به عراق ایفا کردند. ریچارد پرل و داگلاس فیث، پیرو خط حزب راستگرای «لیکود» هستند و به نفع آن کار می‌کنند، اما وولفویتر در کنار جناح راست و افراطی لیکود ایستاده است به طوری که یکی از اعضای لیکود به نام «میخائیل ایتان» از جناح کبوتران این حزب چندین بار او را مورد انتقاد قرار داد و متهمش کرد که نمایندگان حزب را به سمت اتخاذ مواضعی غیرمعقول علیه فلسطینیها وامی‌دارد. خبرنگاران و مفسران دو کانال تلویزیونی در اسرائیل بر این عقیده‌اند که این سه یهودی آمریکایی یک ماه پس از انفجار ساختمان مرکز تجارت جهانی در نیویورک با «افرایم هالیوی» که در آن موقع رئیس «موساد» بود و در حال حاضر مدیر شورای امنیت ملی اسرائیل است گرد هم آمده‌اند. در این نشست رئیس جاسوسی نظامی اسرائیل به نام «عاموس مالکا» و جانشین او «آهارون زئیفی» در کنار رئیس بخش پژوهشهای موساد و سرویس اطلاعات نظامی اسرائیل حضور داشتند. هدف از این نشست طراحی اهداف حمله نظامی و استراتژیکی بود و هر دو گروه بر تشکیل کمیته هماهنگی نظامی مشترک موافقت داشتند. بر اساس این توافق اسرائیل هر آنچه را که در زمان جنگ آمریکا به آن نیاز دارد تهیه و تدارک خواهد دید. کمیته دیگری نیز برای هماهنگی سیاسی به وجود آمد که در رأس هیأت آمریکایی آن «کاندولیزا رایس» مشاور امنیت ملی آمریکا و اعضای تیم او در شورای امنیت ملی بودند. در رأس هیأت اسرائیلی «دوو وایس گلاس» مدیر دفتر «شارون» و بعضی از کارمندان بلندپایه وزارت امور خارجه اسرائیل حضور داشتند. در نهایت مقرر شد این کمیته در زمینه ایجاد شرایط سیاسی مناسب برای جنگ و خصوصاً نقشه راه با یکدیگر همکاری کنند. از نکات مهم در این رابطه باید گفت، کمیته نظامی متشکل از برخی ژنرالهای ستاد اسرائیل بود که در کنار هیأت ستاد ارتش آمریکا قرار گرفتند. ژنرال «تامی فرانکس» فرمانده منطقه مرکزی در ارتش آمریکا که مسئولیت فرماندهی جنگ علیه عراق بر عهده او گذاشته شده بود، نیز از جمله ژنرالهای یهودی تبار آمریکا بود. بر اساس گزارشهای تلویزیون اسرائیل طبق اعتراف «عاموس مالکا» رئیس سابق اطلاعات نظامی اسرائیل که در حال حاضر مفسر شبکه یک تلویزیون اسرائیل است، وظیفه کمیته نظامی در دو نقطه اصلی متمرکز می‌شد: ارائه اطلاعات جاسوسی از اوضاع عراق برای تعیین سرنوشت جنگ در بغداد و کمک به ارائه طرحهای عملیاتی برای همکاری در جنگ که هر دو بسیار تأثیرگذار بود. برخی دیگر از اسناد موجود دست داشتن اسرائیل در این جنگ را اثبات می‌کند. آمریکاییها طرح اسرائیلی ترور صدام حسین را پذیرفتند. این طرح را چندین بار دو کانال اول و دوم تلویزیون اسرائیل علاوه بر شبکه رادیو عمومی معروف به «ریشیت بیت» منتشر کردند. این طرح که اسرائیلیها در تابستان سال ۱۹۹۱ تدوین کرده بودند، برای ترور رئیس‌جمهوری عراق تدارک دیده شده بود؛ زیرا صدام اولین کسی بود که جرأت کرد در زمان آغاز جنگ دوم خلیج فارس به اسرائیل موشک پرتاب کند. ناظر این طرح ژنرال «ایهود باراک» بود که در آن زمان رئیس ستاد ارتش اسرائیل محسوب می‌شد و با توجه به اطلاعات دقیق در مورد زندگی خصوصی صدام و اماکنی که می‌توان او را در آنجا یافت اطمینان بسیاری به احتمال موفقیت این طرح داشت. مقرر شده بود که مسئولیت این اقدام را یگان «سیرت متکال» یا ستاد ارتش انجام دهند که یکی از

مهم؟ترین یگانهای کارکشته در ارتش اسرائیل محسوب می‌شود. اعضای این یگان برای اجرای طرح در منطقه؟ای به نام «تسلیم بیت» آموزش می‌دیدند که در سی و پنج کیلومتری جنوب؟شرقی شهر «بئرسبع» در جنوب فلسطین اشغالی واقع شده بود، اما در زمان آموزش یک اشتباه فنی باعث شد که یکی از خمپاره؟ها بی؟هدف پرتاب شود و پنج سرباز در دم کشته شوند، به همین دلیل «اسحاق شامیر» نخست؟وزیر وقت این طرح را لغو کرد. براساس گزارشهای رسانه؟های گروهی اسرائیل، آمریکاییها این طرح را بعد از برخی دخل و تصرفها و نیز تعدیلاتی در آن و براساس اطلاعات جدید تصویب کردند. به این ترتیب افرادی از عناصر یگانهای ویژه آمریکا برای تمرین و آموزش طرح به صحرای «نقب» فرستاده شدند و مانورهای سابق را اجرا کردند. آنها در این طرح از این توجیه استفاده می؟کردند که جنگ علیه عراق بدون کشته شدن صدام به موفقیت نمی؟رسید و به همین دلیل ترور او هدف مهمی است که برای تحقق آن باید مدت زمانی طولانی را به آن اختصاص داد. «بارون دیکل» خبرنگار کانال یک تلویزیون اسرائیل بعضی از مواردی را که در نشست جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا با رئیس سازمانهای یهودی در ایالت متحده آمریکا به نام «مورتیمور تسوکرمان» مطرح شده است نقل می؟کند. این نشست در ششم ماه ژانویه گذشته برگزار شد و تسوکرمان از رئیس؟جمهوری آمریکا خواست تا علیه عربستان سعودی تدابیری اتخاذ کند؛ زیرا گزارشهای سازمانهای جاسوسی اسرائیل حاکی از این بود که کمکهای عربستان سعودی به فلسطینیها در خلال انتفاضه آنها را برای ادامه اقدام به عملیات تروریستی یاری می؟کند. جورج بوش در پاسخ به این درخواست تسوکرمان به رئیس سازمانهای یهودی گفت عربستان را بر سر جایش خواهد نشاند. وی در این؟باره واژه بسیار رکیکی را به کار برد که دیکل خبرنگار کانال یک از زبان معاونین تسوکرمان که در نشست حضور داشتند، نقل کرد. برنامه «پولیتیکا» که در هجده مارس گذشته از کانال یک اسرائیل پخش شد، فاش کرد که «دیک چنی» معاون رئیس؟جمهوری آمریکا در دو ماه قبل با هفتاد کارشناس اسرائیلی در زمینه؟های مختلف بحث و گفت؟وگو کرده و در خلال آن پیرامون کیفیت حمله قطعی به عراق مناقشه و مباحثه کرده است. برخی از مفسران صهیونیستی به این نکته اشاره می؟کنند که دیک چنی از ورزیده بودن کارشناسان سیاسی در ارائه اطلاعات مبهوت شده بود. در مصاحبه؟ای که مجری برنامه «دان مرگلیت» با «پروفیسور عما تسیابرام» یهودی عراقی؟الاصل و متخصص تاریخ عراق برگزار کرد اظهار داشت که به مدت سه ساعت با دیک چنی در کاخ سفید گفت؟وگو کرده و به فهرستی از سؤالات طولانی که وی مطرح کرده بود جواب داده است، اما به نوع سؤالات یا جوابهای آنان اشاره؟ای نکرد. شور و شوق وافر برای جنگ و تمایل به شعله؟ور شدن آتش جنگ و پیروزی در آن انگیزه؟های متعددی داشت که برخی از آنها از زبان رئیس ستاد مؤسسه اسرائیلی به شرح زیر است: در ماه گذشته «شائول موفاز»، وزیر دفاع اسرائیل، در مصاحبه؟ای با مرکز «هرتسلی» که دارای شعبه؟های مختلفی است و یکی از بزرگ؟ترین و قدیمی؟ترین مراکز دولت یهودی محسوب می؟شود گفت: پیروزی در جنگ با عراق یعنی خارج کردن عراق از دایره دشمنان اسرائیل و فشار بر سوریه برای اخراج سازمانهای فلسطینی از دمشق و توقف حمایت آن از حزب؟الله لبنان، امری که باعث کاهش منابع پشتیبانی مقاومت فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه می؟شود. «عوزی عواد» رئیس بخش تحلیل و پژوهش مرکز فوق و مدیر پژوهشهای موساد و مشاور سیاسی «بنیامین نتانياهو» نخست؟وزیر سابق اسرائیل به همراه برخی پژوهشگران که پژوهشی پیرامون عراق و آینده منطقه به نفع وزارت دفاع آمریکا انجام داده بود، در این زمینه گفت، نظام جدید در عراق نسخه جدیدی از دولت «کرزای» در افغانستان خواهد بود که سوریه و ایران را در بین انبر ترسناکی قرار می؟دهد به طوری که این دو کشور خود را از هر دو سو در محاصره می؟بینند. این پژوهشگر، اردن را در رده کشورهای هم؟پیمان و دوست نام برد. از نظر ستاد مؤسسه نظامی مهم؟ترین آثار پیروزی از نظر اسرائیل همان امری است که «موشه یعلون»، رئیس ستاد ارتش مطرح و آن را در دو امر خلاصه کرد. اول این؟که پیروزی آمریکا در جنگ باعث احساس عجز و شکست بین اعراب و به طور کلی و در بین فلسطینیها به طور خاص خواهد شد. وی سال جاری را سال پیروزی قطعی بر انتفاضه توصیف کرد. مسئله دوم امری است که «شفتهای شفیط» رئیس سابق موساد مطرح کرد و در خلال

اظهارات خود پیش‌بینی کرد که در اثر جنگ بر جهان عرب، فضای فرهنگی مغایری حاکم می‌شود که به جناح خواهان سازش با اسرائیل نیروی جدیدی می‌دهد و دولتهای عربی را برای توجه به متغیرات این موضعگیری و واقعتهای موجود دعوت می‌کند. طالبان صلح از دولتهای خود خواهند خواست تا خود را با شرایط موجود وفق دهند. «دانی گلیرمن» رئیس اتحادیه اتاقهای بازرگانی در اسرائیل معتقد است که پیروزی در عراق سه فایده اقتصادی برای اسرائیل دارد: اولاً دست یافتن اسرائیل به نفت عراق که با قیمتهای پایین و تحت نظر آمریکا خواهد بود. ثانیاً، کاهش خطرات امنیتی که اسرائیل را تهدید می‌کرد و این مسئله باعث کاهش هزینه‌های امنیتی شد. ثالثاً بهبود اقتصاد اسرائیل و باز شدن بازار عراق به روی کالاهای اسرائیلی. از نای هرگز سخنان یکی از تحلیلگران را که اعلام کرده بود یگان نظامی اسرائیل از مرزها گذشته‌اند و در غرب عراق مشغول جنگ هستند تأیید نکرد. با تأکید مجدد این خبر، من به یکی از دوستان در غزه که به منابع و مصادر خبری او اطمینان کامل داشتم، نامه‌ای فرستادم. روز بعد او در جواب نامه‌ام نوشت سخنان بسیاری در این مورد در روزنامه‌های اسرائیلی وجود دارد. من همچنین دریافتم که دو خاخام بزرگ اسرائیل و شورای خاخامهای شهرک؟ نشین از مردم خواسته‌اند تا روز چهارشنبه در هفته سوم جنگ به خاطر سلامتی سربازان ائتلافی که در عراق هستند، نماز بخوانند. نکته جالب توجه این است که سفیر آمریکا و بریتانیا در تل‌آویو نیز در این مراسم شرکت کردند. وقتی این خبر به من رسید با خود گفتم، این نماز برای سلامتی سربازان ائتلاف بوده است یا برای سلامتی سربازان اسرائیلی در بغداد. برگرفته از روزنامه همشهری، شماره ۳۲۰۷، ۵ آبان ۱۳۸۲

### یادگارهای موعود (به یمن سال روز تاسیس مسجد جمکران)

شب سه‌شنبه ای که مصادف بود با هفدهم ماه مبارک رمضان سال سیصد و نود و سه ۱ هجری قمری در خانه‌ام خوابیده بودم در حالی که شب از نیمه گذشته بود. ناگهان صدای عده‌ای از مردم که در پشت در خانه گرد آمده و مرا صدا می‌زدند به گوشم رسید. وقتی بیدار شدم خطاب به من گفتند: برخیز که حضرت مهدی(ع) تو را به نزد خود می‌خواند. میرصادق سیدنژاد مسجد مقدس جمکران از جمله اماکنی که همواره مورد توجه مخصوص امام زمان(ع) بوده و به برکت آن کرامات و عنایات ویژه‌ای در آن به وقوع پیوسته «مسجد مقدس جمکران» است. این مکان شریف را به جهت واقع شدن در کنار روستایی به نام جمکران، مسجد جمکران و به خاطر آن که به همت «حسن بن مثله» ساخته شده «مسجد حسن بن مثله» و به لحاظ آن که به امر مبارک حضرت امام زمان(ع) تأسیس شده است؛ «مسجد امام زمان(ع)» یا «مسجد صاحب‌الزمان» می‌نامند. همانطور که گفته شد این مسجد در زمان حسن بن مثله بنا شد و پس از آن بارها در آن تعمیراتی انجام شده است. از جمله یک بار در زمان مرحوم صدوق و بعدها چندین مرتبه در دوره حکومت سلسله صفویه و یک بار هم در زمان مرجعیت حضرت آیه‌الله عبدالکریم حائری مؤسس محترم حوزه علمیه قم توسط مجاهد گرانقدر حجة الاسلام شیخ محمد تقی بافقی و بعد از ایشان تعمیراتی هم در آن به وسیله یکی از تجار معروف قم صورت گرفته. در سالهای اخیر به ویژه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به علت استقبال بی‌نظیر مردم از سرتاسر ایران اسلامی به کمک امت اسلامی تحت نظارت هیأت امنا و مدیریت مسجد جمکران طرحهای عمرانی بسیار مهم و در عین حال لازم و ضروری نظیر: سالنهای اجتماعات و کتابخانه عمومی و نمایشگاه کتاب و درمانگاه و محل اسکان برای نمازگزاران و... در کنار گسترش و توسعه ساختمان مسجد در دست اجراست. امروزه این مکان مقدس به یکی از میعادگاههای بزرگ عاشقان ولایت و امامت تبدیل شده است که هر هفته شبهای سه‌شنبه و چهارشنبه بویژه در ایام مبارک نیمه شعبان هزاران نفر در آن گرد می‌آیند و از طریق تشکیل مجالس دعا و نیایش ضمن تجدید عهد با امام زمان(ع) از خداوند تبارک و تعالی؛ تعجیل در فرج منجی عالم بشریت را درخواست می‌نمایند. چگونگی دستور بنای مسجد جمکران یکی از علمای شیعه به نام حسن بن محمد بن حسن قمی در کتاب تاریخ قم در مورد چگونگی بنای مسجد مقدس جمکران از کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین اثر شیخ ابو جعفر محمد

بن بابویه قمی (شیخ صدوق) چنین نقل می‌کند: شیخ صالح و عقیف، حسن بن مثله جمکرانی گفت: شب سه‌شنبه ای که مصادف بود با هفدهم ماه مبارک رمضان سال سیصد و نود و سه ۱ هجری قمری در خانه‌ام خوابیده بودم در حالی که شب از نیمه گذشته بود. ناگهان صدای عده‌ای از مردم که در پشت در خانه گرد آمده و مرا صدا می‌زدند به گوشم رسید. وقتی بیدار شدم خطاب به من گفتند: برخیز که حضرت مهدی(ع) تو را به نزد خود می‌خواند. حسن می‌گوید: به آنها گفتم اجازه بدهید تا آماده شوم و لباسهایم را بپوشم وقتی خواستم پیراهنم را بپوشم صدایی از طرف در خانه به گوشم رسید که «آن پیراهن تو نیست» لذا از پوشیدن آن صرف نظر نمودم و بعد شلوارم را برداشتم تا بپوشم باز همان صدا بلند شد که: «آن شلوار مال تو نیست شلوار خودت را بردار». آن را به زمین انداختم و شلوار دیگری را که مال خودم بود پوشیدم و سپس به دنبال کلید در خانه می‌گشتم تا آن را باز کنم باز از طرف در همان صدا به گوشم رسید که: «در خانه باز است» وقتی به نزدیک در آمدم با جماعتی از بزرگان مواجه شدم. به آنها سلام کردم آنها بعد از جواب سلام این پیشامد را به من تبریک گفتند. سپس مرا همراه خود به محلی که هم‌اکنون مسجد در آن بنا شده است آوردند. در آنجا وقتی خوب دقت کردم تختی را دیدم که فرش زیبایی روی آن انداخته شده بود و جوانی در حدود سی ساله در روی آن به بالشی تکیه زده بود و پیرمردی مطلبی را از روی کتاب برای او می‌خواند و بیش از شصت مرد که بعضی از آنها لباس سبز و بعضی دیگر لباس سفید به تن داشتند در گوشه و کنار آن محل مشغول خواندن نماز بودند. آن پیرمرد که حضرت خضر(ع) بود مرا در کنار خود جای داد. آنگاه همان جوان نورانی که بعد معلوم شد حضرت مهدی(ع) هستند بعد از تفقد و احوالپرسی مرا به اسم خودم صدا زده فرمودند: «نزد حسن بن مسلم برو و به او بگو مدت پنج سال است که تو این زمین را آماده ساخته کشت می‌کنی ولی ما آن را خراب می‌کنیم و امسال هم قصد داری در آن زراعت نمایی در حالی که تو چنین اجازه‌ای نداری باید سود این چند سال کشت را رد کنی تا در اینجا مسجدی بنا شود». سپس فرمودند: «به حسن به مسلم بگو: اینجا زمین شریفی است که خداوند آن را از بین سایر زمینها برگزیده است ولی تو آن را به زمین خود لاحق کردی و خداوند به خاطر این کار خلاف دو پسر جوان تو را از دست تو گرفت ولی باز متبّه نشدی اگر باز هم بخواهی به این کار ادامه بدهی کیفر الهی دیگری که نمی‌توانی آن را تصور کنی بر تو متوجه خواهد شد.» حسن بن مثله می‌گوید: «به آن حضرت عرض کردم: مولای من برای این که مردم سخن مرا بپذیرند، نشان و علامتی در این باره برای من تعیین بفرمائید.» امام(ع) در پاسخ فرمودند: «ما در اینجا نشانه‌ای را قرار می‌دهیم تا سخن شما را مردم تصدیق نمایند. تو آنچه را که بیان شد انجام بده به نزد «سید ابوالحسن» برو و به او بگو بیاید و حسن بن مسلم را حاضر کند و سود چند ساله زمین را از او بگیرد و آن را به مردم بدهد تا با آن بنای مسجد را شروع کنند و بقیه مخارج آن را از منافع قریه «رهق» که ملک ما در ناحیه «اردهال» است به اتمام برسانند ما نصف در آمد رهق را وقف این مسجد نموده‌ایم تا همه ساله در آمد آن را بیاورند به اینجا و صرف عمارت و آبادانی و سایر مخارج این مسجد بنمایند.» سپس حضرت افزودند: «به مردم بگو تا به این مکان روی آورند و آن را عزیز و گرامی دارند و در آن چهار رکعت نماز به جای آورند؛ دو رکعت اول را به نیت نماز تحیت (به این ترتیب که در هر رکعت اول سوره حمد را یک بار و بعد سوره «قل هو الله احد» را هفت بار و در ادامه هر یک از ذکرهای رکوع و سجود را هم هفت بار تکرار کنند و نماز را به پایان ببرند) و دو رکعت بعد را هم به نیت نماز امام زمان(ع) به جای می‌آورند (به این ترتیب که در هر رکعت بعد از نیت وقتی سوره حمد را شروع کردند به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» که رسیدند آن بخش را صد بار تکرار می‌نمایند و بعد در ادامه سوره حمد را می‌خوانند و آنگاه سوره توحید را یکبار و هر یک از ذکرهای رکوع و سجود را هفت بار تکرار می‌کنند و بعد نماز را تمام می‌کنند. سپس یک بار لا اله الا الله می‌گویند و در ادامه هم تسیحات حضرت زهرا(ع) را که عبارت از سی و چهار مرتبه «الله اکبر» و سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله» است ذکر می‌نمایند و آنگاه به سجده رفته صد بار بر پیامبر(ص) و آل پیامبر(ع) درود و صلوات می‌فرستند.» ۲. در ادامه حضرت اضافه کردند: «هر کس این نماز را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز خوانده باشد.» حسن بن مثله می‌گوید: «وقتی

این سخنان را شنیدم با خود گفتم: گویی آن مکان مورد نظر اینجاست که مسجد باشکوه امام زمان (ع) خواهد شد. بعد حضرت به من اشاره فرمودند که: «برو». چون به راه افتادم و مقداری رفتم دوباره آن حضرت مرا صدا زدند و فرمودند: «در گله جعفر کاشانی (که یک نفر چوپان بود) بزنی هست که اگر مردم پول آن را دادند با پول آنها و اگر ندادند با پول خودت آن را خریداری کن و آن را به اینجا بیاور و ذبح کن و در روز چهارشنبه که برابر با هجدهم ماه مبارک رمضان است گوشت آن را در شب آینده برای بیماران و کسانی که گرفتاری دارند انفاق کن خداوند [تبارک و تعالی] همه آنها را شفا می‌دهد. نشانی و علامت آن بز این است که ابلق است و موی بسیار دارد و در ضمن هفت علامت سفید و سیاه در بدن آن بز هست که سه تای از آنها در یک طرف بدن و چهار تا در طرف دیگر آن است که هر یک از آنها به اندازه یک درهم هستند». بعد وقتی مجدداً به راه افتادم برای سومین بار مرا صدا زده فرمودند: «اینجا هفت یا هفتاد روز اقامت می‌کنی اگر هفت روز اقامت کنی آن مصادف با شب قدر؛ یعنی بیست و سوم رمضان خواهد بود و اگر هفتاد روز بمانی آن مطابق با شب بیست و پنجم ذی‌قعدة است که هر دو شب بسیار گرانبگری هستند». حسن بن مثله می‌گوید: «سپس برگشته و به خانه آمدم و تمام شب را در اندیشه آنچه واقع شده بود به سر بردم وقتی صبح شد نماز را به جای آوردم و بعد نزد «علی بن منذر» آمدم و ماجرا را به وی بازگو کردم بعد به همراه او به محلی که دیشب مرا به آنجا برده بودند رفتیم». حسن بن مثله چنین ادامه می‌دهد: «سوگند به خدا علامتهایی را که حضرت فرموده بودند که از جمله آنها میخها و زنجیرهایی بود که با آنها حدود مسجد را مشخص نموده بودند در آنجا مشاهده کردیم. سپس به همراه علی بن منذر به طرف منزل سید بزرگوار ابوالحسن الرضا راه افتادیم وقتی به در منزل او رسیدیم خدمتکاران او را دیدیم که در کنار در خانه منتظر ما هستند وقتی ما را دیدند به ما گفتند: آیا شما از اهالی جمکران هستید. گفتیم: آری. گفتند: سید ابوالحسن از اول صبح در انتظار شماست. سپس وارد خانه شده ضمن اظهار تواضع، خدمت سید عرض سلام کردم و او به گرمی و با احترام کامل جواب سلام را داده و مرا در کنار خود جای داد و پیش از آن که من سخنی بگویم خطاب به من گفت: ای حسن بن مثله من خوابیده بودم در خواب شخصی به من گفت: صبح زود مردی از اهالی جمکران که او را حسن بن مثله می‌نامند نزد تو خواهد آمد. آنچه که او به تو گفت آن را تصدیق کن؛ چرا که سخن او سخن ماست مبادا گفته‌های او را رد کنی در این حال از خواب بیدار شدم و از آن وقت تا کنون منتظر آمدن تو بودم. در ادامه حسن بن مثله جریان شب گذشته را به طور مفصل بیان می‌کند. سید ابوالحسن دستور می‌دهد تا اسبها را آماده سازند بعد سوار می‌شوند و به طرف آن محل حرکت می‌کنند در نزدیکیهای روستای جمکران به گله جعفر کاشانی برخورد می‌کنند؛ حسن بن مثله برای پیدا کردن آن بز ابلق که حضرت فرموده بودند وارد گله می‌شود و می‌بیند آن بز در عقب گله است. وقتی بز متوجه حسن بن مثله می‌شود به سرعت خود را به او می‌رساند و حسن آن را می‌گیرد و نزد جعفر کاشانی می‌آورد تا آن را از او بخرد. جعفر کاشانی سوگند یاد می‌کند که من هرگز این بز را داخل گله ندیده‌ام ولی وقتی آن را در عقب گله امروز دیدم خواستم که آن را بگیرم ولی هر چه تلاش کردم نتوانستم اما حالا چون شما را دیدم به نزد شما آمد و این امر بسیار شگفت‌انگیزی است. بعد آنها آن بز را به محل مسجد می‌آورند و در آنجا ذبحش می‌کنند و همانطور که حضرت دستور داده بود گوشت آن را بین مریضها تقسیم می‌کنند. سپس سید ابوالحسن حسن بن مسلم را احضار می‌کند و سود چند ساله زمین را از او می‌گیرد و سود حاصل از املاک روستای رهق را هم می‌آورند و مسجد جمکران را بنا می‌کنند و سقف آن را با چوب می‌پوشانند در ضمن سید ابوالحسن الرضا زنجیرها و میخها را به منزل خود در قم می‌برد و از آن به بعد هر کس بیمار می‌شد به آنجا می‌رفت به آن زنجیرها تبرک می‌جست و خداوند تبارک و تعالی تفضلی فرموده به واسطه آنها ایشان را شفا می‌داد. ابوالحسن محمد بن حیدر می‌گوید: شنیدم که سید ابوالحسن الرضا وقتی وفات یافت او را در محله‌ای که «موسویان» نامیده می‌شود دفن کردند بعدها وقتی یکی از فرزندان او مریض می‌شود به سراغ صندوقی که زنجیرها و میخها در آن نگهداری می‌شد می‌رود ولی هنگامی که در صندوق را باز می‌کند اثری از زنجیرها و میخها در آن نمی‌بیند. ۳ فضیلت و آداب مسجد جمکران به طور کلی در مجموعه سخنان

و سفارشات منسوب به حضرات معصومین (ع) درباره مسجد مقدس جمکران به دو قسم از فضائل اشاره شده است. ۱. اهمیت تکوینی: در سخنانی که حضرت علی (ع) به پسر یمانی فرموده‌اند اینگونه آمده است: ... ای پسر یمانی اینجا (جمکران) زمینی مقدس و پاک از همه آلودگیهاست. ... بر این زمین اثر نور حق ساطع شود و از این زمین مردم رایحه و بوی مشک استشمام کنند... منازل و مواضع و زمینهای اینجا عالی و گرانبها گردد. علاوه بر این در ضمن فرموده‌های حضرت حجه بن الحسن (ع) به حسن بن مثله آمده بود به حسن مسلم بگو: «اینجا زمینی شریف است خدای تعالی این زمین را از زمینهای دیگر برگزیده است و به آن فضیلت و برتری داده است». از این قبیل تعابیر استفاده می‌شود که زمین جمکران نظیر زمینهای مکه و مدینه دارای ارزش تکوینی خاصی است. ۲. همانطور که در حکایت بنای مسجد جمکران بیان شد در بخشی از فرموده‌های حضرت امام زمان (ع) آمده بود که ثواب اعمال عبادی نظیر اقامه نماز در این مکان شریف بسیار زیاد است تعبیر آن حضرت این بود که: «هر کس آن دو رکعت نماز را (با شرایط خاصش) در این مکان شریف به جای آورد مثل آن است که در کعبه این نماز را خوانده است». این امر نشان می‌دهد که از نظر معنوی این مسجد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آداب این مسجد نیز ابتدا خواندن دو رکعت نماز تحیت و سپس دو رکعت نماز امام زمان (ع) با شرایطی است که گفته شد. در بعضی از اقوال نیز آمده است که پس از این نماز دعای «الهی عظم البلاء» را تا آخر قرائت کنند. علاوه بر این امور، خواندن دعاهای مخصوص امام زمان نظیر دعای «ندبه» و دیگر دعاهایی که خواندن آنها در دوره غیبت کبری سفارش شده، در این مکان مناسب است. پی‌نوشتها: ۱. محدث نوری بعد از نقل حکایت بنای مسجد جمکران می‌نویسند: «عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی تاریخ این قصه را در سال ۳۹۳ ق. نقل کرده است ولی ظاهراً در نوشتن اشتباه شده و در اصل سال ۳۷۳ ق. بوده است؛ زیرا وفات شیخ صدوق قبل از سال ۳۹۰ ق. می‌باشد. ۲. این دو رکعت نماز به صورت‌های دیگری هم در کتابهای معروف ذکر شده است از جمله ۱. مرحوم شیخ طبرسی (صاحب تفسیر) در کنوز النجاح بعد از ذکر اصل نماز دعائی را برای بعد از نماز نقل می‌کند ولی از تهلیل (صد بار لااله الاالله) و تسیحات حضرت زهرا (ع) ذکری به میان نمی‌آورد؛ ۲. مرحوم سید فضل‌الله راوندی در کتاب دعوات در ضمن نمازهای معصومین (ع) می‌فرماید: نماز امام مهدی (ع) دو رکعت است در هر رکعتی حمد یک مرتبه و صد مرتبه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر پیامبر (ص) و آل او؛ ۳. مرحوم سیدین طاووس در جمال‌الاسبوع ذکر صد مرتبه صلوات را ذکر نمی‌کند ولی فرموده است که دعای «الهی عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء...» تا آخر بعد از نماز خوانده شود و... ۳. اقتباس از حکایت هشتم کتاب جنه‌المأوی میرزا حسین نوری که در جلد ۵۳ بحار الانوار، ص ۲۳۰ به بعد آورده شده است

## مسیح یهودی و فرجام جهان-۱

مسیحیت سیاسی و اصول‌گرا در امریکا) رضا هلال مترجم: قیس زعفرانی اشاره: آنچه در پی خواهد آمد مقدمه کتاب المسیح الیهودی و نهایتاً العالم اثر نویسنده و محقق ارجمند مصری آقای رضا هلال است که به دلیل مطالب ارزشمند و محققانه‌ای که در این کتاب در زمینه مسیحیت صهیونیستی مطرح شده، ترجمه و برای نخستین بار برای استفاده خوانندگان عزیز موعود عرضه می‌گردد. مقدمه: «هیچ کس نمی‌تواند آمریکا و آزادیهایش را بفهمد، مگر این که آگاه باشد و تأثیری را که دین به طور مستقیم بر روی ساخت و ایجاد این کشور گذاشته و می‌گذارد، درک کند...». جیمز ون - آمریکای امروز بذر این کتاب هنگامی که در دهه نود قرن گذشته در ایالات متحده زندگی می‌کردم، در وجودم کاشته شد. یکی از روزها وقتی کانالهای تلویزیونی را می‌گرفتم، نگاهم بر روی آگهی کانال سی.بی.ان متوقف شد، «پات رابرتسون» واعظ تلویزیونی را می‌دیدم که از فرارسیدن پایان تاریخ و دومین ظهور مسیح سخن می‌گفت و مردم را پند و اندرز می‌داد. مدتی برنامه‌های ایستگاههای تلویزیون مذهبی که «کلیسای تلویزیونی» نامیده می‌شوند، مرا به خود مشغول داشتند. این ایستگاهها برای بینندگان آمریکایی موعظه و پند ارائه می‌دهند و زمینه

رفتن به کلیسا جهت خواندن نماز را فراهم می‌نمایند، همچنین اخبار و میزگردهای مذهبی (۱) پیرامون نظر شریعت و دین درباره ازدواج، طلاق، تربیت، کودکان، سقط جنین و کاندیداهای انتخابات را پخش می‌کنند. در تمام این برنامه‌ها ملاحظه کردم، اسرائیل نگین انگشتر برنامه‌های آن شبکه‌های «مسیحی» است؛ چون عنوان می‌شد که حمایت از اسرائیل و پشتیبانی از اشغال قدس توسط این کشور، فریضه‌ای مذهبی است و به عبارت دیگر تأسیس اسرائیل گامی قبل از ظهور مسیح است. اما گام آخر، ساخت هیکل (معبد) بر بالای قبه صخره نزدیک مسجد الاقصی است. کنجکاوی مرا واداشت تا از مجتمع شبکه سی.بی.ان در «ویرجینیا بیتز» دیدن کنم. مجتمع، ساختمانی یازده طبقه بود که دانشگاه «ریجنت» (۲)، را نیز دربرمی‌گرفت، این دانشگاه، دانشگاهی مسیحی بود که به دانشجویان خود مدرک دانشگاهی در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و روزنامه نگاری اعطا می‌کرد. در آستانه مجتمع آیه ۱۴، اصحاح ۲۴ انجیل متی، توجه مرا به خود جلب کرد: «تلاوت کتاب مقدس، به شما این بشارت را می‌دهد، و این نشانه ایست برای تمام ملل در سراسر جهان، سپس نهایت فرا می‌رسد.» در کتابخانه ساختمان نیز آیه ۲۵ اصحاح هشتم سفر در عهد قدیم را ملاحظه کردم: «اکنون، ای خدا، خدای اسرائیل، وعده خود را که به بندهات، داوود، پدرم دادی و با او در آن باره سخن گفتمی حفظ کن، آنجا که گفتمی: در مقابل من از مردان تو، کسی که بر تخت اسرائیل بنشیند، نابود می‌شود.» در راهرو مقابل کتابخانه نیز، تابلویی دیواری نظر مرا به خود جلب کرد که دژهای چهارگانه دیده شده در خواب یوحنا پیرامون «روز داوری در رستاخیز» رابه تصویر می‌کشید. در «لابی» تابلوی دیواری دیگری ملاحظه می‌شد که جنگ «هارمجدون» (۳) میان «یاجوج و ماجوج» (۴) را به تصویر می‌کشید، جنگی که قبل از ظهور مسیح به وقوع می‌پیوندد. در میان آن حال و هوا و آن سمبل یهودی مسیحی، همراهم برایم توضیح داد که هدف دانشگاه ریجنت و شبکه سی.بی.ان آماده ساختن آمریکا و آمریکاییها برای ظهور مسیح است. هم‌چنین گفت که شبکه سی.بی.ان دارای ایستگاهی به نام «ستاره‌های امید» در جنوب لبنان است که برنامه‌های خود را از آنجا پخش می‌کند تا زمینه را برای ظهور مسیح فراهم نماید. (۵) در روز ۱۹ آوریل ۱۹۹۳ کنجکاوی من به اوج خود رسید، چون این روزی بود که آتش جمعیت «دیویدی‌ها» در «واکو» برافروخته شد و ۷۴ تن از اعضای جمعیت که در میان ایشان رهبر جمعیت «دیوید کورس» نیز مشاهده می‌شد، خودکشی کردند. آنها اعتقاد داشتند با این کار اوامر خداوند را جهت فرارسیدن پایان تاریخ و ظهور مسیح به مورد اجرا می‌گذارند. نکته قابل توجه و مهم این بود که هنگام به خاکسپاری کورس، تابوت او را با پرچم اسرائیل و نه پرچم آمریکا پیچیده بودند! در دومین سالگرد آتش سوزی جمعیت دیویدی در واکو، در ۱۹ آوریل ۱۹۹۵، «تیموتی مک وی» به انتقام کشته شدن دیوید کورس و یارانش، اقدام به منفجر ساختن ساختمان پلیس فدرال در «اوکلاهاما» نمود. او اعتقاد داشت، این آتش سوزی ریشه در نقشه‌ای شیطانی و جهانی دارد که بر خلاف سفارشات خداوند بوده و ظهور مسیح را به تعویق می‌اندازد. مسئله اینجاست که این حادثه در ایالات متحده آمریکا به وقوع می‌پیوندد که برای تمدن غرب، هنر جدایی کلیسا از دولت (دین از سیاست) را از زمان تصویب لایحه قانونی ایالت ویرجینیا در سال ۱۷۷۷ (پیش از یک دهه قبل از انقلاب فرانسه) ارائه داد. لایحه‌ای که تصویب آن باعث شد ایالات متحده آمریکا دین رسمی و یا کلیسای رسمی نداشته باشد. اولین اصلاح و تعدیل در قانون اساسی آمریکا در سال ۱۸۰۱ به وقوع پیوست و هدف آن، بنابراین آنچه که رئیس جمهور وقت آمریکا عنوان کرده بود: «ایجاد حفاصل و دیوار میان کلیسا و دولت است ... همانگونه که مسیحیت آمریکایی از بفعد سیاسی با فردگرایی و فلسفه «او را به حال خود رها کن کار کند یا کار نکند» (آزادی اقتصادی از دید آدام اسمیت) موافقت کرد تا تبدیل به آن چیزی شود که «رابرت» آن را خدای «مذهب و دین مدنی» نامید. این موضوع مرا به این سمت سوق داد که پیرامون دو موضوع به تحقیق بپردازم: موضوع اول: مذهب آمریکاییها. ۹۵٪ آمریکاییها اعتقاد دارند که خدا هست و از میان هر ۵ نفر ۴ نفر به معجزه و زندگی پس از مرگ و تولد حضرت مسیح از دامان پاک حضرت مریم (پاکدامنی حضرت مریم) اعتقاد دارند. هم‌چنین ۸۲٪ آمریکاییها خود را اصولگرا و مذهبی تلقی می‌کنند، در حالی که این نسبت در بریتانیا ۵۵٪، در آلمان ۵۴٪ و در فرانسه ۴۸٪ است. اما نسبت افرادی که در آمریکا



هر هفته به کلیسا می‌روند ۴۴٪ است، در حالی که در آلمان ۱۸٪، بریتانیا ۱۴٪ و فرانسه ۱۰٪ است. (۶) موضوع دوم: جانبداری و حمایت آمریکاییها از اسرائیل. فرهنگ آمریکایی عنوان می‌کند که فرهنگ یهودی - مسیحی (۷) بر پایه تقلید و آداب و رسوم اخلاقی و مذهبی یهودی و مسیحی یا «میراث یهودی - مسیحی» استوار است. موضوعی که در پایان معنایی سیاسی یافت و به توافق، همراهی و همگامی ارزشهای آمریکایی و اسرائیلی ترجمه شد. از اینجا بود که فرضیه پژوهش شکل گرفت و آن چگونگی تفسیر و تشریح مذهبی شدن و یهودی شدن آمریکا بود. مذهبی شدن و یهودی شدن آمریکا با شکل‌گیری و نشو و نما آن ارتباط پیدا می‌کند. مهاجران اولیه آمریکا را «اورشلیم» جدید یا «کنعان جدید» تلقی کردند و خود را به عبرانیهای قدیم تشبیه نمودند، که از ظلم و ستم فرعون (جیمز اول پادشاه انگلیس) فرار کردند و از سرزمین مصر (انگلیس) به جست‌وجوی سرزمین موعود جدید گریختند، به این ترتیب، تعقیب و بیرون راندن سرخپوستان توسط مهاجران پروتستان در دنیای جدید (آمریکا) بسان تعقیب و بیرون راندن عبرانیهای قدیم توسط کنعانی‌ها در فلسطین بود. بدین ترتیب، شهرک نشینان از پندها و سفارشات حکایات (سفر خروج) چراغی فراره خود در تدوین قانون اساسی آمریکا ساختند. بنابراین بندگی در مصر، بیرون رانده شدن، سرگردانی، وارد شدن به سرزمین موعود، قتل عام ساکنان آن و ... تاریخ پیشین و آینده‌ای برای ملت جدید برگزیده خداوند در سرزمین جدید موعود شد. تبدیل دنیای جدید به اسرائیل جدید، هدف اصلی طرح شهرک نشینان پروتستانی پورتانی اولیه بود. آنها همیشه در انگلستان خواب تطبیق و اجرای شریعت تورات را می‌دیدند و هنگامی که به آمریکا آمدند، رؤیای دولتی را در سر پروراندند که دستورات و فرمانهای خداوند بر آن حکومت کند، حتی مورخی چون «جان فیسک» می‌گوید: «همین که می‌بینی تاریخی در آمریکا ساخته می‌شود، ملاحظه می‌کنی که آن، تاریخی آمریکایی - یهودی است.» (۸) یهودی شدن «مسیحیت آمریکایی» در اصل به آن چیزی باز می‌گردد که ما آن را «مسیحیت یهودی» نامیدیم و با ظهور «قدیس پولس» دومین بنیانگذار مسیحیت پس از «یسوع» روی از دیده‌ها نهان کرد، اما طی دوره اصلاح‌گرایی و انقلاب در اروپا ظاهر شد و رشد نمود و نقش مهمی پس از بازپس گرفتن اسپانیا توسط مسیحیان - که در آن زمان در دست یهودیان به آیین مسیحیت در آمده یا «یهودیان مارانو» بود - بازی کرد. با شروع قرن شانزدهم، تأثیرات مسیحیت یهود منجر به انتشار «ایده هزاره» (۹) گردید و تفسیرهای جدید و نوینی از سفر دانیال (در عهد قدیم) و رؤیای یوحنا (در عهد جدید) شد و بدین ترتیب یهودیان در نقشه خداوند جهت پایان تاریخ، که شامل بازگشت یهود به فلسطین آنهم قبل از آمدن مسیح می‌شد، جایگاه مهمی پیدا کردند. اما حرکت بزرگ مسیحیت یهود با جنبش اصلاح طلبانه پروتستانها در قرن شانزدهم ارتباط پیدا می‌کند، به طوری که پروتستانها اعتبار و آبروی یهودیان را به آنها باز گرداندند و عهد قدیم (یهودیان) بالاترین منبع اعتقادی پروتستانها شد. با انقلاب پورتانی‌ها در قرن هفدهم یهودی شدن مسیحیت به اوج خود رسید، پورتانی‌ها در گرمی داشت عهد قدیم سنگ تمام گذاشتند و از دولت بریتانیا خواستند، قوانین تورات را به عنوان قانون اساسی کشور اعلام کند و آداب و رسوم یهودیت را جایگزین مسیحیت نمودند و حتی پا را از این هم فراتر نهاده برخی از آنها نماز و کتاب مقدس را به زبان عبری می‌خواندند. هنگامی که مهاجران پورتانی اولیه به دنیای جدید (آمریکا) رسیدند، اسطوره‌های ملت برگزیده، سرزمین موعود و سرزمین اسرائیل چراغ راه و راهنمای ایشان بود، آنها نماز را به زبان عبری می‌خواندند و بفرزندان خویش نامهایی از داستانهای تورات می‌گذاشتند و اولین کتابی که در آمریکا چاپ کردند، کتاب «مزامیر داوود» (سرودهای مذهبی داوود) بود. به این ترتیب، مسیحیتی که با دومین گروه از مهاجران وارد آمریکا شد، مسیحیتی یهودی بود به عبارت دیگر «مسیحف» یسوع ناصری که در رأس دین مسیحیت قرار دارد، تبدیل به مسیحی یهودی یا یکی از پیامبران بی شمار قوم یهود شد. با تأثیرپذیری از مسیحیت یهودی و با آغاز قرن هجدهم، اعتقاد به برانگیختگی یهود در فلسطین تبدیل به یکی از اصول لاهوتی مهم پروتستانهای آمریکایی شد، به طوری که اعتقاد به مسیح منتظر و عصر هزاره خوشبختی جایگاه مهم و بارزی در اعتقادات این مسیحیان پیدا کرد. با ورود آمریکا به دوره رشد و بیداری بزرگ مذهبی در دهه ۴۰ قرن نوزدهم، مسیحیت صهیونیسم از مسیحیت یهود زاده شد و با هدف

قراردادن فرهنگ و سیاست آمریکا آنها را ملزم کرد به فریضه برپایی اسرائیل (برانگیختگی یهود) و حمایت از آنها، به عنوان فریضه‌ای الهی و فرهنگی و در نهایت سیاسی. به این ترتیب صهیونیسم آمریکایی دهه‌ها پیشتر گوی سبقت را از صهیونیسم هرترزی در زمینه برپایی اسرائیل ربود و این یکی از دلایل تفسیر کننده حمایت آمریکا از برپایی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و سپس پشتیبانی آمریکا از اسرائیل است. این حمایت و جانبداری، الهی و فرهنگی است که در جان و روح و سیاست آمریکاییها، سالها قبل از ظهور صهیونیسم یهودی و لابی یهودی - که هر روز بیش از پیش بر قدرت و نفوذ آن افزوده می‌شود، بی آن که به احساسات مسیحیان صهیونیست آمریکایی توجه کند - نفوذ کرده است. بنابراین برای بحث و گفت‌وگو پیرامون مذهب شدن و یهودی شدن آمریکا می‌بایست، بر جنبش احیای مذهبی در آمریکا که در بیست و پنج سال آخر قرن بیستم به وقوع پیوست تمرکز نمود و به آن توجه کرد. از سال ۱۹۷۶ ایالات متحده آمریکا شاهد به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و مسیحیت اصولگرا بود که اصطلاحاً «راست مسیحی» یا «مسیحیان راستگرا» نامیده می‌شدند. این مسئله باعث شد تا هزاران نفر از جوانان آمریکایی به «مسیحیان دوباره زاده شده» تبدیل شوند و نظرسنجی مؤسسه «گالوپ» آشکار ساخت که پنج و یک سوم آمریکاییها غسل تعمید را دوباره انجام دادند. (مسیحیان دوباره زاده شده) و پیروان کلیساهای افراطی و تندرو افزایش یافت و شبکه‌های تلویزیونی مذهبی یا «کلیساهای تلویزیونی» تأسیس شدند ... این موج به کاخ سفید نیز کشیده شد، به گونه‌ای که رئیس جمهور وقت آمریکا؛ «ع» کارتر «اعلام کرد که او «مسیحی دوباره زاده شده» است. به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا با به قدرت رسیدن مسیحیت صهیونیسم، به ویژه پس از پیروزی اسرائیل در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و اشغال قدس توسط آن، ارتباط پیدا می‌کند و این مسئله‌ای است که مسیحیت صهیونیستی آمریکا آن را تأکیدی بر درستی و راستی پیش‌گوییهای تورات و مقدمه نزدیک بودن ظهور مسیح تلقی کرد، به این ترتیب مسیحیت صهیونیسم دارای سازمانهای مخصوص به خود شد که وسایل گروههای فشار «لابی» را به خدمت گرفت تا بر افکار عمومی و کنگره آمریکا با هدف تأکید بر مشروع بودن دولت اسرائیل و حمایت اقتصادی و نظامی و سیاسی از آن (به عنوان فریضه‌ای الهی و اخلاقی - آمریکایی) و یهودی کردن قدس به عنوان شهری که مسیح پس از ظهورش از آنجا بر جهان حکومت می‌کند، تأثیر بگذارد. قدرت یافتن جناح راست مسیحی در دهه هشتاد و نود هم ادامه یافت، تا این که رأی دهندگان به آن در انتخابات ریاست جمهوری و کنگره تبدیل به قدرت مؤثر و با نفوذی شدند. این جناح ۲۵٪ آراء را در ایالات متحده آمریکا به خود اختصاص می‌دهد (حدود ده برابر آراء یهود). در راه سلطه (۱۰) بر میدان و عرصه سیاسی آمریکا، جناح راست مسیحی با جناح راست سیاسی در حزب جمهوری خواه متحد شد تا حزبی را تشکیل دهند که به «حزب‌الله» معروف شد، این مسئله با افزایش نقش راستگرایان مسیحی که شامل کاتولیکهای آمریکایی و پروتستانها می‌شد، همراه شد و باعث شد تا «یهودیت مسیحی» ویژگی و صفتی جدایی‌ناپذیر، لاهوتی، اخلاقی و فرهنگی برای آمریکا شود، به اندازه‌ای که هر کس در توصیف آمریکا صفت «یهودیت» را به مسیحیت اضافه نمی‌کرد، زبانش قطع می‌شد. این موضوعی بود که طی و پس از انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان در سال ۱۹۹۲ به وقوع پیوست و آمریکای یهودی - مسیحی شاهد به قدرت رسیدن «بوش» بود، با وجود این که در دوره ریاست جمهوری «بوش» شاهد سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق و پیروزی آمریکا در جنگ خلیج فارس بودیم. دهه نود شاهد تثبیت و تحکیم سازمانهای اصولگرای مسیحی تحت نامها و عنوانهای مختلف از قبیل «ائتلاف مسیحیان»، «احیای اصولگرایی»، «مجلس مطالعات خانواده»، «مرکز بر خانواده»، «ائتلاف ارزشهای سنتی» و ... بود؛ هم‌چنین گروهها و جمعیتهای زور و خشونت ظاهر شدند و برای تخریب و از بین بردن سیستم اجتماعی و سیاسی و تأسیس دوباره آن بر اساس تعالیم و اصول کتاب مقدس روی به قتل و کشتار و خونریزی آوردند تا زمینه بازگشت و ظهور مسیح را فراهم آورند. «سیستمهای» مسیحیت سیاسی و اصولگرا فقط به آماده ساختن جامعه آمریکا برای بازگشت مسیح اکتفا نکردند، بلکه رسالت آنها، رسالت جهانی و صلیبی بود و نقش آن فقط به سیاست داخلی محدود نمی‌شد، بلکه در سیاست خارجی آمریکا نیز دارای نقش مهم و مؤثری شدند؛ چرا که پشت سر حملات ایالات

متحدہ علیہ سازمان ملل و بدہیہای صندوق بین المللی پول و صندوق جمعیت سازمان ملل قرار داشتند، همانگونه کہ پشت سر تصویب قانون تحریم سرنگونی مذہب نیز بودند، بہ این ترتیب آمادہ ساختن جهان برای پایان تاریخ و دومین ظهور مسیح در چارچوب رسالت مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا، قرار می گرفت. بہ قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا در ایالات متحدہ در بیست و پنج سال آخر قرن بیستم با حوادثی جهانی ہمراہ گردید کہ شامل احیای اصولگرایی در سہ دین آسمانی اسلام، یهودیت و مسیحیت بود. اما می توان ویژگیہای (۱۱) خاصی برای جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا در نظر گرفت کہ عبارتند از: ۱- مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا «جنبشی پس لائیک» بود کہ در جامعہای «پس لائیک» ظهور کرد، جامعہای کہ لامذہبی را از دو قرن پیش می شناخته و از یک قرن قبل در تمام زمینہای اجتماعی، چہ در فضای قانونی و سیاسی و چہ در سایر فضاہا، با آن آشنا بودہ و در آن ریشہ دواندہ بود. برعکس جوامع اسلامی کہ وقتی پدیدہ لامذہبی در این جوامع ظهور کرد فقط نخبگان غربزدہ آن را در بر می گرفت. یک مسلمان وظایف فردی و اصطلاحات قرآن را می خواند، آنها را می شناسد یا بہ راحتی آنها را بہ یاد می آورد و در آن مسیر گام بر می دارد، چون مرجع کنونی و حال حاضر مذہبی آن است در حالی کہ یک آمریکایی چون لامذہبی بر او تأثیر گذاشته است، نیاز بہ این دارد کہ وظایف فردی و اصطلاحات کتاب مقدس را دوبارہ از نو بخواند و فراگیرد و سرانجام این کہ احیای مذہبی در آمریکا «غسل تعمید دوبارہ» از پایین (تأثیر بر جامعہ) یا از بالا (تلاش جہت تغییر نظام) بود. ۲- جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا (برعکس جوامع اسلامی) در جامعہای دمکراتیک زادہ شد، بہ ہمین دلیل مقید و محدود بہ فرهنگ و آداب و رسومی دمکراتیک است. بہ ہمین دلیل بہ خشونت و زور روی نمی آورد، مگر بہ وسیلہ گروہهای بی اهمیت و خفردہ پا، همچنین در معرض قلع و قمع و سرکوب بہ سان جوامع اسلامی قرار نمی گیرد، مگر در موارد خاصی؛ مانند خودکشی. همچنین بہ قدرت رسیدن جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا در جامعہای دمکراتیک، آن را بہ سوی مبارزات سیاسی بہ عنوان قدرت رأی دہندہ مؤثر و حاکمیت بر شوراهای مدارس و شہرها در بسیاری از ایالتها سوق داد و باعث شد تا نمایندگانی در کنگرہ و میان استانداران ایالتها داشته باشد. غیر از آن، راست مسیحی، در چارچوب سعی و تلاش خویش جہت «تعمید از بالا» اقدام بہ ارائه کاندیدای خویش جہت حضور در انتخابات اولیہ حزب جمهوری خواه در سال ۱۹۸۸ نمود و او کسی نبود جز «پات رابرتسون». این تلاش در کاندیداتوری اولیہ جہت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ بہ وسیلہ معرفی «گری پویر» کہ در جنگ انتخاب کاندیداهای حزب جمهوری خواه پیروز شدہ بود، تکرار شد. ۳- جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا، در جامعہای پسامدرنیسم و پساصنعتی ظهور نمود؛ بہ ہمین دلیل توانایی خارق العادہای داشت کہ از زبان و تکنولوژی بسیار پیشرفته برای نشر رسالت خویش استفاده کند. این مسئلہ در ابداع «کلیسای تلویزیونی» و استفاده از «اینترنت» و «پست الکترونیک» جہت تأسیس شبکہهای ارتباطی با یاران و پیروان خویش و حتی مردم عادی طی حملات انتخابی یا جمع آوری کمکها یا فشار بر ادارہ ریاست جمهوری و کنگرہ نمود پیدا می کند. ۴- در جامعہ سرمایہ داری کہ بر اساس اصول آزادی و رقابت استوار است، نشو و نما یافت. بہ ہمین دلیل ملاحظہ می کنیم، بر اساس منطق «بازار» فعالیت می کند. بہ اندازہای کہ می توان گفت بہ خاطر نبود «دین رسمی برای دولت» و «یا کلیسای ملی»، «بازار آمریکایی دین» وجود دارد کہ در آن شبکہهای مذہبی تلویزیونی (کلیسای مرئی یا تصویری) و دانشگاههای الهیات و سازمانهای بشارت دہندہ و دستگاہهای چاپ کاغذی و الکترونیکی مسیحی با ہم در قابت هستند. ۵- جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا بسان جنبش اسلامی شرایط اجتماعی را بہ مبارزہ فرامی خواند. جنبش اسلامی بہ مبارزہ با بدبختی و فقر مادی و اجتماعی می پردازد، در حالی کہ نوع آمریکایی آن بہ مبارزہ با بدبختیهای اجتماعی در جامعہای مادی و آزاد، با وعدہ، بہ درمان اجتماعی از خدای واعظان تلویزیونی و دانشگاههای الهیات و درمانهای سحرآمیز و التزام بہ قوانین خشک اخلاقی می پردازد. قوانینی کہ سقط جنین را منع و ہمجنس بازی را تحریم کردہ و روابط جنسی را محدود بہ ازدواج می کند و کودکانی بر اساس اصول اخلاقی مسیحیت تربیت می کند و آنها را از ارتکاب

خلاف موارد فوق یا «پورنوگرافی» برحذر می‌دارد. بی‌شک هر کس که به سیاست داخلی و سیاست خارجی آمریکا توجه دارد، می‌بایست از تأثیر دین آمریکایی و این فرضیه که این کتاب بر اساس آن تألیف شده و عنوان می‌کند: «آمریکا کشوری «یهودی - مسیحی» است، آگاه و مطلع باشد. و بداند که مسیحیت امریکایی از زمان پای گذاشتن مهاجران پروتستانی پورتانی اولیه بر سواحل آمریکا، صبغه‌ای یهودی یافت و با اولین بیداری و آگاهی بزرگ مذهبی در قرن نوزده تبدیل به مسیحیتی یهودی شد و از آن تاریخ مسیحیت صهیونیسم از آن نشأت گرفت و نشو و نما یافت. با این فرضیه این کتاب، مسیحیت سیاسی و اصولگرا، در آمریکا را در هفت فصل مورد بحث و بررسی و مناقشه قرار داده است: فصل اول؛ مسیحی یهودی: این فصل به ریشه‌های مسیحیت یهودی در تاریخ مسیحیت و تاریخ غرب می‌پردازد و تحلیل خود را از ظهور قدیس پولس تا جنبش اصلاح طلبانه پروتستانها و سپس عصر انقلاب اروپا تا دوره امپریالیستی بریتانیا ادامه می‌دهد. فصل دوم؛ مسیحی یهودی آمریکایی: این فصل به بحث و بررسی در نشو و نمای مسیحیت یهودی در آمریکا و سپس تبدیل شدن آن به مسیحیت صهیونیستی تا برانگیخته شدن دولت اسرائیل می‌پردازد. فصل سوم؛ احیای دینی و مسیحیت صهیونیستی: این فصل بحث و گفت‌وگو پیرامون آغاز جنبش احیای مذهبی در ایالات متحده آمریکا از دهه پنجاه و سپس به قدرت رسیدن رادیکالهای افراطی در دهه هفتاد و ارتباط آن با به قدرت رسیدن مسیحیت صهیونیستی در آمریکا را در بر می‌گیرد. فصل چهارم؛ به قدرت رسیدن راست مسیحی و لابی مسیحی صهیونیستی: این فصل به بررسی نحوه به قدرت رسیدن راست مسیحی در دهه هشتاد طی حکومت ریگان، رئیس جمهور اسبق آمریکا و آمادگی وی جهت برافروختن «هارمجدون» به عنوان اولین قدم جهت آمادگی برای ظهور مسیح و تشکیل و ایجاد لابی مسیحی صهیونیستی می‌پردازد. فصل پنجم؛ حزب الله و پیروزی یهود مسیحیت: این فصل اتحاد میان راست مسیحی و راست سیاسی در حزب جمهوری خواه در دو دوره بوش و کلینتون و سلطه و حاکمیت یهود مسیحیت و جنگ فرهنگی که بر جان و روح آمریکا حاکم است و امتداد و نفوذ مسیحیت صهیونیستی را در میان کاتولیکها نشان می‌دهد. فصل ششم؛ اصولگرایی و خشونت: مسیحی یهودی و مسیحی مسیحی، این فصل به بررسی سازمانهای اصولگرا و گروهها و جمعیت‌های خشونت پی نوشت: ۱. ۲. ۳. Talk show Regent. جایی که آخرین جنگ میان نیروی شر و نیروی خیر قبل از روز داوری در رستاخیز به وقوع می‌پیوندد. مکاشفه یوحنا (۱۶:۱۶) ۴. یاجوج و ماجوج اشاره به مللی است که شیطان آنها را گمراه ساخته و آنها را برای جنگ به عنوان دشمنان مملکت خداوند کنار هم گرد می‌آورد. مکاشفه یوحنا (۸:۲۰). این نام همچنین دوبار در قرآن کریم ذکر شده است: - آنها گفتند: ای ذوالقرنین بدان که قومی به نام «یاجوج و ماجوج» پشت این کوه فساد و خونریزی و وحشی‌گری بسیار می‌کنند. (سوره کهف، آیه ۹۴). - تا روزی که راه «یاجوج و ماجوج» باز شود، آنان از هر جانب پستی و بلندی زمین شتابان در آیند. (سوره انبیاء، آیه ۹۶) ۵. این شبکه بعدها از طریق کانال «METV» و توسط ماهواره اسرائیل برنامه‌های خود را پخش کرد. ۶. Judeo christian. National times, Nov ۱۹۹۵, ۸. رضا هلال، تفکیک آمریکا (جدایی آمریکا)، قاهره، الاعلامیه للنشر ۱۹۹۸. ۹. منتسب است به هزار سال که باید طی شود تا مسیح ظهور کند ۱۰. رضا هلال، (امریکا الحلم و السياسة) امریکا رؤیا و سیاست، قاهره، الحضارة ۱۹۹۹. ۱۱. پیرامون اصول گرایی در مذاهب سه گانه ر. ک: Revenge of God, Kepel, christianity and Judism in, theresurgence of islam, Gilles. cambridge polity press ۱۹۹۴, the modern world

### مسیحیت صهیونیستی

نویسنده: پیشارا اواد کالج مطالعات کتاب مقدس، بیت لحم. ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی مقدمه: آن چه که من به عنوان یک سرسپرده به سیادت حضرت عیسی (ع) همیشه به دنبال آن بوده‌ام حقیقت است. بنابراین سرسپردگی من نسبت به عیسی مسیح (ع) بر احساس من به عنوان یک فلسطینی، به عنوان کسی که مورد ستم قرار گرفته، پناهنده شده و در میان مردمی که در رنجند زندگی

می‌کند اولویت دارد. موضوع مورد نظر ما «مسیحیت صهیونیستی» است. بطور ساده، صهیونیسم به جنبشی ملی برای حضور یهودیان در فلسطین و حق حاکمیت یهود بر کل سرزمین اطلاق می‌شود. جنبش صهیونیستی رسماً در سال ۱۸۹۷ سازماندهی شد و خواستار استقرار مجدد یهودیان در فلسطین بود. این حرکت در باطن خود دارای ماهیتی سکولار بود و رهبران آن ایدئولوژیهای خارجی را از جمله سوسیالیزم (جامعه‌گرایی) و ناسیونالیسم (ملیت‌گرایی) وارد یهودیت کردند. با این وجود، عاقبت جنبش صهیونیستی طرفدارانی در میان سنتهای یهودی و احزاب، خصوصاً بعد از واقعه قتل عام یهودیان توسط هیتلر به دست آورد. این حمایت از جنبش صهیونیستی در میان بسیاری از مسیحیان، بخصوص پروتستانهای طرفدار وضع احکام دینی در هر عصر، نیز آشکار شد. مسیحیانی که فعالانه و جدی از ادعای یهودیان برای بازگشت به فلسطین حمایت می‌کنند، مسیحیان صهیونیست شناخته می‌شوند. مسیحیت صهیونیستی در اسرائیل مسیحیان صهیونیست خود را مدافع یهودیان و بخصوص اسرائیل می‌داند. آنها از سیاستهای اسرائیل، چه خوب و چه بد حمایت می‌کنند. این حمایت، ضدیت با افراد منتقد و دشمن اسرائیل را هم شامل می‌شود. در نتیجه، اکثر آنها هیچگونه احساس غم‌خوارانه‌ای نسبت به فلسطینیان ندارند و مخالف هر گونه راه حل صلح طلبانه که ممکن است منجر به ملی شدن فلسطین شود هستند. از نظر آنها، خداوند این سرزمین را به یهودیان بخشیده. فلسطینیان محلی، متجاوز شناخته شده و هیچ حقی در سرزمین موعود ندارند. مسیحیان صهیونیست برای توجیه موقعیت خود، به کتاب مقدس استناد می‌کنند. دکتر استفان سائزر، در رساله خود به نام «مسیحیت صهیونیستی و اثر شدید آن بر عدالت»، دسته‌بندی متعددی از رفتارهایی که توسط مسیحیان صهیونیستی به عنوان دوستان حقیقی اسرائیل تعریف شده مشخص می‌کند: ۱- تشویق و دلگرمی در گفتگوهای یهودیان و مسیحیان. ۲- مقابله با افکار ضد یهودی. ۳- آموزش با نگرش به ریشه‌های یهودی دین مسیح (ع). ۴- اقدامات بشردوستانه در میان پناهندگان یهودی. ۵- مخالفت با مقامات یهودی میانه‌رو که تلاش می‌کنند، برای آرامش در سرزمین، مصالحه کنند. ۶- سوء استفاده از مسیحیت برای توجیه اعمال ضد حقوق بشر. ۷- آخرت‌شناسی کتاب مقدس در معرض تبدیل شدن به پیشگویی منجر به واقعیت. خداشناسی مسیحیت صهیونیستی الف) استقرار مجدد: خداشناسی مسیحیان صهیونیست بر اساس عقیده به بازگشت مجدد به سرزمین موعود است و این که وعده این سرزمین به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف داده شده و ابدی می‌باشد. بنابراین آنها به دعا و تقویت یهودیان می‌پردازند تا به جایی که خدا به آنها عطا نموده بازگردند و آن را اشغال نمایند. از آن رو معتقدند: خداوندی که بنی اسرائیل را متفرق نمود دوباره آنها را جمع می‌کند (۶ - ۱: ۴۰ کتاب دوم تورات) (۱۰: ۳۱ ارمیای نبی، ۱۲ - ۱۱: ۱۱ اشعیا) وظیفه کلیسا این است که راحتی و برکت اسرائیل را تأمین کند. اگر کلیسا در انجام این وظیفه درماند؛ برکت خداوند را از دست می‌دهد. «و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند.» (۳: ۱۲ سفر پیدایش به عقیده مسیحیان صهیونیست وظیفه کلیسا این است که به عملیات بازگردانی و استقرار مجدد کمک نموده از آنها حمایت کند، راحتی آنها را تأمین کند و بقای مردم منتخب خداوند را متعهد شود. ب) برگزیدگی: به عقیده مسیحیان صهیونیست، یهودیان مردم برگزیده خداوند باقی می‌مانند و ارتباطی منحصر به فرد و ناگسستنی با او دارند. با نگاه به تعلیمات کتاب عهد جدید درباره ملت خداوند، خدا هیچ‌گاه مردم یهود را رد یا جایگزین نکرده است. «ولکن چنین نیست که کلام خدا ساقط شده باشد؛ زیرا همه کسانی که از اسرائیل اند، اسرائیلی نیستند و نه نسل ابراهیم تماماً فرزند ابراهیم هستند.» (۷ - ۶: ۹ رومیان ج) دیدگاه مبتنی بر کتاب مکاشفات درباره آینده: اساس خداشناسی مسیحیت صهیونیستی عقیده به بخش‌گرایی و وضع احکام دینی در هر دوره و عصر است. بر اساس این عقیده، خداوند جهان را از آغاز تا پایان بر اساس جدولی تدبیر کرده که به هر دوره از آن یک بخش گفته می‌شود. اسرائیل نقش مهمی را در آخرین دوره بازی می‌کند. زمانی که می‌خواهد دوباره به کشوری مستقل تبدیل شود، معبد را بازسازی کند، مقام کشیشی و طریقه و روش فداکارانه را بنیاد نماید. معتقدین به بخش‌گرایی، اسرائیل و کلیسا را مجزا می‌دانند و بر این باورند که خداوند تا آغاز جنگ آرماگدون با هر دو بصورت جداگانه کار می‌کند. سپس عیسی مسیح (ع) به عنوان پادشاه

یهودیان بازمی‌گردد و از تخت خود در معبد بازسازی شده در اورشلیم بر کل ملتها حکمرانی می‌کند. در آخرین جنگ اسرائیل نابود خواهد شد و صدها هزار یهودی خواهند مرد. بخشی گرایان سالها به دنبال علائم و اجرای پیشگوییها بوده‌اند. اعلامیه کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و جنگ ۱۹۶۷ هر دو به عنوان اجرای این پیشگوییها با نادیده گرفتن وضع اعراب فلسطینی و بخصوص مسیحیان عرب فلسطینی ملاحظه شده‌اند. تمام حوادث جاری به عنوان تابلوهای راهنمای بازگشت دوباره عیسی مسیح (ع) تعبیر می‌شوند. جداول پیشگویی سناریوی بازگشت دوباره عیسی مسیح (ع) را مجسم می‌کنند. حوادث - حتی حادثه همه‌سوزی توسط هیتلر - همه به عنوان وسایل تدبیر شده خداوند برای داوری مورد توجه واقع شده‌اند. بنابراین هیتلر هم که معتقد به کتاب مقدس نبود با فرستادن مردم حفظ شده به سرزمین حفظ شده به اجرای یک پیشگویی برجسته کمک کرد. این کاملاً بدیهی است که، بدون اسرائیل، برنامه‌های مبتنی بر پیشگویی مسیحیان صهیونیست، تمام تئوریهای جدایی طلبانه و اجزای آنها، همگی از بین خواهند رفت. به همین علت است که مسیحیان صهیونیست علاقه خاصی به کشور اسرائیل دارند. برای آنها، این موضوع، جنگ بین دو قوم برای رسیدن به صلح نیست بلکه به حقیقت پیوستن جدی پیگشوییها و بازگشت مسیح، با شکوه و افتخار و اجرای اراده کامل خداوند است. مسیحیان صهیونیست راغب نیستند به هیچ تفسیر دیگری از کتاب مقدس و هیچ تعلیم ساده‌ای از آن با توجه به عدالت و صلح، توجه کنند. مسیحیان صهیونیست چگونه از اسرائیل حمایت می‌کنند؟ به عقیده مسیحیان صهیونیست و جدایی طلبان، حمایت نکردن از اسرائیل قرار گرفتن در صف مخالفین با اهداف خداست. حمایت از اسرائیل از طریق اشکال مختلفی صورت می‌گیرد: ۱. مالی ۲. نظامی ۳. تبلیغات ۴. خدمت در نیروی نظامی اسرائیل ۵. تکفل بازگرداندن جمعیت مهاجر یهود ۶. بشردوستی ۷. دعا برای اسرائیل ۸. اقدامات سیاسی ۹. حمایت‌های متفرقه این برای فلسطین چه معنایی دارد؟ چون مجال صحبت درباره تمام نکات بالا نیست، باید مثالی را ذکر کنم. در سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان حمله کرد. یک سخنگوی مسیحی صهیونیست که با «اورشلیم پست» مصاحبه داشت توضیحات زیر را بیان کرد: «ما (مسیحیان صهیونیست) صهیونیستهای بهتری از شما اسرائیلیها هستیم. شما خیلی سازش‌پذیر هستید و بسیار راغب به مصالحه می‌باشید.» او اسرائیل را وادار کرد تا امنیت «حقوق خدادادی سرزمین» را با اعمال تجاوزگرانه بیشتر برای ساخت مسکنهای یهودی در کرانه غربی تأمین کند. هماگونه که می‌بینید، فلسطینیان فقط با کشور قدرتمند اسرائیل روبرو نیستند، آنها دشمن پنهان دیگری در میان مسیحیان صهیونیست دارند. این مسیحیان که در مواقعی بسیار خوش خیال‌اند، خود را نه تنها در حال کمک به کشور صهیونیستها می‌دانند، بلکه خود را تسریع کننده روند بازگشت مسیح (ع) به شمار می‌آورند. مسیحیان صهیونیست اساس خداشناسی‌شان را بر خودبینی بنا نهاده‌اند. پیام حقیقی کتاب مقدس چیست؟ آیا خدا نگران حقوق و رفاه اجتماعی جمعیت فلسطینی این سرزمین نیست؟ آیا مسیحیان صهیونیست با توجه به کتاب مقدس و با تفاسیر به گزین شده خود عدالت را اجرا می‌کنند؟ آیا فقط مسیحیان صهیونیست تفاسیر انجیلی دارند؟ بگذارید به کتاب مقدس به صورت همه‌جانبه بنگریم، هم کتاب عهد قدیم و هم عهد جدید. من فکر می‌کنم که مسیحیان صهیونیست در رد ارتباط بین دو کتاب و این که آیا کتاب عهد جدید، کتاب دیگر را باطل می‌کند در اشتباهند. ما باید به کتاب مقدس با دید مسیحی بنگریم. رساله عبرانیان همه چیز آشکارا به ما می‌گوید: «زیرا که چون شریعت سایه نعمتهای آینده است، نه نفس صورت آن چیزها، آن هرگز نمی‌تواند هر سال به همان قربانیهایی که پیوسته می‌گذرانند تقریب جویندگان را کامل گردانند. (۱: ۱۰ رساله عبرانیان) (همچنین ۶ - ۱: ۸ رساله عبرانیان - ۱۷ - ۱۶: ۲ کتاب عهد جدید) در کتاب عهد عتیق، وحی‌ها از طرف خداوند در سایه پیشگویی و تصورات بیان شده. ما در کتاب عهد جدید، واقعیت و مفاهیم را داریم. من می‌خواهم به چیزی که واقعیت دارد و به فرزند خداوند، عیسی مسیح (ع) الهام شده توجه کنم. «در گذشته خداوند با اجداد ما از طریق انبیا و یا روشهای گوناگونی صحبت کرد. اما در این روزها او از طریق فرزند خود با ما سخن گفته، کسی که او را وارث همه چیز کرد و کسی که از طریق او جهان را ساخت.» (۲ - ۱: ۱ رساله عبرانیان) همچنین آدمی تعجب می‌کند که یک قول چند بار باید اجرا شود. مردم بنی اسرائیل تحت

رهبری یوشع (ع) به سرزمین موعود رفتند و آن را مالک شدند. ما در ۲۳: ۱۱ یوشع می‌خوانیم: «پس یوشع تمامی زمین را برحسب آنچه خداوند به موسی گفته بود و یوشع آن را به بنی اسرائیل برحسب فرقه‌ها و اسباط ایشان به ملکیت بخشید و زمین از جنگ آرام گرفت.» هجوم به کنعان توسط یوشع بن نون بسیاری از مسیحیان علت اجازت خداوند به یوشع برای نابودی آموریان، **HiHites Hivites:** و غیره را نادیده می‌گیرند. این علت بت پرستی و فساد آنان بود. در کتاب دوم تورات و بعدها در کتاب یوشع روشن شده که اقوام اجازه دارند برای محک زدن ارتباط اسرائیل با خدا باقی بمانند. خدا به این قوم ۴۰۰ سال مهلت داد تا توبه کنند به ابراهیم (ع) گفت: «او در پشت چهارم به اینجا خواهند برگشت زیرا گناه آموریان هنوز تمام نشده است.» **Gen ۱۵: ۱۶**

بالاخره زمان بخشش پایان یافت و یوشع سرزمین را گرفت. گرچه بعدها که پادشاهان اسرائیل همان گناهان را مانند آموریان تکرار کردند، فتوای خداوند شامل حال اسرائیل شد، همانطور که شامل حال آموریان شده بود و آنها از سرزمین بیرون رانده شدند. بنابراین خداوند استثنا قائل نمی‌شود. فلسطینیان دشمن خداوند نیستند به یاد داشته باشیم که اعراب فلسطینی بت پرست نیستند. آنها خدای ابراهیم را عبادت می‌کنند. معیارهای اخلاقی فلسطینیان در کل، بیشتر آمریکاییها را به شرم وامی‌دارد. چیزی که امروز برای فلسطینیان در حال اتفاق است یقیناً فتوایی از طرف خدا نیست، بلکه نتیجه طمع سیاسی و رفتار غیر سیاسی بشر بر ضد بشر است. نسل ابراهیم چه کسانی هستند؟ کتاب مقدس نمی‌گوید که «خدا سرزمین را به یهودیان داده»، چیزی که می‌گوید این است که خداوند سرزمین را به ثمره ابراهیم (ع) نوید داده است. دو کتاب عهد عتیق و جدید هر دو تصدیق می‌کنند که پیمان ابراهیم بر اساس ایمان و فرمانبرداری است، نه نژاد و نسل جسمانی. بعضی از ریاکاران به عیسی (ع) گفتند: «ابراهیم پدر ماست.» عیسی (ع) به آنها جواب داد: «اگر شما فرزندان ابراهیم بودید، اعمال ابراهیم را به جا می‌آوردید.» پل همین مطلب را به گونه‌ای زیبا بیان می‌کند: «اگر شما به مسیح (ع) تعلق دارید، پس بر اساس پیمان ثمره و وارث ابراهیم هستید.» ممکن است زمانی یهودیان، مردم منتخب خداوند بوده باشند، اما بعد از آمدن عیسی (ع) تمام کسانی که عیسی (ع) را پذیرفتند فرزندان خداوند شدند.» (۱۲: ۱ یوحنا)

کتاب عهد جدید و یهودیان کتاب عهد جدید اصلاً به این موضوع اشاره نمی‌کند که یهودیان حقی خدایی و بدون قید و شرط در برابر سرزمین دارند. کتاب رومیان ۱۱ - ۹ می‌گوید زمانی که سختگیریها در برابر انجیل توسط یهودیان پایان یابد آنها تقدیس می‌شوند و دعای خیر برای آنها از طریق فرزند خداوند، عیسی مسیح (ع) به دست می‌آید. این برکتها عبارتند از: «زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما از این سر بی‌خبر باشید که مبدا خود را دانا انگارید...؟» (۲۵: ۱۱ رومیان) در بالا و در سرتاسر کتاب عهد جدید هیچ گفته‌ای از این نیست که رستگاری یهودیان مشروط به مالکیت سرزمین است. «که امتهما در میراث و در بدن و در بهره وعده او در مسیح به وساطت انجیل شریک هستند.» (۶ - ۴: ۳ افسسیان) مهر خداوند در مجموع، تمام اینها بر اساس عشق خداوند به تمام مردم جهان است. وعده سرزمین تبدیل به وعده جهان شده. این دسته از مسیحیان به نام مسیحیت صهیونیستی به خاطر تفاسیر غلط خود از کتب آسمانی، بخاطر این که وسیله جدایی و نفرت قرار گرفته‌اند، به دلیل طرفداری از قدرت شیطان، و به علت ممانعت از گواهی و شهادت عیسی (ع) در برابر مردم، نیازمند توبه به درگاه خداوندند. تفسیر و برداشت نادرست از کتاب آسمانی می‌تواند زندگیهایی را نابود سازد که عیسی مسیح (ع) برای حفظ آنها در گذشت. دولت اسرائیل در سال ۲۰۰۰ چندین مسیحی خارجی متعصب را به بیرون از اسرائیل تبعید کرد سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) آنها را متهم به برافروختن آتش جنگ نمود. شور و شوق آنها برای بازگشت مجدد عیسی مسیح (ع) آنان را آرزومند جنگ آخرین نمود. «بر شما نیست که زمانها و فرصتها را بدانید... زمانی که روح مقدس بر شما پیدا گشت، به قدرت می‌رسید و شما در اورشلیم، یهودیه، سامریه تا پایان جهان گواه و شاهد خواهید بود.» ما، به عنوان مسیحیان فلسطینی، خدانشناسی مسیحیان صهیونیست را مطابق کتاب مقدس و تعلیم عیسی مسیح (ع) نمی‌دانیم. این عقیده تأثیر منفی بر کتاب مقدس دارد و می‌تواند کلیسای آمریکا را در فهم وظیفه‌اش در خاورمیانه گمراه سازد. پیام ما به یهودیان و اعراب، پیام امید، زندگی، عشق و اخبار خوب است. مسیح (ع) برای رهایی یک سرزمین خود را فدا نکرد. او خود

را فدا کرد تا بشر را رهایی بخشد. برای این که «ما را از قلمرو تاریکی نجات دهد و وارد قلمرو پادشاهی فرزندی سازد که عاشق اوست.» (Gel ۱: ۱۳؛ عیسی (ع) جهان را دوست داشت و بنابراین آن را حفظ نمود. پی نوشت: × این مقاله توسط نویسنده‌ای مسیحی نگاشته شده و مطابق دریافت خود از واقعه توطئه مصلوب ساختن حضرت مسیح، علیه‌السلام سخن می‌گوید. مسلمین تحت تعالیم قرآن معتقد به عروج حضرت عیسی (ع) و حیات ایشان تا وقت قیام حضرت مهدی، علیه‌السلام هستند.

### بیانیه سومین کنگره بین‌المللی مسیحیت صهیونیستی

ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی بیانیه زیر در سومین کنگره بین‌المللی مسیحیت صهیونیستی که در اورشلیم از تاریخ ۲۵ فوریه تا ۲۹ فوریه سال ۱۹۹۶ برگزار شد، صادر شده است. در این کنگره ۱۵۰۰ نماینده از ۴۰ کشور شرکت داشتند که بانی آن سفارت بین‌المللی مسیحیت در اورشلیم بود. مقدمه: ما نمایندگان سومین کنگره بین‌المللی مسیحیت صهیونیستی در بیت المقدس گرد هم آمده‌ایم. این کنگره همزمان با سه هزارمین جشن سالیانه حضور یهودیان در اورشلیم، شهر مقدس خداوند، برگزار می‌شود. ما با اطمینان از توجه خداوند به تلاش‌هایمان، برای نیل به اهداف ذیل گرد هم جمع شده‌ایم: برای شرکت در جشن «اورشلیم ۳۰۰۰»، به منظور دعا برای برقراری صلح در اورشلیم و اعلام جایگاه مستحکم خود در وضعیت آینده این شهر. برای اینکه نشان دهیم مسیحیان، نگران اسرائیل و مردم یهود هستند. به منظور تلاش در راه ترغیب و راهنمایی زنان و مردان مسیحی نقاط مختلف جهان به حقیقت مربوط به اسرائیل و مردم یهود که در کتاب هر دو عهد برای آنها آشکار شده. برای سنجش موقعیت و کارهایی که باید انجام دهیم تا اسرائیل و یهودیان را در رویارویی با جنگ‌های پیش روی آنها کمک کنیم. مخصوصاً در واکنش به توافق‌نامه‌ها و آخرین وضعیت گفتگوها با اعراب فلسطین و گفتگوهای دو جانبه با سوریه و نیاز به ادامه عملیات بازگردانی یهودیان به اسرائیل (Aliyah). برای ابراز نگرانی عمیق خود از روند روزافزون تهدیدات مسلمانان تندرو که بر علیه اسرائیل، گروه‌های مسیحی خاورمیانه و جهان ایجاد شده. ما در عین حال مشفقانه خود را برای میلیون‌ها انسان مؤمن به اسلام ابراز می‌کنیم. سخنان صریح مسیحیت صهیونیستی: بعد از توضیح مقدمه و دعا، همگی با یک قلب و یک ذهن جمع می‌شویم تا عقاید مستحکم و استوار خود را به شرح زیر اعلام و حکم نماییم: ۱- کتاب مقدس وحی خداوند است و اساس ایمان ما به عنوان مسیحیان پیرو تعلیمات خداوند و رسول او و نشانه انگیزه ما به عنوان صهیونیست به شمار می‌رود. ۲- خدای توانا ملت کهن و مردم اسرائیل، نسل ابراهیم، اسحاق و یعقوب را انتخاب کرد تا برنامه رستگاری؟ بخش خود را برای تمام جهان آشکار سازد. آنها برگزیدگان خداوند باقی می‌مانند و بدون ملت یهود اهداف رستگاری؟ بخش او به کمال نخواهد رسید. ۳- عیسی مسیح (ع) پیمان بسته که به اورشلیم، به اسرائیل و به جهان بازگردد. ۴- این امر که ملت یهود در طول اعصار به نام خداوند کشته و مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند سزاوار سرزنش است. و ما کلیسا را متهم و به توبه و ابراز پشیمانی از هرگونه گناه و فرمان و غفلت که بر علیه آنها انجام داده دعوت می‌کنیم. ۵- پراکنده ساختن مردم یهود در سراسر جهان که به قرون و سالهای آوارگی معروف است بر اساس تقدیر خداوند در طول قرون، تأدیب؟ کننده و رستگاری؟ بخش بوده است تا آگاهی و بصیرت خداوند اسرائیل را به گوش ملت؟ها برساند. ۶- گرد هم آمدن دوباره مردم یهود در سرزمین اسرائیل و تولد دوباره کشور اسرائیل در حقیقت، واقعیت بخشیدن به پیشگویی؟های کتاب مقدس در کتاب عهد عتیق و جدید می‌باشد. ۷- مسیحیان مؤمن توسط کتاب مقدس تعلیم (دستور) داده شده‌اند که ریشه؟های عبری ایمان خود را تصدیق کنند و فعالانه به کمک و شرکت در برنامه خداوند برای تجمع دوباره یهودیان و استوار مجدد اسرائیل در زمان کنونی بپردازند. ۸- خداوند مردم و قضات و سران کشورهایی را که برای تهدید مردم منتخب اسرائیل فعالیت می‌کنند نفرین می‌نماید. ۹- اورشلیم: شهر مقدس یهودیان و معتقدین به کتاب مقدس است. در زمان مقرر شده خداوند، عیسی مسیح (ع) بازخواهد گشت تا بر تخت داود (ع) در اورشلیم بنشیند و با عدالت و صلح بر جهان حکمرانی کند. ۱۰- بر اساس توزیع اقوام توسط



خداوند، سرزمین اسرائیل به عنوان مالکیت ابدی و بر اساس پیمانی جاویدان به یهودیان اعطا شده. یهودیان حق مطلق دارند که مالک و ساکن این سرزمین، با در بر داشتن یهودیه (قسمتی از جنوب فلسطین)، سامریه، غزه و جولان باشند. ۱۱- مسیحیان باید در مقابل اشکال مختلف تبعیض و غرض‌ورزی بر ضد یهودیان و کشور آنها بایستند و فعالانه راحتی و دوستی با آنها را طلب نمایند.

۱۲- انتخاب اسرائیل از سوی خدا وسیله‌ای برای تحقق هدف او یعنی کلام و رستگاری بود. بنابراین انجام این مأموریت بزرگ، حیاتی است. نتایج تجزیه و تحلیل کنگره: بعلاوه، ما بر آن شدید احساس این کنگره را درباره نگرانی‌های ذکر شده در زیر، که در جهان کنونی در برابر ما وجود دارد بیان کنیم. ۱- به خاطر اهداف مقتدرانه خداوند برای این شهر، اورشلیم باید بصورت تقسیم نشده باقی بماند و تحت حاکمیت اسرائیل قرار گیرد و در آن بر روی همه مردم گشوده باشد (و فقط پایتخت اسرائیل باشد). و همه کشورها باید موافقت کرده و سفارت‌خانه‌های خود را در آن قرار دهند. ۲- با ایمان به عشق و بخشش از تلاشهای انجام شده از سوی دولت اسرائیل و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر آنها برای برقراری صلح قدردانی می‌کنیم. ما بر اساس حس تشخیص خود می‌گوییم که اسرائیل و کشورهای دیگر در توجه به جریان سازمان آزادی‌بخش فلسطین و قرار دادن سرزمین و مردمی که برای خداوند ارزشمندانه به دست آنها، در اشتباهند. اشتباه بزرگتر آنها شناختن فلسطین به عنوان کشوری مستقل در منطقه‌ای از سرزمین اسرائیل می‌باشد. ۳- هرگونه پیمان با فلسطین، فعالیت برای حذف اسرائیل و انکار آن به عنوان کشوری با مرزهای معین باید نسخ و برانداخته شود. ۴- جولان بخشی از اسرائیل ذکر شده در کتاب مقدس است و یک دارایی استراتژیک و حیاتی برای امنیت و دفاع از کل کشور به شمار می‌رود. هیچ پیمان دو جانبه یا چند جانبه با سوریه نباید با اشغال ادامه‌دار لبنان و فشار بر اجتماع مسیحیان آن موافقت کند، چه در کلام و چه در مفهوم. ۵- اسرائیل حق قانونی دارد که از خود دفاع کند. ۶- در رابطه با اسلام، نگرانی‌های زیر را درباره رفتار مسلمانان در برابر مسیحیان و یهودیان ابراز می‌داریم. در حالیکه برای میلیون‌ها انسان معتقد که کیش ابراهیم (ع) را از راه اسلام دنبال می‌کنند، احساس شفقت و دلسوزی داریم، امیدواریم که روح حقیقت و صداقت، طبیعت حقیقی ایمان به ابراهیم (ع) را برای آنها آشکار سازد: ما، با توجه به نکات کتاب مقدس متقاعد شده‌ایم که عقیده مسلمانان به «اللّه» تحریفی ضد یهود و ضد مسیح است. ما می‌دانیم که اینگونه عقاید ریشه در بخش‌هایی از قرآن دارد که مسیحیان و یهودیان را متهم به تحریف وحی خداوند در کتاب مقدس می‌کند. عناصر درون اسلام که بیزاری از اسرائیل و یهودیان را ترویج می‌کنند، برای خود و پیروانشان و ملت خود اسارت معنوی و روحی و سرگردانی را به ارمغان می‌آورند. غمخواران مسیحی از تمام مسیحیان درخواست می‌کنند تا فعالانه تلاش نمایند تا آنها را از این عداوت در مقابل اسرائیل و یهود آزاد سازند. ادعای اسلام درباره اورشلیم و بیت المقدس (از جمله حق انحصاری بر معبد سلیمان)، مغایرت اساسی با کتاب مقدس و مفاهیم تاریخی و روشن آن درباره شهر دارد. این ادعایی مذهبی - سیاسی است که بعدها شکل گرفته و برخاسته از قرآن یا روایت مسلمانان صدر اسلام نیست. ما نظریه افراطی را که در حال حاضر در میان مسلمین در حال گسترش است و طبق عقیده خودشان طرفدار خشونت و جهاد (جنگ مقدس) به عنوان حقی مشروع برای گسترش اسلام هستند محکوم می‌کنیم. ما می‌دانیم که این نظریه افراطی و مهلک ریشه در این عقیده دارد که «مسلمانی که جان خود را در راه کشتن یک یهودی از دست بدهد، به بهشت وارد می‌شود». ممارست بر این عقاید، اسرائیل را به خطر می‌اندازد و خطری برای مسلمانان و غیر مسلمانان جهان به شمار می‌رود. این تهدیدات باید مورد مخالفت از سوی همگان قرار گیرد. ۷- در حالی این افراد با ایمان (غیر یهودی) که عقیده وابسته به ابراهیم (ع) پیوند اعتقاد دارند، جایگزینی (با اسرائیل منافع مشترک دارند) اینها کسانی‌اند که دین مسیحیت را برای خود برگزیده‌اند. عقاید خداشناسی مسیحیت، اهداف در حال پیشرفت وابسته به کتاب مقدس را که برای اسرائیل ترسیم می‌شود یک نظریه اشتباه می‌دانند. ۸- با توجه به مهاجرت یهودیان به اسرائیل، هنوز برای سرنوشت یهودیان به خطر افتاده در مناطق مختلف نگرانی و تلاش نموده تا آنها را تشویق و کمک کنیم تا به فرآیند بازگردانی از تبعید به سرزمین اسرائیل tzIsrael|Er ادامه

دهند. برای رسیدن به این هدف با اسرائیل همکاری نموده و یهودیان پراکنده را تشویق به انجام این بازگشت می‌کنیم. تعهدات: ما می‌دانیم که با تهیه و انتشار این بیانیه ملت‌ها را در امور با اهمیتی درگیر نموده و نگرانی‌هایی را برایشان ایجاد کرده‌ایم. به ما نیز مانند مسیحیان امر شده که خدا را با قلب و روح و ذهن و قدرت خود دوست داشته باشیم و همچنین همسایگان خود را. با توجه به عشق خدایی او، تسلیم دستور مصالحه‌طلبانه‌ای هستیم که مشتاق ایجاد صلح انسان با خالق و انسانها با یکدیگر است. بنابراین این بیانیه را با امید به هدف و سرنوشت و با دلی پاک تهیه می‌کنیم و می‌دانیم که رحمت خداوند همیشه شامل ما و همه انسانها در هر کجا می‌شود. او همه کارهایی را که نوید به انجام آنها داده محقق می‌سازد. بنابراین جان و منابع خود را برای به انجام رساندن اهداف مشخص شده در این باره تعهد می‌کنیم. ضمیمه ما بر بخش‌های مشخص شده زیر از کتاب مقدس به عنوان اساس عقیده مستحکم خود تکیه می‌کنیم: ۱ - کتاب دوم تورات ۳: ۸ - مزمور ۱۰۵ و ۱۰۳: ۱۱۱۹ - متی ۴: ۴ - Acts: ۲ و ۴: ۲ پطرس ۱۲ - ۲۰: ۱ - تیموتاوس ۱: ۱۶ - تورات ۲: ۳ - Romans: ۱۱: ۳ - ۱۲: ۱ - اشعیا ۱۴: ۷ - اشعیا ۶: ۹ - اشعیا ۵۳ - مزمور ۲۲ - ۱۵: ۴ - Romans: ۱۵: ۴ - لوقا (پوس) ۴۷: ۲۴ - ۵ - یوشع ۱: ۱۶ - لوقا (پوس) ۲۴: ۲۱. ۱۱: ۶ - Romans: ۲۸ - ۳۰ - ارمیا ۸ و ۷ و ۳: ۲۳ - ارمیا ۲۳ و ۱۰ - ۸: ۳۱ - ۱۳: ۹ - Amos: ۹ - مزمور ۸۰ - اشعیا ۱: ۴۰ - اشعیا ۲۳ - ۲۲: ۴۹ - اشعیا ۱۰: ۱۲ - ۶۰ - Romans: ۲۵ - ۱۷: ۱۱ - تورات ۳: ۱ - ۱۲: ۱ - یوئیل ۳: ۱ - متی ۳۶: ۲۵ - اشعیا ۲ - اشعیا ۱۱ - ارمیا ۱۷: ۳ - زکریا ۱۴ - مکاشفات ۲۷ - ۲۶: ۲ - ۱۰: ۲ - تورات ۸ - ۱: ۱۷ - یوئیل ۳: ۱ - ۱۱: ۳ - اشعیا ۱: ۴۰ - زکریا ۸: ۲ - متی ۱۲ - ۱: ۱۲ - تورات ۱: ۱۲ - ۹: ۴ - Romans. ۵

## فجر مقدس - ۱۱

حوادث آخرین ماههای پیش از ظهور حوادث ماه محرم و آخرین روزهای غیبت مجتبی‌السادۀ ترجمه: محمود مطهری نیا اشاره: در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی‌الثانی سال پیش از ظهور تا ماه ذی‌قعدة همان سال پیش می‌آید بررسی کردیم. در این قسمت به بررسی رویدادهایی می‌پردازیم که در ماه محرم رخ می‌دهند. بالاخره با پیگیری حوادث آخرین ماههای غیبت حضرت مهدی(ع) به آخرین روزها رسیدیم و می‌توانیم چشم‌انتظار آن وعده الهی باشیم که در قرآن به مؤمنان، (۱) مستضعفان زمین (۲)، صالحان (۳) و حتی وجود مبارک پیامبر اکرم(ص) داده شده و رسول اکرم(ص) (۴) در روز غدیر حجة‌الوداع آن را که به صد و بیست هزار مسلمان حاضر در آن محل اعلام کردند (۵) و امام باقر(ع) به عشق آن روز فرمودند: اگر آن عصر را درک کنم از جان خویش برای حضرت مهدی(ع) محافظت می‌کنم (خودم را برای او نگاه می‌دارم). (۶) آری این همان روز است که آسمانیان پیش و بیش از زمینیان به انتظارش بوده و در انتظارش سوخته و ساخته‌اند؛ چرا که این روز سرآغاز فصل نوین و واقعی حیات زمین و زمان و بشریت است و روز رسیدن به همه خوبیها در سایه اسلام است. حوادث این ماه در دو بخش روز فجر مقدس و باقی این ماه قابل بررسی است: الف) فجر مقدس و صبح موعود آن گونه که از احادیث برمی‌آید به دنبال حوادثی که طی ماههای پیش در جهان رخ داده، حدود هفت نفر از عالمان دینی و همراهان آنها (۷) از نقاط مختلف عالم اسلام و بلاد اسلامی رو به سوی حجاز کرده و مخفیانه به دنبال حضرت مهدی(ع) می‌گردند تا با ایشان بیعت کنند. در این اثنا هم حضرت حجت(ع) همانند حضرت موسی(ع) از ترس آنها که تعقیبش می‌کردند رو به سوی مدینه کرد (۸)؛ از مدینه خارج شده و رو به مکه مکرمه نموده و از دست سپاهیان سفیانی بدانجا پناهنده می‌شوند و پس از ایشان هم سیصد و سیزده یار و یاور ایشان از نقاط مختلف جهان بی‌آن که با هم قراری از قبل گذاشته باشند در مکه جمع می‌شوند تا نهضت جهانی خویش را آغاز کنند. صبح شنبه‌ای که مصادف با عاشورا است حضرت پس از طلوع آفتاب، پشت مقام حضرت ابراهیم(ع) دو رکعت نماز به جا می‌آورند، میان رکن و مقام ایستاده و اولین خطبه غزای خویش را به گوش جهانیان می‌رسانند و پس از معرفی خویش مردم را به بیعت دعوت می‌کنند و جبرئیل(ع) که در آن زمان

به شکل پرنده‌ای سفید رنگ بر ناودان کعبه ایستاده، اولین کسی است که با ایشان بیعت می‌کند و به دنبال آن هم سیصد و سیزده یاور شریف حضرت و باقی مؤمنان و صالحانی که به مکه آمده‌اند تا به یاری حضرت پردازند و همگی آماده جهاد و شهادتند. اینها مجموعاً ده‌هزار نفر سپاهیان حضرت را تشکیل می‌دهند و با حضرت پیمان می‌بندند. یونس بن ظبیان نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند: شب جمعه، خداوند متعال ملکی را به آسمان دنیا می‌فرستد. وقتی که فجر طلوع کرد، آن ملک بر عرش خدا که بالای بیت المعمور قرار گرفته می‌نشیند و برای هر کدام از پیامبر و حضرت علی و امام حسن و امام حسین (ع) یک منبر نورانی می‌گذارد و ایشان هم از آنها بالا می‌روند و ملائکه و پیامبران و مؤمنان هم در مقابل ایشان جمع می‌گردند و به دنبال آن درهای آسمان گشوده می‌شود و پس از زوال خورشید (۹) پیامبر (ص) می‌فرماید: بار پروردگارا! این وعده‌ای که در کتاب خویش دادی و گفتم: «خداوند به آن دسته از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنها را همانند پیشینیان ایشان حاکمان زمین و دین مرضی خویش کند.» اشاره به آیه نازل شده در روز غدیر: «الیوم اکملت لکم الاسلام دینا» یعنی اسلام را مسلط و خوف آنها را به آرامش تبدیل کند. پس از ایشان ملائکه و پیامبران هم، چنان می‌گویند. آن چهار نور مقدس به سجده می‌افتند و حضرت (رسول (ص)) باز می‌فرماید: پروردگارا غضب نما که حریمت دریده شد و برگزیدگان شهید و بندگان صالحت خوار گشتند. پس خداوند آنچه را که بخواهد می‌کند که آن روز معلوم است. (۱۰) احادیثی را که اشاره به این حادثه بزرگ دارند می‌توان در چند دسته خلاصه کرد: ۱. روز قیام و نقطه آغاز نهضت جهانی حضرت شنبه‌ای را که مصادف با عاشورا شده است برخی احادیث روز ظهور حضرت بر شمرده‌اند: ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمودند: [حضرت مهدی (ع)] در روز عاشورا که روز شهادت سیدالشهدا (ع) است، قیام می‌کنند. گویا در آن شنبه‌ای که عاشورا در آن واقع شود، همراه او هستم. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده جبرئیل در مقابل ایشان، برای بیعت ندا در دهد و شیعیان حضرت، زمین را با طی الارض زیر پا می‌نهند و از اطراف و اکناف عالم (به سرعت) جمع شده و با ایشان بیعت می‌کنند و خداوند هم به وسیله او جهان را مملو از عدالت می‌کند آن گونه که آکنده از ظلم و جور گشته است. (۱۱) علی بن مهزیار هم از امام پنجم (ع) نقل کرده است که: گویا با حضرت مهدی (ع) در روز شنبه‌ای که عاشورا است و بین رکن و مقام ایستاده هستم. (۱۲) حوادث آخرین ماههای پیش از ظهور حوادث ماه محرم و آخرین روزهای غیبت مجتبی‌السادة ترجمه: محمود مطهری‌نیا اشاره: در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی‌الثانی سال پیش از ظهور تا ماه ذیقعدة همان سال پیش می‌آید بررسی کردیم. در این قسمت به بررسی رویدادهایی می‌پردازیم که در ماه محرم رخ می‌دهند. بالاخره با پیگیری حوادث آخرین ماههای غیبت حضرت مهدی (ع) به آخرین روزها رسیدیم و می‌توانیم چشم‌انتظار آن وعده الهی باشیم که در قرآن به مؤمنان، (۱) مستضعفان زمین (۲)، صالحان (۳) و حتی وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) داده شده و رسول اکرم (ص) (۴) در روز غدیر حجة‌الوداع آن را که به صد و بیست هزار مسلمان حاضر در آن محل اعلام کردند (۵) و امام باقر (ع) به عشق آن روز فرمودند: اگر آن عصر را درک کنم از جان خویش برای حضرت مهدی (ع) محافظت می‌کنم (خودم را برای او نگاه می‌دارم). (۶) آری این همان روز است که آسمانیان پیش و بیش از زمینیان به انتظارش بوده و در انتظارش سوخته و ساخته‌اند؛ چرا که این روز سرآغاز فصل نوین و واقعی حیات زمین و زمان و بشریت است و روز رسیدن به همه خوبیها در سایه اسلام است. حوادث این ماه در دو بخش روز فجر مقدس و باقی این ماه قابل بررسی است: الف) فجر مقدس و صبح موعود آن گونه که از احادیث برمی‌آید به دنبال حوادثی که طی ماههای پیش در جهان رخ داده، حدود هفت نفر از عالمان دینی و همراهان آنها (۷) از نقاط مختلف عالم اسلام و بلاد اسلامی رو به سوی حجاز کرده و مخفیانه به دنبال حضرت مهدی (ع) می‌گردند تا با ایشان بیعت کنند. در این اثنا هم حضرت حجت (ع) همانند حضرت موسی (ع) از ترس آنها که تعقیبش می‌کردند رو به سوی مدینه کرد (۸)؛ از مدینه خارج شده و رو به مکه مکرمه نموده و از دست سپاهیان سفیانی بدانجا پناهنده می‌شوند و پس از ایشان هم سیصد و سیزده یار و یاور ایشان از نقاط مختلف جهان بی‌آن که با هم قراری از قبل گذاشته

باشند در مکه جمع می‌شوند تا نهضت جهانی خویش را آغاز کنند. صبح شنبه‌ای که مصادف با عاشورا است حضرت پس از طلوع آفتاب، پشت مقام حضرت ابراهیم(ع) دو رکعت نماز به جا می‌آورند، میان رکن و مقام ایستاده و اولین خطبه غزای خویش را به گوش جهانیان می‌رسانند و پس از معرفی خویش مردم را به بیعت دعوت می‌کنند و جبرئیل(ع) که در آن زمان به شکل پرنده‌ای سفید رنگ بر ناودان کعبه ایستاده، اولین کسی است که با ایشان بیعت می‌کند و به دنبال آن هم سیصد و سیزده یاور شریف حضرت و باقی مؤمنان و صالحانی که به مکه آمده‌اند تا به یاری حضرت پردازند و همگی آماده جهاد و شهادتند. اینها مجموعاً ده هزار نفر سپاهیان حضرت را تشکیل می‌دهند و با حضرت پیمان می‌بندند. یونس بن ظبیان نقل می‌کند که امام صادق(ع) فرمودند: شب جمعه، خداوند متعال ملک را به آسمان دنیا می‌فرستد. وقتی که فجر طلوع کرد، آن ملک بر عرش خدا که بالای بیت المعمور قرار گرفته می‌نشیند و برای هر کدام از پیامبر و حضرت علی و امام حسن و امام حسین(ع) یک منبر نورانی می‌گذارد و ایشان هم از آنها بالا می‌روند و ملائکه و پیامبران هم در مقابل ایشان جمع می‌گردند و به دنبال آن درهای آسمان گشوده می‌شود و پس از زوال خورشید(۹) پیامبر(ص) می‌فرمایند: بار پروردگارا! این وعده‌ای که در کتاب خویش دادی و گفתי: «خداوند به آن دسته از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنها را همانند پیشینیان ایشان حاکمان زمین و دین مرضی خویش کند.» اشاره به آیه نازل شده در روز غدیر: «الیوم اکملت لکم الاسلام دینا» یعنی اسلام را مسلط و خوف آنها را به آرامش تبدیل کند. پس از ایشان ملائکه و پیامبران هم، چنان می‌گویند. آن چهار نور مقدس به سجده می‌افتند و حضرت (رسول(ص)) باز می‌فرمایند: پروردگارا غضب نما که حریمت دریده شد و برگزیدگان شهادت شهید و بندگان صالحت خوار گشتند. پس خداوند آنچه را که بخواهد می‌کند که آن روز معلوم است.(۱۰) احادیثی را که اشاره به این حادثه بزرگ دارند می‌توان در چند دسته خلاصه کرد: ۱. روز قیام و نقطه آغاز نهضت جهانی حضرت شنبه‌ای را که مصادف با عاشورا شده است برخی احادیث روز ظهور حضرت برشمرده‌اند: ابو بصیر از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمودند: [حضرت مهدی(ع)] در روز عاشورا که روز شهادت سیدالشهدا(ع) است، قیام می‌کنند. گویا در آن شنبه‌ای که عاشورا در آن واقع شود، همراه او هستم. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده جبرئیل در مقابل ایشان، برای بیعت ندا در دهد و شیعیان حضرت، زمین را با طی الارض زیر پا می‌نهند و از اطراف و اکناف عالم (به سرعت) جمع شده و با ایشان بیعت می‌کنند و خداوند هم به وسیله او جهان را مملو از عدالت می‌کند آن گونه که آکنده از ظلم و جور گشته است.(۱۱) علی بن مهزیار هم از امام پنجم(ع) نقل کرده است که: گویا با حضرت مهدی(ع) در روز شنبه‌ای که عاشورا است و بین رکن و مقام ایستاده هستم.(۱۲). جمع شدن یاران حضرت در مدتی کوتاه امام صادق(ع) در این رابطه به مفضل بن عمر، فرمودند: ایشان به تنهایی ظهور می‌کنند و به تنهایی به سوی کعبه رفته و وارد آن می‌شوند و به تنهایی شب را سپری می‌کنند. پاسی از شب که گذشت و چشمها را خواب در ربود جبرئیل، میکائیل و دیگر ملائکه در حالی که به صف ایستاده‌اند، بر ایشان نازل شده و جبرئیل به حضرت عرضه می‌دارد: سرور من گفته‌ات مقبول و امرت نافذ است. حضرت هم دستشان را به چهره او کشیده و [این آیه را تلاوت] می‌فرمایند: حمد و سپاس از آن خداوندی است که وعده‌اش را در مورد ما محقق و ما را وارث زمین کرد که در هر کجای بهشت که خواستیم مسکن گزینیم؛ آه که چه اجر عمل کنندگان، خوب [و زیبا] است.(۱۳) سپس میان رکن و مقام ایستاده و فریاد کشیده و با صدای بلند می‌فرمایند: ای جمعیت یاران و نزدیکان من و ای کسانی که خداوند آنها را برای یاری من از پیش از ظهورم بر پهنه گیتی ذخیره کرده بود! مطیعانه به سوی من آید. فریاد حضرت به گوش آنها می‌رسد، در حالی که برخی از آنها در محراب و برخی هم در رختخواب و در شرق و غرب عالم پراکنده‌اند. همین یک فریاد را همگی می‌شنوند و آن را اجابت می‌کنند. به یک پلک بر هم زدن همه‌شان در مقابل آن حضرت بین رکن و مقام قرار می‌گیرند. خداوند هم در پی آن به نور امر می‌کند و آن هم ستونی از آسمان تا زمین کشیده می‌گردد و هر مؤمنی بر سطح زمین است آن نور را طلبیده و نور هم به درون خانه‌اش می‌تابد و نفوس مؤمنان از آن نور شادمان می‌گردند، هر چند

نمی‌دانند که حضرت مهدی (ع) ظهور کرده‌اند و این نور چیست. سپس آن سیصدوسیزده تن که به تعداد صحابه پیامبر اکرم (ص) در جنگ بدر می‌باشند در حالی که در مقابل حضرت ایستاده‌اند، صبح خویش را آغاز می‌کنند. (۱۴) باز در حدیث دیگری از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: هنگامی که به حضرت مهدی (ع) اذن [ظهور] داده شود، خداوند متعال را به اسم اعظمش (نام عبرانی خداوند متعال) خوانده و سیصدوسیزده یار ایشان همانند جمع شدن ابرهای پاییزی به گرد ایشان می‌آیند که آن پیشقراولان یاران حضرتند که برخی از آنها شبانه از بستر خود جدا می‌شوند تا صبح در مکه باشند و برخی از آنها در طول روز آشکارا بر ابرها سوار می‌شوند که حضرت نام آنها و پدران و نسب‌هایشان را می‌دانند (۱۵) و (۱۶). مفضل بن عمر که راوی این حدیث هم است، می‌پرسد: کدام یک از این دو ایمان بالاتری دارند؟ حضرت پاسخ می‌دهند: آنکه روز بر ابرها سیر می‌کند و آنها ناپدید می‌شوند و این آیه در شأن ایشان نازل شده است: «هر جا که باشید خدا همه‌تان را می‌آورد و جمع‌تان می‌کند.» ابو بصیر هم از ایشان چنین روایت می‌کند که: آنها سیصدوسیزده مرد به تعداد اهل بدر هستند که خداوند متعال همه آنها را در یک شب جمعه در مکه جمع می‌کند و صبح همگی به نزد ایشان در مسجد الحرام می‌آیند و احدی از آنها [از آمدن] تخلف نمی‌کند. در کوچه‌های مکه به راه می‌افتند تا منزلی برای سکونت خویش بیابند. اهالی مکه از ورود این افراد ناشناس تعجب می‌کنند؛ چرا که از ورود هیچ قافله‌ای جهت حج و عمره و یا تجارت خبری نبوده، لذا بعضی از آنها به هم می‌گویند: جمعیتی را امروز دیدیم که تا به حال آن را ندیده بودیم که [آن گونه از ظاهرشان پیداست] از یک شهر و بیابان [از یک نژاد و تیره و قبیله] نیستند نه شتری دارند و نه هیچ وسیله دیگری. آنها که مشغول این صحبتها هستند و به درهای [خانه‌های] خود نزدیک می‌شوند مردی از قبیله بنی مخزوم، وارد می‌شود از مردم عبور می‌کند و به نزد رئیس آنها می‌رود و می‌گوید: دیشب خواب عجیبی دیدم که از آن می‌ترسم و قلبم پریشان گشته است. رئیس به او می‌گوید: خوابت را تعریف کن. می‌گوید: ابری از آتش را دیدم که از اعماق آسمان نمایان شد و مدام پایین می‌آمد تا این که به کعبه رسید و دور آن چرخ می‌زد. در آن ابر ملخهایی با بالهای سبز رنگ بود و آن قدر که خدا خواست، به دور کعبه طواف می‌کردند. سپس به شرق و غرب پریدند و به هیچ شهری نمی‌رسیدند، مگر آن که آن را می‌سوزاندند و از هیچ آبادی گذر نمی‌کردند، جز آن که آن را منهدم می‌نمودند. از خواب پریده و بر خود لرزیدم. الان هم پریشان و ترسانم. مردم (به او) می‌گویند: ما آنها را دیده‌ایم و بیا به نزد فلان مرد ثقفی برویم، تا خوابت را تعبیر کند. (۱۷) و (۱۸) پس از آن که خواب را برای مرد ثقفی تعریف کرد، او هم می‌گوید: [خواب] عجیبی دیده‌ای! دیشب لشکری از لشکریان خداوند، وارد شهرتان شده است که شما را یارای مقاومت در برابر آنها نیست. می‌گویند: عجیب است؛ آنها را امروز دیده‌ایم و سپس آنچه را دیده‌اند به او گزارش می‌کند و از نزد او می‌روند. تصمیم می‌گیرند که بر آنها یورش برند حال آن که خداوند دل‌هایشان را پر از ترس و هراس از ایشان گردانیده است. برخی به بقیه دستور می‌دهند: در مورد آنها عجله نکنید. آنها که تا کنون مرتکب هیچ منکری نشده‌اند و خلافتی از آنها دیده نشده. شاید برخی از آنها، هم قبیله‌ای شما باشند؛ اگر چیزی از آنها دیدید بعد شما می‌دانید و آنها. این جمعیتی که ما می‌بینیم اهل عبادتند و چهره‌های خوب [و نورانی] دارند، مضاف بر این که آنها در حرم امن الهی هستند که تا وقتی کسی مرتکب خلافتی نشده باشد، در امان است. آنها هم که عملی انجام نداده‌اند که بهانه جنگ با آنها فراهم کرده باشد. سرپرست مردم که مردی از قبیله مخزوم است می‌گوید: ما که مطمئن نیستیم این جمعیت پشتوانه‌ای [اعم از نیرو و امکانات] نداشته باشند. اگر [چنین ذخیره و عقبه‌ای داشته باشند و این مجموعه] به آنها ملحق شوند، حقیقت وجودی و عظمت نیرویشان مشخص می‌شود [و خواب دوستان تعبیر گشته و نمی‌توانیم بر آنها فایق آییم]. حال که از حیث نیرو و امکانات در سطح پایینی هستند و پیش از آن که نیروهای کمکی به آنها ملحق شوند، حمله کنید. آنها به نزد شما در مکه آمده‌اند و به سرور می‌رسند و مطمئنم که خواب این رفیق شما درست است. [فعلاً هم] شهرتان را گوارای وجودشان قرار دهید [بگذارید در شهر باشند و هر چه می‌خواهند بکنند] و بنشینید و نظرات و شرایط موجود را بررسی کنید. شخصی از میان آنها می‌گوید: اگر نیروهای کمکی آنها هم مثل خودشان باشند که ترس

ندارند آنها که نه اسب و مرکبی دارند و نه سنگری که بدان پناه برند به علاوه که آنها در اینجا غریبند اگر سپاه آنها بیایند، اول به آنها حمله می‌کنید و [شکست دادن آنها] به راحتی نوشیدن آبی گواراست. تا پاسی از شب گذشته مشغول این صحبتها هستند و خداوند خواب را بر گوشها و چشمهایشان مسلط می‌کند [لذا برای خوابیدن پراکنده می‌شوند] و دیگر پس از آن تا فردا اجتماعی نخواهند داشت تا این که حضرت مهدی (ع) قیام کنند. [حضرت و یارانشان هم] چنان یکدیگر را ملاقات می‌کنند که گویی از یک پدر و مادرند و صبح از هم جدا شده بودند و شب به هم رسیده‌اند. قابل ذکر است که دوازده تن از اصحاب در میان باقی یاران جایگاه ویژه و ممتازی دارند که آنها پیش از بقیه به حضرت می‌پیوندند ولیکن در انتها همگی پروانه‌وار به گرداگرد آن شمع پر نور الهی جمع گشته و می‌گردند تا به زودی جهان را از برکات وجودی خویش بهره‌مند سازند. اولین خطبه حضرت مهدی (ع) پس از ظهور صبح شنبه عاشورای موعود - که بناست حضرت ظهور کنند - وارد مسجدالحرام می‌شوند و دو رکعت نماز رو به کعبه و پشت به مقام به جا می‌آورند و پس از دعا به درگاه الهی به نزدیک کعبه رفته و با تکیه بر حجرالاسود رو به جهانیان کرده و اولین خطبه تاریخی خویش را چنین انشاء می‌کنند: پس از حمد خداوند و سلام و صلوات بر آستان با عظمت پیامبر اکرم و خاندان بزرگوارشان سلام الله علیهم اجمعین، ایشان چنین می‌فرمایند: ای مردم! ما برای خداوند [از شما] یاری می‌طلبیم و کیست که ما را یاری کند؟ آری ما خاندان پیامبران محمد مصطفی (ص) هستیم و سزاوارترین [و نزدیک‌ترین] مردم نسبت به خدا و ایشان. هر کس با من در رابطه با آدم محاجه کند من سزاوارترین [و نزدیک‌ترین] مردم نسبت به اویم و همین‌طور راجع به نوح و ابراهیم و محمد (ص) و دیگر پیامبران و کتاب خداوند که به هر کدام از دیگر مردم اولی هستم. مگر خداوند متعال در کتابش فرموده است: به درستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید خاندانی که برخی از آنها از بعضی دیگرند و خداوند شنوا و داناست. (۱۹) من بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و عصاره وجود محمد (ص) هستم. ... هر کس درباره سنت رسول الله (ص) با من محاجه کند، من سزاوارترین مردم نسبت به آن هستم. هر که امروز کلام مرا می‌شنود، به خداوند متعال قسم می‌دهم که به غایبان [این سخنان را] برساند، به حق خداوند متعال و رسول گرامی‌اش و حق خودم، از شما می‌خواهم [به ما رو کنید] که من حق قرابت و خویشاوندی رسول الله (ص) را بر گردن شما دارم که شما ما را یاری کنید و در مقابل آنها که به ما ظلم می‌کنند، حمایت کنید که اهل باطل به ما دروغ بستند. ... از خدا بترسید و خدا را درباره ما در نظر داشته باشید ما را خوار نکنید و یاریمان کنید تا خداوند متعال شما را یاری کند. (۲۰) سپس حضرت دستهایشان را به آسمان بلند کرده و با دعا و تضرع این آیه را به درگاه الهی عرضه می‌دارند: اَمَّنْ يَفْجِيْفُ الْمَفْضَطَّرَ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السَّيْفَ . کیست آن که وقتی شخص مضطر دعایش کند، او را پاسخ داده و بدی را از او برطرف کند؟ (۲۱) ۴. انصار (یاوران) و بیعت ایشان با حضرت پس از آن که حضرت گفتار خویش را به پایان می‌برند، پلیسها و شرطه‌های حرم تلاش می‌کنند که ایشان را همانند نفس زکیه به شهادت برسانند و یا حداقل اسیر کنند که اصحاب حضرت قدم پیش نهاده و شر آنها را از امام (ع) دفع می‌کنند. جبرئیل هم پشت کعبه به عنوان اولین نفر با امام (ع) بیعت می‌کند و پس از او سیصدوسیزده تن یار حضرت و دیگر یاوران با ایشان عهد و پیمان می‌بندند. امام صادق (ع) به مفضل به عمر فرمودند: ای مفضل! حضرت مهدی (ع) پشتش را به حرم می‌کنند و دستش را که سفیدی خیره کننده‌ای دارد، جهت بیعت دراز می‌کند و می‌فرماید: این دست خدا و از سوی خدا و به فرمان خداست و سپس این آیه را تلاوت می‌کنند: «آنها که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اند دست قدرت الهی مافوق قدرت آنهاست و هر که بیعتش را بشکند به ضرر خودش است.» (۲۲) اولین کسی که دستش را می‌بوسد، جبرئیل است و به دنبال او ملائکه و نجای اجنه و سپس، برگزیدگان صبح در مکه و مردم می‌گویند این مردی که اطراف کعبه است، کیست؟ و این جمعیتی که با او هستند کیانند و آن نشانه بی‌سابقه‌ای که دیشب دیدیم چه بود؟ که این جریان حول و حوش طلوع آفتاب اتفاق می‌افتد. (۲۳) امام باقر (ع) هم می‌فرمایند: گویا با حضرت مهدی (ع) هستم؛ در روز عاشورایی که شبه است. در حالی که بین رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل

ندا می‌دهد: بیعت برای خداست (البیعه لله) پس خداوند [زمین] را همان گونه که پر از ظلم و جور شده است، مملو از عدالت می‌کند. (۲۴) محمد بن مسلم هم از آن حضرت نقل کرده که فرمودند: گویا جبرئیل به صورت پرنده‌ای سفید درآمده و اولین مخلوق خداوند است که با آن حضرت بیعت می‌کند و پس از آن سیصد و سیزده نفر بیعت خواهند کرد. هر که در این مسیر امتحان خود را پس داده باشد، در آن ساعت می‌آید که برخی در رختخواب‌شان ناپدید می‌شود که حضرت علی (ع) فرمودند: «ناپدید شدگان در رختخواب‌هایشان» و این گفته الهی است که: در خیرات با هم مسابقه دهید که هر کجا باشید، خداوند همه شما را می‌آورد. (۲۵) منظور از خیرات در این آیه ولایت ما اهل بیت است. (۲۶) مفضل بن عمر هم از ایشان چنین روایت کرده است: خداوند متعال جبرئیل (ع) را می‌فرستد تا این که به نزد او بیاید بر حجر اسماعیل در نزدیک کعبه فرود آمده و به او می‌گوید: به چه دعوت می‌کنی؟ حضرت مهدی (ع) او را باخبر کرده و جبرئیل هم می‌گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم دست را دراز کن. پس دستش را بر دست حضرت [به نشان بیعت] می‌کشد. سیصد و اندی مرد هم به نزد او می‌آیند و با او بیعت می‌کنند. او هم آنقدر در مکه می‌ماند که ده‌هزار نفر اصحابش جمع شوند و پس از آن به سوی مدینه حرکت می‌کند. (۲۷) و امام باقر (ع) بنا بر نقل جابر جعفی می‌فرماید: بین رکن و مقام سیصد و اندی به تعداد اهل بدر با حضرتش بیعت می‌کنند و در میان آنها نجیبان مصری و ابدال شامی و اخیار عراقی دیده می‌شوند. (۲۸) مفاد این پیمان نامه و بیعت را حضرت علی (ع) چنین بیان کرده‌اند: از یارانش پیمان می‌گیرد که: دزدی و زنا و فحاشی به هیچ مسلمانی نکنند، خون کسی را به ناحق نریزند و به حریم دیگران جفا و تجاوز نکنند و به خانه‌ای حمله نبرند و تنها به حق و به جا، افراد را بزنند، هیچ طلا و نقره و گندم یا جویی را [برای خویش] انبار نکنند، مال یتیم را نخورند و به آنچه نمی‌دانند شهادت ندهند و هیچ مسجدی را خراب نکنند آنچه را که مست کننده است، ننوشند؛ خز و ابریشم نپوشند و در مقابل طلا سر فرود نیاورند، راه را نبندند و ناامن نکنند، همجنس‌بازی نکنند، گندم و جو را انبار نکنند و به کم راضی و طرفدار پاکی و گریزان از نجاسات باشند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و لباس‌های خشن بپوشند و خاک را متکای خویش سازند و آن گونه که شایسته خداوند است در راهش جهاد کنند. آن حضرت خود هم متعهد می‌شود که همانند آنها قدم برداشته و لباس بپوشد و سوار مرکب شود و آن گونه باشد که آنها می‌خواهند و به کم راضی باشد و به کمک خداوند متعال جهان را همان طور که از جور پر شده است، از عدالت آکنده سازد، خداوند را آن گونه که شایسته است عبادت کند و هیچ حاجب و دربانی اختیار نکند (۲۹). ندا و فریاد به نام حضرت مهدی (ع) پس از اتمام مراسم بیعت جبرئیل (ع) برخاسته و به نام حضرت در دنیا بانگ می‌زند. ابان بن تغلب از امام صادق (ع)، روایت کرده است: اولین کسی که با حضرت مهدی (ع) بیعت می‌کند جبرئیل است. به صورت پرنده‌ای سفید رنگ فرود آمده و با ایشان بیعت می‌کند. سپس یک پایش را روی کعبه، پای دیگرش را روی بیت المقدس می‌نهد و با صدایی گویا و فصیح ندا در می‌دهد: فرمان خداوند رسید. درباره آن شتاب نکنید. (۳۰) ذیل دو آیه: وَ اسْتَمْعِ يَوْمَ يَفْنَادُ الْمَفْنَادِ مَفْنِ مَكَانِ قَرِيْفٍ × يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلْفَكَ يَوْمَ الْخَفْرِ وَ جَف. (۳۱) (با دقت بشنو آن روزی که منادی از جایی نزدیک ندا در می‌دهد آن روز که آن صدای به حق را بشنوید، همان روز خارج شدن است). امام صادق (ع) فرمودند: منادی به نام حضرت مهدی و پدرشان (ع) ندا در دهد و منظور از صیحه در این آیه، فریادی آسمانی است و آن، روز (زمان) خروج (و قیام) حضرت مهدی (ع) است. (۳۲) در ادامه حدیث یاد شده که سهل (شهر) بن حوشب از رسول الله (ص) نقل کرده، آمده است: در ماه رمضان، صدایی خواهد بود و در شوال، جنگ و در ذی‌الحجه، قبیله‌ها با هم می‌جنگند و در ذی‌الحجه، حاجیان تاراج می‌شوند و در محرم منادی از آسمان ندا در دهد: آگاه باشید که فلانی برگزیده خداوند در میان آفریدگانش است. سخنانش را بشنوید و اطاعت کنید. (۳۳) مفضل بن عمر هم از امام صادق (ع) در این رابطه، روایت کرده است: در آن روز (عاشورا) وقتی خورشید طلوع کرد و نورافشانی نمود، کسی از قرص خورشید به زبان عربی فصیحی، خطاب به مردم و بر ایشان فریادی می‌کشد که تمام آنها که در آسمانها و زمینها هستند، می‌شنوند: «تمام مخلوقات! این مهدی آل محمد (ع) است» و

او را به نام و کنیه جده رسول الله (ص) و نسبش می‌خواند و گوش هر زنده‌ای این صدا را می‌شنود. تمام مخلوقات در بیابان و شهرها و دریاها و خشکیها بدان روی می‌کنند و با هم در این رابطه گفتگو می‌کنند و از هم درباره آنچه شنیده‌اند می‌پرسند. (۳۴) امام رضا(ع) هم در این رابطه فرمودند: ... او همان کسی است که منادی از آسمان برای دعوت به او چنان ندایی در دهد که همه ساکنان زمین آن را بشنوند که آگاه باشید، حجت خداوند متعال پهلوی کعبه ظهور کرده است با او بیعت کنید که حق با او و در او (و در این تبیعت) است. (۳۵) لازم است این مطلب را متذکر شویم که از مجموعه احادیثی که تا کنون برشمردیم، چنین برمی‌آید که سه ندای آسمانی در مورد حضرت شنیده می‌شود. ندای اول: در ماه رجب که خود، سه نداست. ندای دوم: در ماه رمضان (شب بیست و سوم - صیحه آسمانی). ندای سوم: در ماه محرم (روز عاشورا که روز قیام است). پس از این ندا و بیعتی که انجام می‌شود، حضرت مهدی(ع) کاملاً بر مکه مسلط شده و در آنجا منتظر می‌مانند تا سپاهیان ده هزار نفری ایشان، همگی در اطراف شان جمع شوند. در این مدت حضرت از فرصتهایی که به دست آورند و ارتباطاتی که با اقوام و ملل مختلف در مکه برقرار می‌کنند، برای زمینه‌سازی نهضت جهانی خویش بهره می‌برند، مضاف بر این که ایشان اصول و قوانین مربوطه به سپاه خویش را بر ایشان تبیین می‌کنند و در مکه هم دست به برخی اقدامات می‌زنند که به طور خلاصه از این قرارند: ۱ - باز گرداندن محدوده مسجدالحرام به همان حدودی که حضرت ابراهیم(ع) برای آن تعیین کرده بود. ۲ - باز گرداندن مقام حضرت ابراهیم(ع) به جای اصلی و اولیه خویش همان طور که در زپی نوشتها ۱. رک: سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵. ۲. رک: سوره قصص (۲۸)، آیات ۶ - ۳۵. رک: سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵. ۴. رک: سوره توبه (۹)، آیه ۳۳. ۵. حضرت رسول(ص) ضمن خطبه آن روز عظیم فرمودند: «مردم! نور خداوند در وجود من و سپس در علی و پس از او هم در نسل او و نهایتاً در قائم مهدی(ع) - که حق خداوند و همه حقوق ما را بازپس می‌گیرد - نهاده شده است. (الامام المهدی(ع) من المهد الی الظهور، ص ۵۷). ۶. الغیبه نعمانی، ص ۱۸۲؛ یوم الخلاص، ص ۲۶۷. ۷. الممهدون للمهدی(ع)، ص ۶۰. ۸. خائفاً یترقب، رک: سوره قصص (۲۸)، آیه ۱۸. ۹. هنگام ظهر ۱۰. الغیبه نعمانی، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷. ۱۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۷۹، الغیبه نعمانی، ص ۱۸۹، اعلام الوری، ص ۴۳۰، منتخب الاثر، ص ۴۴۸، یوم الخلاص، ص ۳۱۷. ۱۲. الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۴؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۲۲. ۱۳. سوره زمر (۳۹)، آیه ۷۴. ۱۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۶؛ بشاره الاسلام، ص ۲۶۸؛ یوم الخلاص، ص ۳۱۸. ۱۵. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸. ۱۶. الغیبه نعمانی، ص ۲۱۳، بشاره الاسلام، ص ۲۰۳، یوم الخلاص، ص ۲۵۶. ۱۷. شدت محبت، صمیمیت و آشنایی یاران و حضرت را با هم، از این بخش از حدیث می‌توان فهمید. ۱۸. بشاره الاسلام، ص ۲۱۰؛ یوم الخلاص، ص ۲۷۱؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۸۸. ۱۹. سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۳. ۲۰. الغیبه نعمانی: ۱۲۱؛ بحار الانوار: ح ۵۲، ص ۲۲۳؛ بشاره الاسلام: ۱۰۲؛ منتخب الاثر: ۴۲۲؛ قزوینی، سید محمد کاظم، المهدی(ع) من المهد الی الظهور: ۴۱۲؛ تاریخ مابعدالظهور: ۲۲۸؛ یوم الخلاص: ۳۰۳. ۲۱. سوره نمل (۲۷)، آیه ۶۲. ۲۲. سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰. ۲۳. بشاره الاسلام، ص ۲۶۸؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ یوم الخلاص، ص ۳۲۰. ۲۴. الغیبه نعمانی، ص ۲۱۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۲۲؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۶۵. ۲۵. سوره بقره (۲)، آیه ۱۴۸. ۲۶. الغیبه نعمانی، ص ۲۱۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۲۲؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۶۵. ۲۷. بشاره الاسلام، ص ۲۲۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸. ۲۸. الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۴؛ منتخب الاثر، ص ۲۶۸؛ بشاره الاسلام، ص ۲۰۴؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۷۵. ۲۹. منتخب الاثر، ص ۴۶۹؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۵؛ یوم الخلاص، ص ۲۹۲؛ تاریخ مابعدالظهور، ص ۲۴۴. ۳۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳؛ بشاره الاسلام، ص ۲۵۹؛ یوم الخلاص، ص ۳۱۹؛ المهدی(ع) من المهد الی الظهور، ص ۳۴۰؛ السفیانی، ص ۱۴۵. ۳۱. سوره ق (۵۰)، آیه‌های ۴۱-۴۲. ۳۲. منتخب الاثر، ص ۴۴۷؛ یوم الخلاص، ص ۵۳۵. ۳۳. منتخب الاثر، ص ۴۵۱. ۳۴. بشاره الاسلام، ص ۲۶۹؛ یوم الخلاص، ص ۵۴۳؛ المهدی(ع) من المهد الی الظهور، ص ۳۴۱. ۳۵. اعلام الوری، ص ۴۰۸، یوم الخلاص، ص ۵۴۵، بشاره الاسلام، ص ۱۶۱



آقای مدیر کل! جناب رئیس! مسئول محترم! معاون گرامی! مشاور عزیز! اگر امام بیاید، چند نفر شما بر سر پست و مقامتان باقی می‌مانید؟ امام، می‌شکند پایی را که روی حق گذاشته شود. مواظب باش! زیر ذره؟ بین نگاه امام همه خطاها بزرگند، چه کسی را گوی می‌زنی؟ غافلند آنان که نگران «غیبت» امامند، اما نگران «حضور»ش نیستند. وقتی امام نیت تو را بداند، از خجالت آب نمی‌شوی؟ چقدر غیبت؟ چقدر دروغ؟ چقدر فریب؟ بیخود نیست که توفیق دعای فرج از این زبانها گرفته شده است. دوپست بار هم که «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بگویی، وقتی دلت گرفتار دیگری باشد، نماز امام زمان را نخوانده؟ ای. توقع بیجایی است، با چشم آلوده، روی پاک را دیدن! امام از توجیه بیزار است. نیت و عملت را موجه کن! با هر گناه تو دل امام شکسته؟ تر می‌شود. حواست کجاست؟ «أن الارض یرثها عبادی الصالحون» کجای کاری؟

### نکته ها

شناسنامه، گواهینامه، سند خانه و مغازه، کارت ماشین و کمی خرت و پرت دیگر را یکجا گم کرد. یک آگهی در روزنامه، ستون گمشده؟ ها، با مژدگانگی زیاد می‌توانست به او کمک کند. جز خرت و پرتها همه اسناد و مدارک را یافت و همینجا جای هویت او را گرفت. بساطش را روی زمین پهن کرد. بالای آن ایستاد. دستهایش را به هم زد و فریاد کشید: حراج! حراج! لحظاتی بعد دهها نفر دور او جمع شدند و همه دارایی او را خریدند. ساعتی بعد سایه؟ آتش - نیز - در ازدحام آدمها گم شد. همه چیزش شبیه آدمها شده بود. نفس می‌کشید، راه می‌رفت، می‌خورد، می‌خواهید، حتی دروغ هم می‌گفت... و این همه را مدیون روزنامه؟ ها بود.

### یکی از همین روزها

رضا اسماعیلی یکی از همین روزها، ناگهان تو می‌آیی از نور، از آسمان تو می‌آیی و شب زمین می‌خورد و قد می‌کشد نور در آسمان قفس با ظهور تو خط می‌خورد زمین می‌شود سهم آزادگان به سر می‌رسد فصل سرد سکوت ترک می‌خورد بغض فریادمان تو می‌آیی از فصل عدل علی (ع) به تقسیم لبخند، تقسیم تان تو از سمت توفان شبی می‌رسی به دست تو تیغی عدالت نشان تو می‌آیی و با سرانگشت تو ورق می‌خورد سرنوشت جهان تو در باغ آینه گل می‌کنی بهار عدالت، امام زمان

### مسیحا

سارا رمضان؟ زاده دیربست که ما منتظر روی تو هستیم ما بند نجابت به تن اسم تو بستیم دیربست که دلداده ما خانه نشین است جای قدمش بوسه به صد چاک زمین است پلک دلم امشب به نبودت پر درد است این فصل کبود از غم هجران؟ تو سرد است ای ساقی دلهای جهان مست نگاهت این ماه فرومانده زچشمان سیاهت دیربست که ما منتظر و خانه بدوشیم وقتی که قمر نیست همه تار و خموشیم ای صاحب این ثانیه؟ ها پس تو کجایی فهمیده؟ ام این جمعه گذشت و نمی‌آیی دیربست که در جمعه همه مست غرویم از ناله پریم و غزل سنگ و رسویم ای نام تو شیرین به لبان و دل سارا کی وصف جمال تو بگفته است مسیحا

### یاعلی (ع)

سیدابوالفضل ناصرچیان اراکی کبریا گوید ثنایت یاعلی هل اتلی کرده عطایت یاعلی گفتی آیم وقت مردن بر سرت جان فدای گفته؟ هایت یاعلی هرکسی عشق تو را دارد به دل هست راضی با رضایت یاعلی هر که چون آئینه شد صافی ضمیر با صفا شد از

صفایت یاعلی سر نمی‌پسچند از فرمان تو دوستان باوفایت یاعلی در دل شبها مرا آید به گوش آن مناجات و دعایت یاعلی باشد امیدم که اندر رستخیز از کرم بینم لقای یاعلی روز محشر دوستانت آورند روی در زیر لوایت یاعلی آرزو دارم که آیم سر نهم بر سر دولتسرایت یاعلی از خدا ناصرچیان دارد امید تا گذارد سر به پایت یا علی

## قرنهای انتظار

قسمت چهارم انجمن شعرای کلاسیک سهیلا صلاحی اصفهانی اشاره: در شماره؟های قبل گزارشی تخیلی از انجمن شعرای کلاسیک (مشاعره؟ای با موضوع انتظار) از نظر تان گذشت. آخرین بیت خوانده شده توسط مولانا با حرف «د» به پایان رسیده بود. توجه شما را به آخرین قسمت آن جلب می‌کنیم. غزل زیبای مولوی که به پایان رسید، نظامی در حالی که به نقطه؟ای دور دست خیره شده بود گفت: دل و جانی و هوش و بینایی از تو کی باشدم شکیبایی حافظ با هنرمندی خاص خودش در سرودن شعر، ادامه داد: یوسف کنعان من! مصر ملاححت تفراست مصر ملاححت تراست یوسف کنعان من! نظامی که هنوز در حال وهوای فراق بود و ناشکیبایی، چنین خواند: نگفتی گر بیفتی گیرمت دست؟ از این افتاده؟ تر کاکون؟ ام ای دوست؟ مولوی به همدردی با نظامی برخاست و با سبک سماع صوفیانه گفت: تاچند وعده باشد، این سر به سجده باشد هجرم به پرده باشد رنگ و اثر به رقص آخاقانی که کاملاً تحت تأثیر جو انجمن قرار گرفته بود با تانی و درنگ در حالی که انگشت سبابه؟اش را تکان می‌داد با حرف الف، بیتی آغاز کرد: از هر دهنی یکان یکان پرسیمت از هر وطنی جدا جدا جوئیمت شبستری که بیشتر از فراق به وصل و بیشتر از بفعد و جدایی به قرب می‌اندیشد، موضوع ایبات را در مسیر دیگر قرار داد: ترا قربی شود آن لحظه حاصل شوی تو بی تویی با دوست واصل نظامی که از زیرکی شبستری خوشش آمده بود و معتقد بود به وصف؟العیش، نصف؟العیش، چنین خواند: لب و دندانی از نور آفریده لبش دندان و دندان لب ندیده عطار که چند دوری سکوت اختیار کرده بود وقتی توصیف لب و دندان یار را از زبان نظامی شنید، دیگر نتوانست چیزی نگوید و با حرف «ه» بیت زیبای را خواند: هر دو عالم هیچ می‌دانی که چیست؟ هر دو عکس طاق دو ابروی اوست کلمه طاق و ابرو برای ناصر خسرو تداعی حالت خمیدگی و چنبر زدن را کرد و چنین خواند: ترا ره نمایم که چنبر کراکن به سجده مرین قامت عرعری را امام زمانه که هرگز نراندست برف شیعتش سامری ساحری را آنقدر دویبتش به نظر جمع پیوسته آمد که کسی برای خواندن دو بیت، به او تذکری نداد. سپس مولوی چنین خواند: ای یوسف حسن! از فراق در گریه و ناله؟ ام چو یعقوب خواجوی کرمانی فی الفور جواب مولانا را داد که نه تنها تو، همه هستی منتظر اویند: به انتظار وصول طلیعتش خورشید زند درفش درخشنده، صبحدم بر بام و مولوی که گویی صحنه پایان انتظار را می‌بیند و شاهد و ناظر از بین رفتن همه شومی؟ها و بی؟عدالتی؟ها و ظلم و ستم است اینگونه سرود: ملکی که پریشان شد از شومی شیطان شد باز آنف سلیمان شد تا باد چنین بادا دقیقی که گویا توجهی به بیت مولانا نداشت با حرف «الف» خواند: از آن لاغر میانست، این؟که عشقم چنین فربه شدست و صبر لاغر حافظ دوباره فضایی را که مولانا تصویر کرده بود در خیالش رقم زد و گفت: روی نگار در نظرم جلوه می‌نمود وزدور، بوسه بر رخ مهتاب می‌زددم در همین وقت صدای رسای مؤذن به گوش رسید و با شنیدن صدای او، پایان جلسه مشاعره اعلام شد از حاضران تقدیر و تشکر گردید و به عنوان حسن ختام از جناب حافظ خواسته شد چندبیتی از غزل معروف خود را قرائت نماید. حافظ با تواضع پذیرفت: جمالت آفتاب هر نظر باد زخوبی روی خوبت خوب؟ تر باد همای زلف شاهین شهپرت را دل شاهان عالم زیرپر باد کسی کو بسته زلفت نباشد چوزلفت در هم و زیر و زبر باد دلی کو عاشق رویت نباشد همیشه غرق در خون جگر باد بتا چون غمزه ات ناوک فشاند دل مجروح من پیشش سپر باد چو لعل شکریت بوسه بخشد مذاق جان من زو پر شکر باد مرا از تست هر دم تازه عشقی ترا هر ساعتی حفسن دگر باد بجان مشتاق روی دوست حافظ ترا در حال مشتاقان نظر باد

## تا نواحی مقدس صلوات

مریم سقلاطونی با لحن کدام آفتاب؛ با صدای کدام پروانه؛ با آواز کدام سنگ؛ با ترانه کدام باران؛ ویرانی همواره؟ مان را فریاد بزنیم؟ ای دور از دسترس نزدیک! ای سخاوت هر روزه زمین! که نماز مهربانی؟ ات را ستاره؟ ها، هزار مرتبه اقتدا کردند. و هر روز، تشنه؟ تر از پیش، سر به کوهوار شانه؟ هایف آسمانی؟ ات گذاشتند. چقدر این روزهای بی تو، کش آمده؟ اند! چقدر طولانی شده، صدای نیامدنت! چقدر غلیظ است هوای دلتنگی؟ ات! ای مهربانی بی حد! که روشنی بی وقفه هزار اقیانوس زیر آرامش قدمهایت شناور است و داغ هزار آتشفشان ریشه داده است در چشمهای بی نصیب؟ مان. تا چند چله؟ نشینی این زمستانهای بی؟ اندازه؟! تا چند دوندگی این سنگلاخهای یکنواخت؟! تا چند شمارش این ستارگان ارجمند؟! تا چند چشم؟ به راهی این کوچه؟ های تودرتوی تاریک؟! حلقه کدام در را بکوبیم؟ در گوش کدام جاده، زخمهایمان را بخوانیم؟ تاریکی در خیابانها سرازیر شده؛ مرگ در پستوها نعره می زند و چقدر از زلال پونه و نارنج، هوا رقیق است! و چقدر، مرگ در لابه؟ لای دیوارها زانو می زند! و چقدر گرسنگی، در پستوی خانه؟ های حقیر فراوان است! ... فانوسی می خواهد این شبهای در خیال آمدنت تا دیدار تازه پنجره؟ ها را، بر پیشانی روشن دریا بیاویزد و چفرت تمام خوابهای شیطانی را پاره کند ... بارانی تازه می خواهد این شوره؟ زارهای همیشه تا خمیازه؟ های کشدار علفها را رشته رشته پنبه کند و صبحی بنفش را در شریان آسمانها بریزد نسیمی رونده می خواهد این بی؟ شمار اندوهانف چشمها تا آواز پرند هزار پرستو را در شکاف دیوارها بریزد. تا کدام مرتبه از روشنی رودها، چشمهامان را ورق بزنیم که هیچ پرنده؟ ای پرواز را مشق نمی کند و هیچ درختی، پای زمزمه آنها شکوفه نمی دهد ... زخمی گشوده می خواهد این دقیقه؟ های لایتناهی بیمار تا جرعه جرعه، شرحی نیامدنت را خالی کند بر سرف دلتنگی این روزها ای سجاده نیاشت، رشته رشته در ادامه باران و ای آرامش آسمانی؟ ات در نهایت شوریدگی درخت با همان سکوت دیگر گونه؟ ات با همان سخاوت همواره؟ ات با همان قدمهای افراشته؟ ات با همان نگاه صاعقه؟ وارت با همان لبخند حفسن یوسف با همان ایستادن روشنانه؟ ات بایست! در مقابل دلتنگی قدیمی این خاک روبروی همواره این مسمومیت بی حد خالی کن! مهربانی؟ ات را در سفال تنگدستی این تاریک مخوف خالی کن! بهار تازه پیراهنت را در کنج خزانی این دقایق اندوه خالی کن! باران بی وقفه آمدنت را در بیابانف این فصلهای گرسنه بتکان! نگاه روشنت را در ذرات خستگی زمان بتکان! دامان ستاره؟ پرورت را در ظلمت این دقیقه؟ های تنگدست بتکان! پلکهای آفتابی؟ ات را در سبوهای یخ زده و گرسنه هوای بی تو تیغی نشسته در شریان رودهای تشنه جهان است؛ سنگی انباشته بر چشمهای آسمانی است؛ گردبادی جهنده در روشنی باغچه؟ هاست. هوای بی تو، هوای خالی اندوه است؛ هوای خالی مرگ است؛ هوای سوزنده از طعم بی عدالتی است. ای مبهمف روشن! تا چند زمستان چشمهایمان را روشن نگه داریم؟! تا چند انگشتانه دلتنگی؟ مان را کنار بگذاریم؟! تا چند از نردبان دوری؟ ات، بالا- برویم؟! تا چند پرنده، چشمهایمان را بگیریم زیر آفتاب؟! تا چند ...؟! ای تمام چشمه؟ های جهان را فراگیر! در کدام دامنه باران؟ خیز، خیمه افراشته؟ ای؟ سفره؟ ات را پای کدام دریا پهن کرده؟ ای؟ پیراهنت را بر کدام درخت مقدس آویخته؟ ای؟ کدام ستاره از سقف خانه؟ ات آویزان است؟ کدام دریا در سبوت ته؟ نشین شده است؟ ای گواه محکم آمدنی نزدیک! تا از نی یخبندان پی در پی بر خیزیم چند آفتاب را نذر آمدنت کنیم؟ و چند نواحی مقدس را تشنه تشنه سر بکشیم؟ ای آفتاب مرتفع مهربانی! سر بر دیوار شوربختی کدام کوچه بگذاریم؟ با این همه زمستانی که در کوله؟ بارمان است؛ و با این همه پائیزی که در راه است؛ و با این همه جاده؟ هایی که به بن؟ بست تکیه داده؟ اند. تا جمعه آمدنت چند ندبه فاصله است؟ × برگرفته از نشریه اشارات (ماهنامه ادبی مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما)؛ شماره ۵۶.

مریم ضمانتی یار پیرمرد دستهای چروکیده؟ آتش را به هم حلقه کرد. لحاف را روی شانه؟ هایش کشید. حیدر شرمند از سرمایی که تا مغز استخوان پدر پیرش را می‌لرزاند، کنار او زیر کرسی نشست. از فکر کرسی بدون گرما و آتش، تمام تنش از سرما می‌لرزید، پیرمرد سرفه خشکی کرد و خودش را به حیدر نزدیک کرد و گفت: توی این سرمای استخوان سوز، مدرسه تعطیل، موندی که چی بشه؟ حیدر که از سرش تا به حال صدبار این سؤال شماتت؟ بار را شنیده بود و برایش جوابی نداشت، این بار صبرش تمام شد: قربون پدرم برم، خودت که می‌بینی! پنجاه روزه که مردم اصفهان آفتاب روندیدن. اونقدر برف باریده که نهرهای آب یخ بستن. چکار کنم؟ - خب قبل از اینکه وضع اینقدر خراب بشه، راه می‌افتادی. تو تمام مدرسه به غیر از اون طلبه جوون که تو حجره؟ آتش خوابیده، هیچ؟ کس نیست. حیدر لحاف را بیشتر دور خودش پیچید و گفت: هر روز امیدمون این بود که فردا شاید هوا آفتابی بشه، یا حداقل برف بند بیاد. کی می‌دونست پنجاه روز برف قطع نمی‌شه. بدبختی ما همینه که این نهر از کنار حجره ما رد می‌شه و یخ بسته. خیلی خطرناکه. خجالت کشید بگوید که دیگر پولی هم برایش نمانده است. پیرمرد در حالی که چانه؟ آتش از سرما می‌لرزید گفت: باور کن حیدر، اگر التماسهای مادرت نبود، هرگز این راه پر زحمت رو تو این سرما، طی نمی‌کردم. بس که دلواپس تو بود، با این همه رنج و عذاب او مدم که تو رو با خودم به خونه ببرم، حالا اینطور اسیر برف و بوران شدم. کاش لااقل حجره ات یه ذره آتش و گرما داشت. - هر چه خاکه زغال بوده، تموم شده. چکار کنم؟ خادم مدرسه هم سرشبی از سرما مدرسه رو بست و رفت. با همه توضیحاتی که حیدر می‌داد، شکایت پیرمرد تمامی نداشت، سرما او را بیشتر از حیدر آزار می‌داد. مقاومتش خیلی کم؟ تر از او بود و سن و سال و بنیه ضعیفش، او را در برابر سرما کم طاقت کرده بود. حیدر اما شرمسار و ناچار، سرش را زیر لحاف کرد. از شدت سرما دندانهایش به هم می‌خورد و نمی‌دانست شب بلند زمستانی را چگونه بدون خاکه زغال و آتش به صبح برساند. پشیمان از ماندن در مدرسه و آشفته از رنج پدرش که مهمان او شده بود، درمانده، سردی اشک را روی گونه؟ هایش حس کرد. تصور اینکه پیرمرد در آن سرما، در حجره کوچک او ذات؟ البریه کند و... از این فکر وحشت کرد و لبش را به دندان گرفت. پیرمرد دوباره با صدایی که از سرما و التماس می‌لرزید گفت: حیدر تو که نمی‌خواهی همین طور زیر این کرسی بدون آتش کز کنی، فکری بکن. حیدر سرش را از زیر لحاف بیرون آورد. پدر از دیدن چشمان مرطوب حیدر خجالت کشید. حیدر آهسته نالید: چه کاری از دستم ساخته است؟ پای آدم تا زانو تو برف فرو می‌ره. با این پنجاه روز برف بی‌سابقه تو شهر، برای کی هیزم و خاکه زغال مونده که برم طلب کنم. مدرسه هم که تعطیل شده... پیرمرد وحشت کرد: یعنی راهی نیست؟ باید منتظر بمونیم تا از سرما یخ بزنیم و بمیریم؟ حیدر! حیدر! مادرت.. مادرت چی؟ تو روستا وضع از اینجا بدتره. پیرزن تنها، تو این سرما دلواپس من و تو... حیدر بی‌اختیار بلند شد. پوستینی دور خودش گرفت و کنار پنجره رفت. زیر نور چراغ برق کوچه بارش شدید برف را که دید بیشتر نگران شده. اگر تمام شب همین طور می‌بارید... فکر کرد: فردا هر طور شده از اینجا می‌ریم. پیرمرد متوجه سوسوزدن چراغ فانوس شد. مدرسه هنوز برق نداشت و حجره؟ ها با چراغ نفتی روشن می‌شدند. دل حیدر از سوسو زدن چراغ لرزید. نفت آن هم رو به اتمام بود. پدر نالید: پسر تو دیگه کی هستی؟ نفت هم تموم کردی؟ - چکار کنم؟... امروز صبح رفتیم بخرم، گیرم نیومد. قحطی نفت و خاکه زغاله با این برف و سرمای طولانی. پیرمرد حس کرد تحمل این یکی را دیگر ندارد. حیدر کنار او نشست و گفت: نماز که خوندم شامم که خوردیم. حالا تاریک باشه چی می‌شه؟ می‌خواهیم، فردا خدا بزرگه. پیرمرد ناله کرد: کی با این سرما خوابش می‌بره؟ - چکار کنم؟ این وقت شب تو این تاریکی و برف... بدون یه قرون پول... چراغ با آخرین رمق در برابر تاریکی مقاومت می‌کرد، اما بالاخره آخرین قطرات نفتش تمام شد و خاموش شد. پیرمرد انگار که از تاریکی اتاق ترسیده باشد کز کرد. پشیمان از این سفر اجباری به اصفهان و مدرسه باقریه که حیدر آنجا درس می‌خواند، چشمانش را بست. اما می‌دانست در آن سرما به خواب نمی‌رود. حیدر با خاموش شدن آخرین روزنه نور اتاق حس کرد در تاریکی راحت؟ تر می‌تواند گریه کند. از شدت سرما و شرمندگی پیرمرد، سرش را زیر لحاف برد و اشک ریخت: -

خدایا! اگر امشب پدرم از سرما تلف بشه؟ می‌دونی دستم از همه جا کوتاهه. شب بلند زمستون... یا صاحب الزمان! می‌دونی کاری از دستم ساخته نیست. خودت راه نجاتی نشونم بده آقا! ... شب از نیمه گذشته بود. سرما در آخرین درجه بیداد می‌کرد و دیگر رمقی برای شکوه و شکایت هم در پیرمرد نمانده بود. حیدر آنقدر آشفته بود و گریه کرده بود که حال خودش را نمی‌فهمید. شبهای زیادی را به سختی گذرانده بود، اما حالا این حضور پدر بود و رنجی که می‌برد توان تحمل یک شب دیگر را از او گرفته بود. از شدت سرما خواب از چشم هر دوی آنها رفته بود که ناگهان صدای در مدرسه دل حیدر را از جا کند. کسی محکم در را می‌کوبید. حیدر اول اعتنایی نکرد. تصور بیرون رفتن از زیر لحاف و پوستین در آن برف نیمه شب وحشت زده‌اش کرد. پدر پرسید: کی می‌تونه باشه؟ - نمی‌دونم. خدا می‌دونه نصف شبی کیه. - هر کی هست باشه! می‌بینه کسی جواب نمی‌ده می‌ره دنبال کارش. ما که نمی‌تونیم کمکش کنیم. حیدر از شنیدن صدای محکم در نیم خیز شد: هرچی باشه ما به سرپناه که داریم. شاید راه گم کرده. بلند شد و منتظر اعتراض پدر نماند. پوستین را به دور خودش پیچید و در حجره را به زحمت باز کرد. برف پشت در را پر کرده بود. حیدر به زحمت در را هل داد و با کنار رفتن مقداری از انبوه برف که پشت در متراکم شده بود، به سختی پا به حیاط گذاشت و خودش را به دالان مدرسه رساند. صد زد: کیه؟ این وقت شب کسی در مدرسه نیست. صدایی از پشت در گرفت: شیخ حیدر علی مدرس. شما را می‌خواهم! حیدر جا خورد. بدنش لرزید و با خودش گفت: این وقت شب، مهمون آشنا؟ اون هم کسی که منو از پشت در می‌شناسه؟ با این وضعی که من دارم، باعث شرمندگی و خجالته. حالا چکار کنم؟ ناخواسته سعی کرد عذری بیاورد تا مهمان از راه رسیده برگردد، گفت: خادم مدرسه در رو بسته و رفته. من هم نمی‌تونم بازش کنم. جوان پشت در گفت: بیا از سوراخ بالای در این چاقو رو بگیر و در رو باز کن. حیدر جا خورد. این نوع در باز کردن بدون کلید، به جز دو سه نفر از طلاب، از همه پنهان بود. چاقو را گرفت و در را باز کرد. نگاهش به چراغ برق جلوی مدرسه افتاد که خاموش شده بود. اگر چه سرشب روشنایی آن را از پشت پنجره دیده بود. با وجود خاموشی چراغ برق، کوچه کاملاً روشن بود و حیدر در آن لحظه متوجه منبع و علت این روشنایی نشد. در را که باز کرد جوانی را پشت در دید که کلاهی بر سر داشت و شال پشمی دور گردنش پیچیده بود و لباس پشمی قهوه‌ای به تن داشت با دستکش چرمی و پاهایش را هم با میچ بند، بسته بود. حیدر سلام کرد، جوان با خوشرویی جواب سلامش را داد. حیدر دقت کرد او را بشناسد و بداند نامش را از کجا می‌داند. جوان دستش را جلو آورد. تعداد زیادی سکه دو قرانی جدید در دستش بود که می‌توانست مخارج ماههای آینده حیدر باشد. آنها را در دست او گذاشت و چاقو را گرفت و گفت: فردا صبح خاکه ذغال هم برای شما می‌آوریم. اعتقاد شما باید بیش از اینها باشد. به پدرتان هم بگویید اینقدر شکایت نکن. ما بی‌صاحب نیستیم. حیدر از شنیدن کلام جوان احساس آرامش عجیبی کرد. گفت: حالا بفرمایین تو. پدرم تقصیری نداره. وسیله گرم کننده ندارم. حتی نفت چراغم تموم شده. حجره خیلی سرده، تاریک هم شده. جوان فرمود: شمع گچی بالای طاقچه حجره هست آن را روشن کنید. خاکه ذغال هم می‌برسد. حیدر پرسید: آقا این پول برای چی هست؟ جوان گفت: مال شماسه. خرج کنید. حیدر که کاملاً سرما را فراموش کرده بود و با آرامش ایستاده بود گفت: بفرمایین تو. جوان که پیدا بود برای رفتن عجله دارد خداحافظی کرد و حیدر در را که بست یادش آمد اسم او را نپرسیده دوباره در را باز کرد. اما به جای آن روشنایی زمان حضور آن جوان، تاریکی دوباره بر کوچه سایه انداخته بود و هیچ نشانی از جوان نبود. اثری از جای پا هم نبود. کسی که این همه مدت روی برف ایستاده باشد باید آثار پایش روی برف دیده می‌شد، اما انگار که برف نبود و جلوی در مدرسه سنگ فرش بود که ردپا و رفت و آمدی بر آن نقش نبسته بود. پدر که دید حیدر دیر کرده با وحشت و اضطراب صدا زد. حیدر! بیا تو یخ می‌زنی. هر کس می‌خواه باشه... بیا تو... حیدر ناامید از دیدن دوباره آن جوان در را بست و بی آن که دیگر احساس سرما کند، با آرامش به حجره برگشت. پیرمرد لب به اعتراض گشود: تو این هوای برفی که زبون به لب و دهن یخ می‌زنه، با کی اینقدر حرف می‌زدی؟ حیدر بدون این که احساس سرما کند و یا حرفی بزند، به سراغ طاقچه رفت. شمع گچی را

دید. یادش آمد دو سال قبل آن را آنجا گذاشته بود و به کلی فراموش کرده بود. آن را آورد و روشن کرد. نور شمع به حجره روشنی داد. پیرمرد متعجب نیم خیز شد و وقتی حیدر یک مشت سکه نو را روی کرسی ریخت، چشمان کم فروغ پیرمرد برقی زد: اینها چیه؟ این شمع تا حالا- کجا بود؟ کی دم در بود؟... حیدر به آرامی همه قصه را برای پدر گفت در حالی که اشک تمام صورتش را خیس کرده بود. پیرمرد متعجب به حیدر خیره شد: سمت رو می؟ دونست! از حال ما خبر داشت! جای شمعی که دو سال قبل گذاشته بودی... حیدر اون جوون... در خودش احساس نشاط و گرما کرد. به شتاب بلند شد و به طرف در حیاط مدرسه دوید و جای پای حیدر را این طرف در دید ولی در آن طرف در، در کوچه هیچ ردپایی نبود. به حجره برگشت. او هم با وجود همان شعله کوچک شمع، احساس گرما می؟ کرد. هر دو تا صبح بیدار بودند و مجذوب آنچه پیش آمده بود... هنوز با همان حال خوشی که داشتند در پرتو نور گرما بخش شمع به تعقیب نماز صبح مشغول بودند که دوباره در زدند. اینبار جوان دیگری برای همه طلاب مدرسه و تمام زمستان خاکه زغال آورده بود. زغالی که تا پایان زمستان برای تمام مدرسه کافی بود. جوان که رفت حیدر بلند بلند گریه کرد و صدایی در گوشش طنین انداخت؛ به پدرتان بگویید... ما بی؟ صاحب نیستیم... با نگاهی به کتاب: برکات حضرت ولی عصر یا عبقری الحسان، حاج شیخ علی اکبر نهایندی

### هدف؛ تخریب مسجدالاقصی

یک جریان صهیونیستی طرفدار اسرائیل در آمریکا خواستار تخریب مسجدالاقصی شد. بیروت - ایرنا: یک جریان مسیحی صهیونیستی در آمریکا شکل گرفته که اعتقاد دارد ویرانی مسجدالاقصی و ساخت معبد سوم سلیمان به جای این مسجد، شرط ظهور حضرت مسیح (ع) است و بدون ساخت معبد سوم، مسیح هرگز ظهور نمی؟ کند. این جریان، به ویژه گروههای تندرو صهیونیست وابسته به آن، اعتقاد دارند که خرابه؟های معبد نخست و دوم سلیمان در زیر مسجدالاقصی است و برای ساخت مجدد این معبد راهی جز ویرانی مسجدالاقصی وجود ندارد. با توجه به همین اعتقاد، پیروان این جریان صهیونیستی مبالغ هنگفتی را در سازمانهای افراطی صهیونیستی مانند «عطیرات کوهانیم» قرار می؟ دهند که یهودی کردن قدس و تخریب مسجدالاقصی هدف اعلام شده آنها است. چهره؟های بارز این جریان در مصاحبه؟های مختلف با رسانه؟های ارتباط جمعی رژیم صهیونیستی می؟ گویند که هیچ رئیس؟جمهوری در آمریکا جرأت آن را ندارد که به اسرائیل کمک نکند؛ زیرا در غیر این صورت سرنگون خواهد شد. در چارچوب اعتقادات و تلاشهای این جریان صهیونیستی روز ۲۱ مهرماه جاری مراسمی در قدس با حضور سه هزار نفر از طرفداران جدی رژیم صهیونیستی که به سرزمینهای اشغالی آمده بودند، برگزار شد. «آریل شارون» نخست؟وزیر رژیم صهیونیستی خطاب به شرکت؟کنندگان در این مراسم گفت: کشمکش کنونی اسرائیل با فلسطینیان ریشه در مخالفت جهان عرب با حقوق یهودیان دارد و جهان عرب نمی؟خواهد با ملت یهود آشتی کند. وی همچنین در این مراسم برای تحریک احساسات اعضای این جریان افراطی ادعا کرد: اسرائیل ظرف سه سال گذشته شاهد جنگ تحمیلی فلسطینیان بوده است اما این کشمکش صد سال پیش آغاز شد. هدف از سفر این سه هزار آمریکایی به سرزمینهای اشغالی آن بوده که از کابینه شارون بخواهند از قدس دست نکشد و شارون نیز به آنان گفته است که قدس برای همیشه مرکز یکپارچه اسرائیل باقی خواهد ماند. سفر این سه هزار طرفدار افراطی اسرائیل به قدس در حالی صورت می؟گیرد که با توجه به شرایط بحرانی خاورمیانه، افکار عمومی بیشتر معطوف خبرهای نظامی در عراق است و جهانیان به اخبار فلسطین توجه کمتری نشان می؟دهند.

### یک فروغ روی او

غم مخور ایام هجران، به روزگار وصل می؟انجامد. در ناامیدی، امید دیدن باقی است. پایان شب سیه، سپیده آمدن توست. یارب!

به که شاید گفت، ما دلشدگان کوی اویم. اندک اندک، فصل ظهور نزدیک می‌شود. رهرو آن نیست که، بی ردّ و نشانی از تو قدم بردارد. با یک گل؛ فقط با یک گل بهار می‌شود. گر صبر کنی، طعم فرج را خواهی چشید. مرد آخرین، شیعه مخلص توست. آب روشنایی است، و تو از آب روشن تری.

### راه بهره مند شدن از امام عصر (ع) در زمان غیبت

هر چند امام زمان (ع) غایب از انظار است و این غیبت موجب محروم شدن امت از قسمتی از برکات وجود آن حضرت است که متوقف بر ظهور است، ولی قسمتی از فیوضات وابسته به ظهور نیست. او همچون آفتابی است که ابر غیبت نمی‌تواند مانع تأثیر اشعه وجود او در قلوب پاکیزه شود، مانند اشعه خورشید که در اعماق زمین جواهر نفیسه را می‌پروراند، و حجاب ضخیم سنگ و خاک مانع استفاده آن گوهر از آفتاب نمی‌شود. و چنان که بهره‌مند شدن از الطاف خاصه خداوند به دو طریق میسر است: اول: «جهاد فی الله» به تصفیه نفس از کدورت‌هایی که مانع از انعکاس نور عنایت اوست. دوم: «اضطرار» که رافع حجاب بین فطرت و مبدأ فیض است «أمن یجیب المضطر إذا دعاه و یکشف السوء» (۱) همچنین استفاده از واسطه فیض خدا که اسم اعظم و مثل اعلاّی اوست به دو طریق است: اول: به ترکیه فکری و خلقی و عملی که «أما تعلم أنّ أمرنا هذا لاینال إلّا بالورع» (۲) دوم: به انقطاع از اسباب مادی و اضطرار. از این طریق بسیار کسانی که بیچاره شدند، و کارد به استخوان آنها رسید، و به آن حضرت استغاثه کردند و نتیجه گرفتند. به قصور و تقصیر نسبت به ساحت قدس آن حضرت اعتراف می‌کنیم. او کسی است که خدا به او نور خود را، و به وجود او کلمه خود را تمام کرده است. او کسی است که کمال دین به امامت و کمال امامت به اوست. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «اوست که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داده است» (۳)، و در وجود حضرت مهدی (ع) خورشید و ماه هر دو جمعند، و چه بسیار تفاوت است بین خورشید آسمان دنیا و ماه آن، و بین خورشید آسمان ملاءف اعلی و ماه آن. تفاوت این است: خورشید و ماه، روشنایی و نور است، ولی حضرت مهدی (ع) نور فروزان خداوند است، روشنایی پرتوافکن خداوند است، و تأویل آیه شریفه «و أشرق الأرض بنور ربّها» ظهور آن حضرت (۴) است. اگر دیده تاب دیدن آفتاب آسمان را که به فرمان خدا روشن است، ندارد چگونه بینش انسان می‌تواند حقیقت خورشید وجود را که به نور خدا منور است، ادراک کند؟! آری قلم از شرح توانایی «سیف الله» که مظهر قدرت لایزال است عاجز، و زبان از بیان دانایی انسانی که «نورالله» همیشه روشن است، الکن است. پی‌نوشت؟ ها: × برگرفته از: مقدمه؟ ای در اصول دین، آیه‌الله العظمی وحید خراسانی. ۱. سوره نمل آیه ۶۲ آیا کیست که اجابت می‌کند مضطر را زمانی که او را بخواند، و برطرف می‌کند سوء؟ (۲). (آیا نمی‌دانی که هر آینه امر ما نیل نمی‌شود مگر به ورع) بصائر الدرجات، الجزء الخامس، ص ۲۶۳، باب ۱۱، ج ۲؛ دلائل الإمامة، ص ۲۵۴، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۲۷۸، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۷۱. سوره یونس (۱۰)، آیه ۴۵.. سوره زمر (۳۹)، آیه ۶۹ (و درخشید زمین به نور پروردگارش).

### پایگاههای شیعی در اینترنت

قسمت سوم رضا عباسپور ۱ - صبح (به زبان فارسی) [www.sobh.org](http://www.sobh.org) شامل آلبوم تصاویر شهدای شهرهای مختلف ایران، آثار دفاع مقدّس، شهدای تفحص، دفاع مقدّس، معرفی آثار دفاع مقدّس و... ۲ - مرکز اسلامی انگلیس (به زبان؟های فارسی، عربی، انگلیس) [www.ic-el.org](http://www.ic-el.org) شامل مسلمانها و عقاید آنها، خدمات اسلامی، امام خمینی؟ و... ۳ - دعا (انگلیسی، عربی) ادعیه [www.duas.org](http://www.duas.org) شامل دعاهای صحیفه سجادیه، صحیفه رضویه، صحیفه علویه، دعای کمیل، ندبه، جوشن کبیر و اسماء الهی با ذکر خواص هر یک و... ۴ - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (فارسی، عربی، انگلیسی) [www.balag.net](http://www.balag.net) شامل علوم دینی، معارف اسلامی، احادیث معصومین، احکام؟ و قرآن، آموزش دروس حوزوی، فرهنگ قرآن و مفاهیم قرآنی ۵ - مؤسسه

جهانی آل البیت (فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی، روسی، اردو) [www.al-shia.com](http://www.al-shia.com) اشاعه فرهنگ شیعه، تبلیغ و تبیین مبانی شیعی، استفتائات، مباحث روز، قرآن، حدیث، دانستیهای علمی، احکام، مجلات، فقه، سخنرانی. ۶- مجلس اعلاى اسلامى شیعه در لبنان (عربی) [www.kafel.com](http://www.kafel.com) سخنان پیامبر اکرم (ص) امام علی (ع)، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مقالات پیروان اهل بیت (ع)، تاریخ اسلام و شیعه ۷- پایگاه الاسلام (انگلیسی و عربی) [www.al-islam.org](http://www.al-islam.org) - خدا و قرآن، پیرامون اسلام، چهارده معصوم علیهم السلام، معارف اسلامی و احکام، تاریخ و رویدادهای جاری ۸- شبکه النیل و الفرات (عربی) [www.neel-wafurat.com](http://www.neel-wafurat.com) شامل تفسیر قرآن و علوم قرآنی، حدیث و علوم حدیث، فقه و اصول فقه، عقائد، فرقه‌ها، سیره نبی، تاریخ اسلام، جامعه اسلام، نظام سیاسی اسلامی، تصوف، تفکر اسلامی معاصر، فرهنگ و... ۹- مرکز احیاء التراث الاسلامی - قم (فارسی و انگلیسی) [www.thurath.org](http://www.thurath.org) شامل فهرست کتابها و رساله‌ها و دیگر آثار اسلامی به ترتیب الفبائی و موضوعی. ۱۰- مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی (فارسی، عربی، انگلیسی) [www.noorsoft.org](http://www.noorsoft.org) در زمینه قرآن، حدیث، دعا و زیارات، فقه و اصول، تاریخ، رجال، کتب انگلیسی، عرفان و... ۱۱- چکیده اسلام (انگلیسی) [www.islamicdigest.org](http://www.islamicdigest.org) شامل شخصیت‌های اسلامی، تاریخ و زندگانی اهل بیت (ع) اعیاد اسلامی، جنگ‌های اسلام، قرآن و حدیث، نهج البلاغه و... ۱۲- موسسه فرهنگی پیوند با امام (فارسی) [www.noorerfan.net](http://www.noorerfan.net) - تربیت (فارسی) [www.tarbiat.org](http://www.tarbiat.org) شامل نکات اخلاقی در کلام قرآن و معصومین، تعلیم و تربیت در اسلام، راه‌های تربیت، آداب و... ۱۴- قصص (فارسی) [www.gasas.org](http://www.gasas.org) شامل داستان‌های قرآنی، معصومین، کرامات معصومین و داستان‌های مربوط به هر کدام. ۱۵- مؤسسه فرهنگی دارالحدیث (فارسی، عربی، انگلیسی) [www.hadith.net](http://www.hadith.net) شامل منابع و متون حدیثی ۱۶- هجر (عربی) [www.hajr.net](http://www.hajr.net) این شبکه مخصوص حوار و گفت و گو در زمینه‌های مختلف از جمله علوم و معارف اسلامی، ادب و لغت و روابط اجتماعی، طب و بهداشت، مطالب متنوع و به روز است. ۱۷- ارتباط شیعی (عربی) [www.shia-link.net](http://www.shia-link.net) شامل قرآن، نهج البلاغه، علوم حدیث، اعتقادات اسلامی، تاریخ اسلام، فقه و اصول، اخلاق اسلامی، ادب و لغات، فرهنگ اسلامی و منابع اهل سنت ۱۸- مرکز اطلاع رسانی غدیر (فارسی و انگلیسی) [www.ghadeer.org](http://www.ghadeer.org) شامل انتفاضة، علوم اسلامی، اخلاق و احکام، استفاده از کتب مختلف ادیان الهی، اخلاق، حدیث، کلام، بانک نرم افزار، علوم اسلامی پیام پیامبران. ۱۹- عقاید (عربی) [www.aqaed.com](http://www.aqaed.com) شامل سلسله جلسه‌های عقیدتی، کتابها و بحث‌های عقیدتی، کتابها و بحثها در مورد شبهات، تاریخ اسلام، پاسخ به شبهات، اعتقادات، مناظره‌های گوناگون میان علمای شیعه با مخالفان، احادیث مختلف. ۲۰- اسلام برای شما (عربی) [www.islam4u.com](http://www.islam4u.com) شامل مقالات و رسالات، ادعیه و زیارات، طرائف و عبرتها، تفسیر ساده، کتابخانه اسلامی، فقه اسلامی، ادعیه... شرح حال معصومین به زبان ساده برای نوجوانان ۲۱- رافد (وابسته به مؤسسه آل البیت) (به زبان عربی و انگلیسی) [www.rafed.net](http://www.rafed.net) شامل مؤسسات و مراکز، کتب (قرآن، علوم قرآن، فقه، حدیث، اخلاق، سره معصومین) مقالات - مناظرات (۲۰۰) مناظره در موضوعات امامت، اعتقادات و احکام) رویدادها و وقایع. ۲۲- مرکز شیعیان (عربی) [www.shia-center.com](http://www.shia-center.com) شامل اهل بیت، مناسبتها، گفتگو (حوار) مجله اهل بیت، کتابخانه، ادعیه و زیارات ۲۳- پایگاه کوثر کویت (عربی) [www.kawthar.com](http://www.kawthar.com) - www.al شامل اهل بیت، کتابخانه‌ها، حوزه علمیه، مقالات اسلامی، برنامه‌های اسلامی، بحث‌های فقهی ۲۴- مجله بقیه... (عربی) [www.bagiatollah.org](http://www.bagiatollah.org) شامل مجله فرهنگی، اسلامی و دینی است با موضوعات در رکاب بقیه... ولی فقیه، فرهنگی اسلامی، جهاد و شهادت، جامعه و خانواده از مباحثی است که در این شبکه موجود است. ۲۵- مجله نبأ (عربی) [www.annabaa.org](http://www.annabaa.org) شامل مقالات و نوشته‌هایی درباره اقتصاد، سیاست، مباحث اسلامی، ادب و عفت، حقوق، علم نفس، علوم مختلف، خانواده و زن، فرهنگ، گفت و گوهای مختلف. ۲۶- ضیافت عشق (فارسی، عربی، انگلیسی) [www.hadjir.ir](http://www.hadjir.ir) شامل اسرار و معارف حج، مناسک و فقه حج، افکار و اندیشه‌ها، حج در ادبیات، اماکن و آثار، تاریخ و رجال.



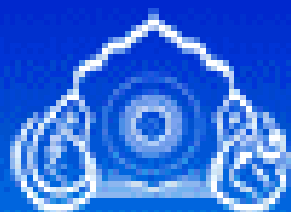
مسائل جاری و اجتماعی حج، کتاب شناسی حج، عکس و... ۲۷- قرآن مجید (انگلیسی) [www.quranmagid.com](http://www.quranmagid.com) شامل منبع آزادی است برای دان لود کردن صداهای مختلف قرآنی از قراء معروف و مشهور ۲۸- بسم الله (انگلیسی) و (اردو) [www.bismillah.com](http://www.bismillah.com) شامل قرآن، داستانهای قرآنی، اسلام در اینترنت و... ۲۹- مؤسسه خدمات انسانی اسلامی (عربی)، انگلیسی) [www.al-hagg.com](http://www.al-hagg.com) شامل موضوع اساسی این شبکه درباره مسائل مربوط به حج و تبلیغ در حج همچنین روابط مسلمانان، مذهب، مدرسه حسینی، انواع مجلات و... ۳۰- کارت تبریک اسلامی (انگلیسی) [www.islamicgreetings.com](http://www.islamicgreetings.com) انواع کارت تبریکهای اسلامی ۲۴- شبکه جهانی شیعه [www.shiaweb.org](http://www.shiaweb.org) دفاع از شیعه بوسیله کتابهای اهل سنت، مظلومیت حضرت زهرا (س)، کتابهای اسلامی، اعمال ماههای رجب، شعبان، رمضان، پایگاههای اسلامی و شیعی ۲۵- اتحادیه؟های نورالاسلام [www.nooralislam.net](http://www.nooralislam.net) انجمن اسلامی شیعه که شامل گفت و گوهای اسلامی، عقایدی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی است. ۲۴- شبکه دوستداران و یاوران امام مهدی، علیه السلام - [www.al-mahdi.org](http://www.al-mahdi.org) این سایت شامل کتابخانه صوتی عظیمی است شامل قرآن کریم، مناظره؟ها، دعاها، موعظه؟ها، اشعار، و سروده؟هایی که در مدح و شادی آل البیت، همچنین اطلاعات و داده؟هایی از زندگانی حضرات معصومین و مناسبات اسلامی. ۲۵- شبکه امام قائم، علیه السلام [www.algaem.net](http://www.algaem.net) حقایق مربوط به امام عصر (عج) همچنین پاسخ به شبهات و مطالبی همچون: اصل اعتقاد به حضرت صاحب عصر (عج)، غیبت صغری و کبری، شیعه در زمان ظهور، علامات ظهور، ظهور، بعد از ظهور است و... ۲۶- شبکه بزرگان؟آل البیت، علیهم السلام [aaluibayt.org](http://aaluibayt.org) مبادی اسلام و اهداف امام حسین (ع)، رد شبهات، سخنرانیها، اهل بیت و شیعه، معرفی کتابهای اخلاقی و... ۲۷- مرکز بحثهای اعتقادی [www.aqaed.com](http://www.aqaed.com) شامل شیعه و تشیع، کتابهای عقیدتی، اهل بیت، ارتباط با علما (آیه... سیستانی)، سؤالات عقیدتی و مسابقات، سرودهای مذهبی. ۲۸- دفتر آیه الله میرزا جواد تبریزی [www.tabrizi.org](http://www.tabrizi.org) پاسخ به سؤالات فقهی و عقیدتی مراجعه؟کنندگان ۲۹- بطاقات اسلامی (بلیطهای اسلامی) [www.alawjam.com](http://www.alawjam.com) سرودهای اسلامی - قصیده؟های گلچین، مداحی؟ها (ولادت و شهادت) اهل بیت و... ۲۹- آیه الله خامنه؟ای ۳۰ [www.khamenei.com](http://www.khamenei.com) - آیه الله خامنه؟ای - لندن ۳۱ [www.khamenei.org](http://www.khamenei.org) - آیه الله شاهرودی ۳۲ [www.shahrudi.org](http://www.shahrudi.org) - آیه الله سیستانی نجف ۳۳ [www.najaf.org](http://www.najaf.org) - آیه الله فاضل لنکرانی ۳۴ [www.lankarani.net](http://www.lankarani.net) [www.islamcpo.com](http://www.islamcpo.com) - آیه الله مکارم شیرازی ۳۵ [www.makarem-shirazi.org](http://www.makarem-shirazi.org) - آیه الله تبریزی ۳۶ [www.tabrizi.org](http://www.tabrizi.org) - آیه الله سید محمد باقر حکیم (عربی، انگلیسی) ۳۷ [www.alhakeem.com](http://www.alhakeem.com) - آیه الله مصباح یزدی [www.mesbah-yazdi.org](http://www.mesbah-yazdi.org)

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری

شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه

می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

